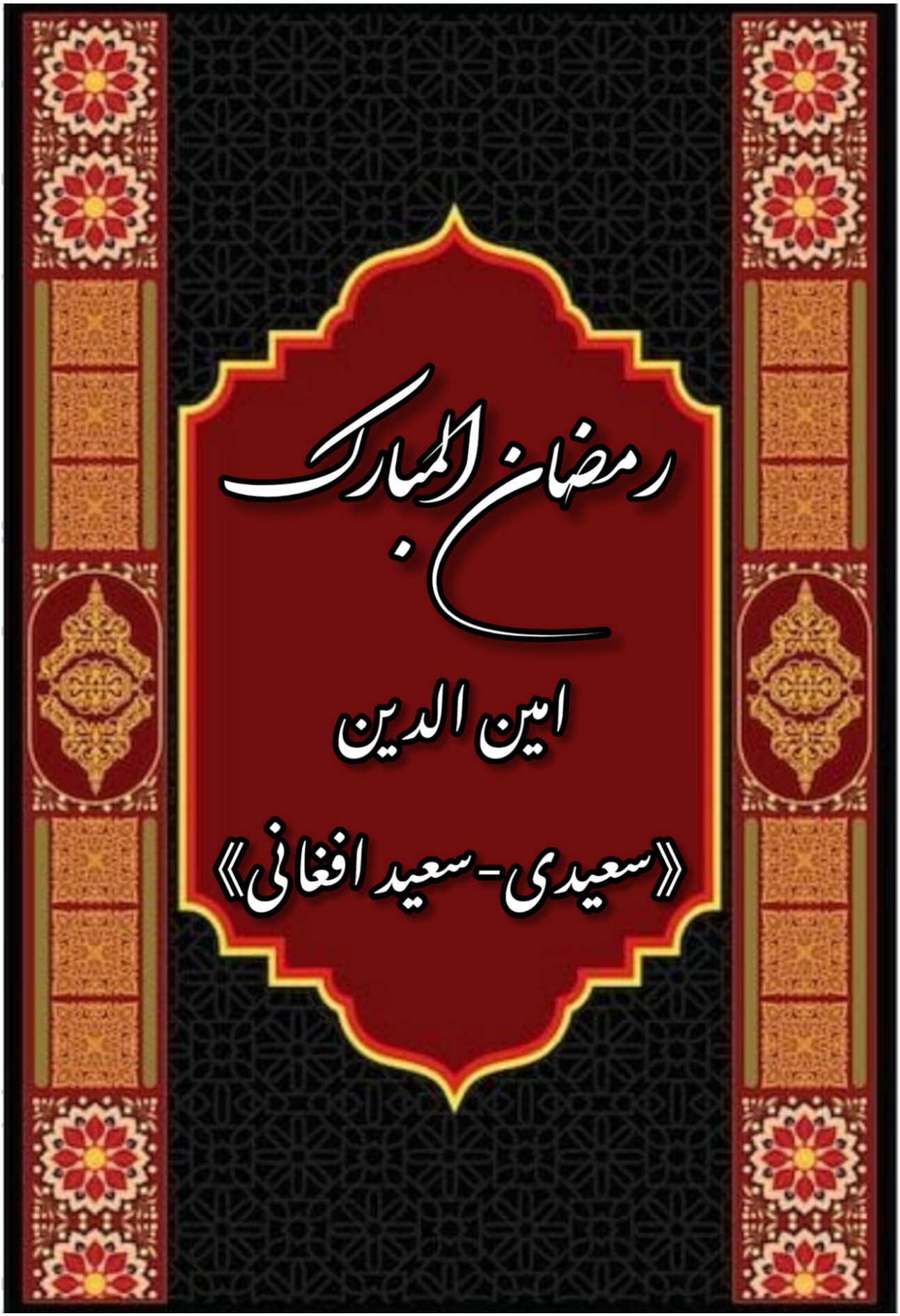
رمضان المبارک
امین الدین
«سعیدی - سعید افغانی»

رمضا ن المبارک

تتبع ونـگارش :
امین الدین « سعیدی ـ سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان
ومسؤل مرکز فرهنـگی دحق ـ لاره

رمضـان الـمبـارك

بسم الله الرحمن الرحيم

«يا ايها الـذين آمنو ا كتب عـليـكم الصـيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلـكم تتقـــــون .»
(سوره البقره : آيه 183) چهارده قرن قبل پيامبر اسلام حضرت محمد صلى الله عليه وسلم اعلام داشت:« صوموا تصحـوا... » (روزه بگيريد تا صحتمند شويد ».
پيغمبر اسلام با زيبای خاصی می فرمايد :« معده محل هر درد است : از پر خوری وخوردن غذانا مناسب جلو گيری كنيد. اين عمل شما شفا ء بخش همه درد ها وامراض بشمار ميرود.»
طبق روايات تاريخی روزه نه تنها در بشريت مروج ومعمول است ، بلكه علمای حيوان شناسی بر اين عقيده اند كه : حتی حيوانات هم از روی غريزه خدادادگی برخی از اوقات روزه ميگيرند . از جمله حيوانات درنده از قبيل شير وپلنگ وببر ، علما ميگويند كه اين حيوانات در هفته يك روز از خوردن هر گــونه غذا خود داری مينمايند.

روزه وصحت :

طب بشری امروز بعد از چهادره قرن متوجه شد كه روزه بسياری از امراض را تداوی ومعالجه مينمايد ، بدين اساس در بسياری از كشور ها آغاز به تاسيس كلينك های روزه داری نموده اند.
روزه نه تنها بر روح و روان واخلاق انسان تاثير ميگذارد بلكه موجب زيبايی جسمی انسان هم ميگردد.
طب قديم هم در زياتر از اوقات مريضان خويش را به امساك از پر خوری منع نموده وبه اين امر معتقد بود كه تقليل در پر خوری مانع دفع بسياری از امراض در وجود انسان ميگردد.طب جديد هم بر اين امر معتقد است كه امساك وروزه در جلوگيری بسياری از امراض موثر است صرف نام آنرا (رژيم غذاىی گذاشتند) كه ما مسلمانان آنرا به روزه مسمی نموده ايم.دوكتوران روزه را يكی از بهترين عوامل صحتمندی بشری شمرده اند .

1- پرفيسور د وكتور پوشر دانشمند فـرانسوی می گـويـد :(روزه بهترين وسيله برای صحت وسلامتی وجود انسان بشمار ميرود)روزه برای صحت انسان است ، روزه بـرای استراحت معـده ، روده ومنظم كـــردن تر شحات معدوی ودر نهايت برای منظم ساختن هاضمه مفيد مـؤثر ميباشد. روزه معالجه وتداوی است كـه از آن فقير وسر مايدار بطــور مساويانــه ميتواند استفاده بعمل آرد.

2- داكتر الكسيس كارل ميگويد : (با روزه گرفتن قند در جگر می ريزد وچربيهايی كه در زير پوست ذخيره شده اند ، پروتين های عضلات وغدد ، و سلولهای كيسه صفرا ، آزاد شده به مصرف تغذيه ميرسند .)

3- داکتر ژان فروموزان :(معالجه با روزه را به شتشوی احشا ء تعبیر نموده و میگوید : در آغاز روزه ، زبان انسان کمی سنگین وبو دار است ... که بعد از سه ، چهار روز بوی زبان بر طرف میگردد . اسید اوریك ادرار کاهش می یابد ، ودر نتیجه برای انسان روزه دار احساس سبکی وخوشی خارق العاده رخ میدهد وهمه وجود انسان بسوی استراحت میرود **)**

4- داکتر تو مانیانس : میگوید : « فایده بزرگ کم خوری وپرهیز ازصرف غذاها ، در یك مدت کوتاه ، آن است که ، چون معده در طول مدت یازده ماه مرتب پر از غذا بوده ودر مدت یك ماه روزه داری مواد غذای شکم خود را دفع میکند وهمین طور (کیسه صفرا) کـه برای حل وهضم غذا مجبور است که مواد صفرای خود را مصرف کند ، در مدت سی روز تـر شحات صفراوی را صرف در حل وهضم غذای باقی مانده وجمع شده در معده بمصرف میرسند. جهاز هاضمه بدن در نتیجه کم خوری استراحت نموده ،وبه رفع خستگی می پردازد .

روزه یعنی کم خوردن وکم نوشیدن در مدت معینی از سال است واین بهترین راه برای سلامتی وجود انسان بشمار میرود . هم طب قدیم و هم طب جدید بر اهمیت این امر صحه گذاشته است .

روزه برای تداوی امراض جهاز هاضمه ، کلیه ، کبد (کیسه صفرا) کـه بسیاری از امراض این بخش را حتی با دوا ها نمیتوان معالجه کرد ، میتوان آنرا به روزه تداوی ومعالجه نمود .

روزه بهترین معالجه وتداوی بـرای امـراض سو ء هـاضمه بوده ، مـرض مخصوص کبد (کیسه صفرا) که موجب « یر قان» (زردی) میگردد بهترین معالجه آن همین روزه است بخاطر اینکه این مرض زیادتر از اوقات به واسطه فعالیت بیش از حد کبد بوجود می اید وموجب خستگی کبد گردیده که بـــــه اثر آن کیسه صفر ا از فعالیت می افتد ونمی تواند صفرا ء را از خون بگیرد . »

5- داکتر گوئـل پا میگوید : تعدادی زیادی از امراض روده کـــه به اثر تخمیر غذا در روده ها بوجود می اید نه به اثر دوا بلکه به اثر روزه بر طرف میگردد.

6 - داکتر الکسی سوفـورین میگویـد : جسم در هنگام روزه به جای غذا از مواد داخلی استفاده کرده وآنرا به مصرف میرساند . که در نتیجه آن مواد فاضله وعفونی که در جسم تجمع میکند وبحیث ریشه وخمیره بیمـاری مبدل میگردد، با گرفتن روزه از بین رفته ، وروزه عامل ریشه کن شدن تعدادی زیادی از امراض بشمار میرود. دکترالکسی سوفورین میگوید : باید انسان جسم خود را با روزه از داخل پاك ونظیف کرداند. »

7- داکتر کـارلـو معتقـــد است :هر انسان باید درظرف یك سال مدتی از خوردن غذا زیاد جلو گیری کند. زیرا تدوام روزمره غذا موجب تکثر وتولد ودر نهایت موجب رشد میکروب ها در وجود انسان میگردد. که بـا احتیاط وکم خـوری میکروب ها در

وجود انسان رو به ضعف وتقليل ميروند . وبهترين معالجه در دفـع ميكروب ها در وجود انسان همان روزه است كه دين اسلام براى سلامتى وجود انسان واجب گردانيده است ».

8- **داكتر رو : ميگويد :**حتى بسيارى از امراض سفليس را تنها ميتوان با روزه وا مساك تداوى كرد. »

9 - « بنديك » عالم فيزيو لوژيست ميگويد : «يك دوره روزه سى ويك روز است ...در اين مدت در تر كيب خون هيچ نوع اختلاطى به هم نرسيده وآن نورى كه در برخى از روزه داران ملاحظه ميشود ، وآن حالت جوانى ونشاط كه براى روزه داران رخ ميدهد عامل همه آن روزه است . »

10- « اوتو بو خنگر « يكتن از محققان مشهور جهان در عر صه طب ميگويد :

« اكثر امراض حاد ومزمن را ميتوان با وسيله روزه بهبود بخشيد ويا حد اقل از شدت آن كاست . « وى ميگويد : در هنگام روزه جسم انسان همه مواد فاضله را جمع اورى نموده وبه احراق آن مي پردازد ، نيروهاى نو ساز بدن به هنگام روزه فعال مى گردند وبـه تصفيه وتر ميم بافتهاى بـدن مى پردازد . مـدت پنجاه سال كه از تاسيس « كلينك اوتو بو خنگر » سپرى ميشود بيشتر از پنجاه هزار انسان در اين مـركز صحـى تنها با روزه تداوى ومعالجه گرديده اند . :

11 - داكتر « عبد العزيز اسماعيل پاشا » دانشمند مشهور مصرى:

در حالاتى ذيل براى معالجه از روزه استفاده نموده است :

الف: در مورد اضطرابات مزمن امعاء هنگامى كه مقرون با تخمير مواد زلا ليه ومواد نشائسته بـى باشد. در ايـن موقـع روزه ، مخصوصاً از جهت نيا شاميدن آب ميان دو خوراك وايجاد فاصله طولانى نوبت هاى غذا ، علاج قطعى است واين خصوصيت در مورد ماه مبارك رمضان صدق كامل دارد.

ب : هنگام زياد شدن وزن كه به اثر پر خورى وتقليل حركت بـــو جود مى آيد ، روزه بـــا رعايت اعتدال در غذا ، افطار واكتفا ء به آب هنگام سحر نسبت به هر معالجه مفيد تر وموثر تر است .

ج : جلوگيرى از مـــــرض شكر .

د : جـــلوگيرى از فشار خـــون .

ه : جلوگيرى از ا لتهاب حاد ومزمن كليه ها كه مقرون با ترشح وتورم باشد.

و : جلو گيرى از امراض قلب كه توام با تورم باشد.

ز : جلـوگيرى از التهاب ها مزمن مفاصل ، بخصوص كه توام با امراض چاقى باشد كه اغلباً در بين زنان در سنين چهل سالگى بوجود مى ايد . تجارب نشان داده است كه با گرفتن روزه در جات اين مرض نسبت به ساير معالجه هاى برقى ، خونى واستعمال دوا ها ، واستعمال تخنيك هاى پيشرفته طب جديد ، در وجود انسان تقليل وتخفيف مى يابد .

12- داکتر کارلـــو:میگوید : چون تعدا د امـراض بیشتر گــردیده است مجبور هستم همه انسان هـا(اعـم از فقیر وغنی) را از تداوی ومعالجه که آنرا پیامبر اسلام در جزیرة ا لعرب تشریع نموده وبنام روزه آنرا مسمی ساخته است ، باخبر سازم .

معــالجه امـراض چشم :

13- داکتر آندر پاسك معتقد است: در صورتیکه انسان ، پرابلم ها و ناراحتیهای وخیم در چشم (از جمله ورم ها ، ورم شبکیه ، ورم بافت ملتحمه ، آب مروارید وآب سبز در چشم) مبتلا باشد . حتماً باید روزه گیرد .

14 - داکتر « آلن مویل » میگوید :روزه دارای چهار فایده اساسی است :

1 – مانع تجمع مواد سمی در بدن انسان میگردد .

2- روزه باعث میگردد که جهاز هاضمه بدن استراحت نسبی یابد .

3 - به وسیله روزه بدن انرژی خود را صرف دفع سموم در بدن مینماید.

4- نیروی حیاتی در بدن انسان تحریك یافته وموجب تقلیل مواد فاضله در بدن میگردد.

فـوایـد طبی روزه :

اگر نظریات اطبا ء را در مورد فوایدی روزه بصورت کل جمعبندی نماییم ، فواید روزه را از ناحیه طبی بطور ذیل میتوان چنین خلاصه وفورمولبندی نمود :

1 – جلوگیری ازاختلال ومزمن شدن روده ها وبخصوص در هنگامی کـه فر مانتاسیون وتخمیرات معده وروده ، مریض را دچار درد های شدید می سازد.

2- جلوگیری از چاقی که معمولآ ناشی از پر خوری میشود.

3- جلوگیری از فشار خون .

4 - جلوگیری از امراض شکر و قند .

5 - تداوی ومعالجه امراض چشم (از جمله ورم هـا ، ورم شبکیه ، ورم بافت ملتحمه ، آب مروارید وآب سبز در چشم)

6- جلو گیری از امراض قلب که توام با تورم باشد.

7- جلوگیری از التهاب ها ی مزمن مفاصل ، بخصوص که توام با امراض چاقی باشد.

8- تداوی اکثر امراض حاد ومزمن.

9 - تداوی امراض جهاز هاضمه ، کلیه ، کبد (کیسه صفرأ)

10 - معالجه وتـداوی امـراض سو ء هــاضمه ، مـرض مخصوص کبد) کیسه صفرأ (کــه موجب « یر قان» (زردی) میگردد.

12- پاکی نفس وتقلیل جرایم .

بر اساس تحقیقات بعمل آمده علما بدین باور ان که : امار جــرایم ، قتل وقتال ونزاع ها در ماه مبارك رمضان در کشور های اسلامی به قوس نزولی خود میرسد.

فضيلت ماه مبارك رمضان:

در مورد فضیلت ماه مبارک رمضان در حدیثی از ابوهریره (رض) روایت استکه:
پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید :« كل عمل ابن آدم له إلا لصيام، فإنه لي ، وأنا أجزي به ، والصيام جنة ، فإذا كان يوم صوم أحدكم فلا يرفث ، ولا يصخب ، ولا يجهل ، فإن شاتمه أحد، أو قاتله، فليقل: إني صائم، مرتين، والذي نفس محمد بيده لخلوف فم الصائم، أطيب عند الله يوم القيامة من ريح المسك، وللصائم فرحتان يفرحهما: إذا أفطر فرح بفطره، وإذا لقي ربه فرح بصومه » (هر عمل و رفتاری‌که انسان انجام می‌دهد، برای خودش می‌باشد، مگر روزه ، که آن برای من می‌باشد و من خود بدان پاداش می‌دهم. روزه از معاصی وگناهان جلوگیری می‌کند. پس هرگاه یکی از شما روزه باشد، از بدگوئی و سخن ناشایست و از فریادکشیدن و رفتار سفیهانه، اجتناب ورزد. اگرکسی به وی فحش و ناسزاگفت یا با وی به نزاع برخاست، به وی پاسخ ندهد. بلکه دوبار بگوید: من روزه هستم. سوگند بدانکس که جان محمد در دست او است، بوی بد دهان روزه‌دار، که در اثر روزه پدید می‌آید، در روز رستاخیز به نزد خداوند، خوشبوتر از رایحه مشک است. روزه‌دار، دو شادی دارد که دیگران ندارند: یکی بهنگام افطار، که بسیار شادمان است و دیگری وقتی‌که خدای خویش را ملاقات می‌کند از نتیجه روزه‌اش شادمان است) (به روایت احمد و مسلم و نسائی)
- در روایت بخاری وابوداود حدیث فوق بدینگونه آمده است: « الصيام جنة، فإذا كان أحدكم صائما، فلا يرفث، ولا يجهل، فإن امرؤ قاتله، أو شاتمه فليقل، إني صائم،مرتين، والذي نفس محمد بيده، لخلوف فم الصائم أطيب عند الله من ريح المسك، يترك طعامه وشرابه وشهوته من أجلي.
الصيام لي، وأنا أجزي به، والحسنة بعشرة أمثالها (... او خوردنی و نوشیدنی و آرزوی نفسانی خویش را بنا بدستورمن ترک کرده است روزه برای من است و من خود بدان پاداش می‌دهم و پاداش هر نیکی را ده برابر می‌دهم).
- همچنان در حدیثی از عبدالله بن عمرو روایت است که: پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است : « الصيام والقرآن يشفعان للعبد يوم القيامة، يقول الصيام أي رب منعته الطعام والشهوات، بالنهار، فشفعني به. و يقول القرآن: منعته النوم بالليل، فشفعني فيه فيشفعان » (روزه و قرآن‌کریم برای بنده فرمانبردار خداوند، در روز رستاخیز شفاعت می کنند: روزه می‌گوید: ای پروردگارا من در روز او را از خوردنی و آرزوهای نفسانی باز داشته‌ام بنابراین شفاعت مرا درباره او بپذیر و قرآن‌کریم می‌گوید: من در شب او را از خواب باز داشته‌ام و او شب قرآن می‌خواند، بنابراین شفاعت مرا درباره او بپذیر و خداوند شفاعت آنها را می‌پذیرد) (امام احمد با سندی صحیح آن را روایت‌کرده است.)
- در حدیثی ازابو امامه روایت استکه‌گفت: من به خدمت پیامبر صلی الله علیه و سلم رفتم وگفتم: مرا به کاری راهنمائی‌کن‌که مرا به بهشت برساند. او فرمود:« عليك

بالصوم فإنه لا عدل له » ثم أتيته الثانية، فقال: « عليك بالصيام »(بر تو باد،که روزه بگیری، چه هیچ عملی بپای آن نمی‌رسد، سپس باری دیگر به حضور او رفتمکه فرمود: بر تو بادکه روزه بگیری .) (بروایت احمد و نسائی و حاکمکه او آن را صحیح دانسته است.)

- همچنان از ابوسعید خدری روایت استکه پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است : «لايصوم عبد يوما في سبيل الله الا باعد الله بذلك اليوم النارعن وجهه، سبعين خريفا » (هرکس یک روز را در راه خداوند روزه بگیرد، خداوند به پاداش آن روز، هفتاد سال عذاب دوزخ را از او دور می‌سازد .)(همه محدثین بجز ابوداود آن را نقل کرده‌اند.)

- ودر حدیثی که از ابو هریرة رضی الله عنه روایت است ، پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد فضیلت ماه مبارک رمضان می فرماید : «»مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ».« إيماناً: أي تصديقاً بأنه حق. احتساباً: أي يريد الله وحده لا رؤية الناس. «هر کس از روی ایمان و مخلصانه به خاطر خدا روزه بگیرد گناهان پیشینش مورد عفو و بخشش قرار خواهند گرفت». (متفق علیه. بخاری (38) و مسلم (760):»

همچنان ماه مبارك رمضان دارای فضایلی است که به برخی آن اشاره می شود :

اول : خود ماه مبارك رمضان :

ماه رمضان ماهی است ، که روزه گرفتن در این ماه بر مسلمانان فرض گردیده است.

دوم :موجودیت لیلة القدر در این ماه که برکت وخیر این شب ، بهتر وبیشتر از هزار ماه است .

سوم :نزول صحف وکتب آسمانی :

مطابق به روایات دینی ، صحف ابراهیم در اوایل ماه مبارك رمضان تورات ، درششم ماه رمضان انجیل در سیزدهم ماه رمضان زبور داود علیه السلام در هژدهم ماه رمضان وقرآن عظیم الشان در 23 ماه رمضان بطور مجموعی به بیت المعمور وبعداً در بیست و سه سال بر پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه والسلام نازل یافته است .

چهارم :مطابق به روایات دینی وشواهد تاریخی : اولین فیصله میان حق وباطل (غزوه بدر) هم در ماه مبارك رمضان صورت گرفته است . و قرآن عظیم الشان این غزوه را بنام« یوم الفرقان » مسمی نموده است .همچنان مطابق به برخی از روایات تاریخی : میگویندکه فتح مکه هم در ماه مبارك رمضان صورت پذیرفته است .

حفظ وصیانت ماه رمضان :

در ماه مبارك رمضان دو نوع حفظ ودوصیانت در برابر انسان بوجود می اید :

1- حفظ انسان از وسوسه های شیطان

2- حفظ انسان از گرفتاری های عذاب الهی

خـوشحالی هـای مــاه مبا رك رمضان :

روزه دار در ماه رمضان دارایی دو خوشحالی در يك روز ميباشد :
1- وقتيكه روزه دار روزه خويش را افطار ميكند.
2- دومين خوشحالی ملاقات با ذات پرورد گار در روزه قيامت است .
درحديث شريف آمده است :« كسيكه با ايمان واحتساب (نيت كسب ثواب) روزه گيرد ، تمام گناهان را كه قبلاً مرتكب گرديده باشد ، بخشيده ميشود»(روای حديث بخاری ومسلم)

كلمه رمضان :

رمضان ماهی است كه بشويد ، هم بسوزد . بشويد به آب توبه دل ها ی مجرمان را ، بسوزد به آتشی گرسنگی تن ها بندگان را ، رمضان در لغت از **(رمضا)** به معنای شدت حرارت ويا به معنای سنگ گرم وداغی گرفته شده است وايــن بدين معنای كه اگر اين سنگ داغ را به هر چه بگذارند آنرا بسوزند .
ويـا هم رمضان از « رمض » گرفته شده است كه به معنای باران است كه بر هر چه برسد ، آن را بشويد .
واقعاً اين كلمه از دقت ولطافت خــاصی برخــوردار است ، چون در اين ماه گناهان انسان بخشيده مـی شود ، بناً بر مسلمانان است تا به ضميمه مــاه رمضان هميشه كلمه مبارك را اضافـــه نمايد ، وهميشه آنرا بنام « ماه مبارك رمضان » ياد نمايند. پيامبر اكرم صلی الله عليه وسلم می فر ماید : «إنما سمی الر مضان لانه يرمض الذ ونوب ؛ ماه رمضان به اين نام مسمی شده بخاطر آنكه گناهان را می سوزا ند. پيغمبر صلی الله عليه وسلم در جای ديگری ميفرمايد : «ارمض الله فيه ذنوب المؤ منين وغفور الله لهم » « ماه رمضان ماه است كه آن گناهان مؤمنان پاك وشسته ميشود وخداوند (ج) ايشان را می بخشد. ماه رمضان از جمله يكی از ما ه های است كه نامش در قرآن ذكر يافته است .اين ماه در روايات وفر هنگ اسلامی بخشی از بر نامه ريزی الهی برای تر بيت بشری تلقی می شود ، كه از بر كت آن هر سال تحولی فكری ، وفر هنگی در جامعه اسلامی پديد می آيد. همچنان در روايات اسلامی ، ماه مبارك رمضان ،ماه خدا وميهمانی امت پيامبر اكرم صلی الله عليه وسلم خوانده شده است وخداوند متعال در اين ماه در نهايت كرامت ومهر بانی پذيرايی می كند ؛ پيامبر اسلام می فر ماید :« ماه رجب ماه خدا ، ماه شعبان ماه من وماه رمضان ماه امت من است ، هر كس كه در اين ماه روزه بگيرد بر خدا ست كه گناها ن شان را ببخشد »

معنای لـغـوی روزه :

روزه يا « **صوم**» « يا **صيام** » به معنای باز داشتن وخود داری كردن از چيزی را گويند .
ودر اصطلاح شريعت منظور از صوم آنست كه شخص از صبح صادق طلوع فجر دوم تا غروب افتاب خود را از مفطرات يعنی آنچه مورد ا شتهای شكم وفرج است به نيت مخصوص نگاه كند.

حمکت وفلسفه فرضیت روزه :

حکمت وفلسفه فرضیت روزه بالای مسلمانان برای تقویت روح مسلمانان برای مقاومت با تملایات وهوس های جسم است . زیراروزه قدرت هوس های بدن را تقلیل میدهد وانسان را از بسیاری تمایلات نفسانی که لایق مقام انسان نیست باز میدارد . وبدینترتیب روزه روح انسان را تقویت میکند .

حـکم فـرضیت روزه :

بر اساس حکم الهی: « **یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم**» ای کسانیکه ایمان اورده اید روزه برشما فرض گـردانیده شده ، چنانکه فرض کرده شده بر کسانیکه پیش شما بودند.» (سوره بقره : آیه متبرکه - 183)

دلا یل وجوب رمضان درحدیث:

درحدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد وجوب رمضان آمده است :« **بني الاسلام على خمس: شهادة أن لا إله إلا الله، وأن محمدا رسول الله، وإقام الصلاة، وإيتاء الزكاة، وصيام رمضان وحج البيت** » »(صحيح مسلم : ١/١٦-٢٠-٤٥) ، (صحيح امام بخاري : ١/٤٩/٨)
(اسلام بر پنج چیز بنیاد نهاده شده است:گواهی بوحدانیت الله، وگواهی برسالت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و سلم و برپای داشتن فریضه نماز و پرداخت زکات وگرفتن روزه ماه رمضان و برگزاری فریضه حج بیت‌الله الحرام).
و در حدیث طلحه بن عبیدالله آمده است:که مردی از پیامبر صلی الله علیه و سلم سئوال‌کرد: ای رسول الله خداوند، چقدر روزه بر من فرض‌کرده است؟ فرمود: روزه ماه رمضان. آنمردگفت: آیا غیرازآن برمن فرض شده است؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: نخیر. مگراینکه داوطلبانه روزه سنت بگیری.
و دلیل دیگر وجوب روزه ماه رمضان اجماع امت اسلامی است، براینکه روزه ماه رمضان واجب و یکی ازارکان و پایه‌های اساسی دین اسلام است وهرکس منکر وجوب ان‌گرددکافر و مرتد می‌باشد.
همچنان اجماع امت بر اینست که روزه ماه رمضان فرض ویکی از ارکان وپایه های اساسی ویکی از وضروریات دین مقدس اسلام است وکسي که فرضیت آن را انکار کند کافر ومرتد است . (فقه السنه : ١/٣٦٦)

حکـم وحکمت فـرضیت روزه :

روزه از قدیم الزمان بین انسانها مروج بوده ، اگر ادبیات وقصص مصریان قدیم ، چینی ها ، یو نانی ها را مورد مطالعه قرار دهیم در خواهیم یافت که روزه با تفاوت های روزه فعلی مسلمانان وجود داشته در آن زمان روزه های یك روزه یك هفته ای ویا روزه که روزه داران ازخوردن برخی از خـــوراك باب هـا ممنوع بودند از جمله خوردن گوشت ویا غیره ما کولات ، طوریکه مظاهر این روزه را میتوان امروز هم در کشور

های اروپایی وبـــرخی از کشور های اسیایی و پیروان سایر مذاهب از جمله در مذهب کاتولیك ها وپروتستانت ها مشاهده کرد.
روزه وحکم قطعی روزه برای مسلمانان بروز دوم ماه شعبان سال دوم هجرت توسط این آیه مبارکه برای مسلمانان ابلاغ گردید.« شهر رمضان الذی انـــزل فیه القرآن هدی للناس وبینت من الهدی والفرقان »(ماه رمضان ماه ا ست که در آن قرآن نازل شده که رهنمایی مردم است ودلائل هدایت وتمیز بین حق وباطل می باشد.)
پروردگار با عظمت ما امر فـرمود :« فمن شهد منکم الشهر فلیصمه » ، (هر که از شما آنرا بیابد روزه این ماه را بگیرد.
قرآن مجید شهادت میدهد که روزه در تمام آدیان آسمانی فرض بوده ودر نظام عبادت هر امتی حیثیت بخش لازمی را داشته است « کما کتب علی الذین من قبلکم »(بقره ۱۸۳) (طوریکه فرض گردانیده شده بود بر کسانی که پیش از شما بودند.)
پیامبر اسلام میفر ماید : « اگر شخصی بدون عذر شرعی ومرض ، یك روزه را ترك کند اگر تمام عمر روزه بگیرد با زهم تلافی آن را نمیتوان کرد. »(روای حدیث احمد ، تر مذی ، ابوداود).
زمانیکه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم به مد ینه منوره هجرت کرد،ملاحظه کردکه در آن دیار برخی از مردمان در روز عاشورا روزه میگرفتند ، مسلمانان با آنحضرت صلی الله علیه وسلم مراجعه نموده ودر مورد خواستار هدایت گردیدند ، انحضرت صلی الله علیه وسلم خود روزه گرفت وبه پیروان خویش امر کرد تا روزه بگیرند.
در صحیح بخاری از ابن عمر (رض) نقل شده است : « صام النبی (ص) عاشورا ء وامر بصیامه فلما فرض رمضان ترك » ونیز در صحیح بخاری از عایشه (رض) نقل شده است که : « رسول خدا به روزه روز عاشورا امر کرد تا هنگامی که روزه ماه رمضان واجب شد . آنگاه فرمود : » هر کس می خواهد روز عاشورا را روزه بگیرد وهر کسی می خواهد افطار کند. » شخص حضرت محمدصلی هااله علیه وسلم قبل از فرضیت ماه مبارك رمضان ، روزه میگرفت . وبه این عبادت آشنایی داشت .
پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: « اذا دخل رمضان فتحت ابواب السماء وفی روایه فتحت ابواب الجنة وغلقت ابواب جهنم وسلسلت الشیاطین وفی روایة فتحت ابواب الرحمة »(چون ماه مبارك رمضان داخل شود ، در های آسمان کشاده شود . در روایت دیگری آمده است که در های بهشت کشوده می شود ودر های دوزخ بسته وشیاطین در زنجیر کرده می شوند ودر روایتی آمده است که در های رحمت باز می شود.)

هدف روزه :

هدف واقعی روزه متقی شدن انسان است.پروردگار با عظمت ما میفرید:« لعلکم تتقون » تقوا گوهر اخلاق است ، که از محبت الهی ، از ایمان بـه الله متعال درك صفات رحمت ، کـرم ، فضل وخـوف الله سبحان وتعالی بـــوجود می آید.

روزه حـقـيـقی :

روزه حقیقی روزه ای است که انسان با تمام احساس وشعور کامل به ادا ی آن اقدام نماید. واز تمام مکروهاتی کـــه روزه را بی روح وبی مفهوم می سازد از آن جلو گیری بعمل آرد.

پیامبر اسلام میفر ماید :« وقتی که انسان روزه می گیرد لازم است که گوش ها ، چشم ها ، زبان ، دست ها وتمام اعضای بدن خود را از کار های نا پسند یده باز دارد » .

وقت فر ضیت ماه مبارك رمضان :

خداوند پاك در سوره بقره (آیات ۱۸۳ - ۱۸۵) میفر ماید: « یا یها الذین امنوا کتب علیکم الصیام کما کتب عـلی الذین من قبلکم لعلم تتقون ، ایاماً معدودت فمن کان منکم مریضاً او علی سفر فعدة من ایام اخر ا ... یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر .. » (ای مـؤ منان ! روزه بر شما فر ض گردیـده چنانچه بر کسانیکه پیش از شما بـــودن فرض گردیده بود تا پر هیز کار شوید وخلعت تقوی را در بر کنید ، روزه در روزه های شمرده شده واندك بر شما فرض گردانیده شده ، پس هر کدام از شما که مریض ویا در سفر باشد برایش رواست که روزه را بخورد وقضائی آنرا در روز هـای دیگر بیاورد وبر کسانیکه به مشقت زیاد از عهده آن مـــی بر آیند فدیه است به اندازه خوراك یك روزه یك مسکین ، وهر که بـه خوشی ورضای خود در فدیه افزودی به عمل آرد وبیش از یك نفر مسکین را سیر سازد برایش بهتر است روزه ، گرفتن تان برای شما بهتر است اگر میدانید .

ماه رمضان ما هیست که در آن قرآن نازل شده که برای مردم وسیله هدایت ودلایل روشن از رهنمایی ووسیله امتیاز حق از باطل است . پس هر که حاضر آن ماه باشد وآنرا در یابد آنرا بگیرد وهر که مریض ویا در سفر باشد برایش رواست که آنرا نگیرد وقضائی آنرا در روزهای دیگری بیاورد وشماره روزهای فوت شده را تکمیل کند.خداوند خواهان آسانی وسهولت بر شما ست واراده عسرت ودشواری بر شما را ندارد ، وبراینکه شما ، شمار آنرا تکمیل کنید وبرای اینکه خدای خود را به بزرگی یاد کنید شما را رهنمونی کرده وباشد که شما با سپاس وشکر گزار ومنت بار خدای خود باشید .)

روزه وقت فرض میگردد زمانیکه تاکید به رویت هلال ماه مبارك رمضان صورت بپذیرد. بدین اساس دین اسلام بر مسلمانان واجب گردانیده است تا به تاریخ (۲۹ شعبان) برای دیدن هلال ماه رمضان اهتمام بخرچ دهد.

۱- رویت ماه مبارك رمضان باید توسط دونفرمسلمان (خواه مرد باشد یا زن) عا قل ، بالغ وعادل تصدیق گردد.

۲ - اگررویت ماه مبارك توسط عده زیادی از مردم تصدیق گردد ، در این صورت شرط عا دل بودن از بین میرود.

۳ - در صورتیکه آسمان ابر آلود باشد بناً با تکمیل ۳۰ روز از ماه شعبان فرضیت روزه حتمی میگردد.زمانیکه رویت ماه مبارك رمضان بعمل آمد بر مسلمانا ن لازم است تا خود روزه گیرند وخبر آنرا بین همه مسلمانان بخش نمایند. اگر رویت ماه مبارك رمضان در یکی از کشور ها صورت گیرد بر سایر مسلمانان است که به مجرد وصـول خبر ، روزه بگیرند .

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است :« صوموا لرؤیته وأفطر لرویته ، فإن غمي عليكم الشهر فعدوا ثلاثين » « هلال را دیده روزه گیرید وهلال را دیده روزه را پایان دهید واگر در (۲۹) شعبان هلال دیده نشد پس حساب شعبان را (۳۰) پوره نمائید » (بخاری : ۱۹۰۹/۱۱۹/۴)

ثبوت ماه مبارک رمضان :

ثبوت ماه مبارک رمضان به دو صورت ثابت می گردد.

1- طوریکه در فوق متذکر شدیم تعداد روزهای ماه شعبان ، 30 روز کامل شود، لذا فردای آن یقینا اول رمضان می باشد .

2- در صورتی که هوا ابری و یا غبارآلود باشد، شهادت یک مرد عادل، یا یک زن عادل که هلال ماه رمضان را دیده باشند و شهادت بدهند کافی است و برای ثبوت عید فطر در صورتی که هوا آبری و یا غبار آلود باشد، لازم است دو مرد عادل و یا یک مرد و دو زن عادل که هلال عید را دیده باشند، شهادت بدهند، اما اگر هوا صاف باشد ضروری است که جمع کثیری ماه را دیده باشند.

دعای دیدن مـاه :

پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی ماه نو را مشاهد ه میگرد ند ، چنین دعا میخواندند. «اللهم أهله علينا بالامن والايمان والسلامة والاسلام ، ربی وربك الله هلال رشد وخير » خدایا ! طلوع مهتاب را بر ما همراه آرامش وایمان ، سلامتی واسلام بگردان . ای مهتاب ! خدای من وخدای تو الله واحد است . آرزومندم این ماهتاب هدایت وخیر باشد.

اقســـــام روزه :

فـــــرض :

روزه فرض در تمام سال فقط روزه گرفتن ماه مبارك رمضان برمسلمانان فرض است .

واجـــب :

روزه یی است کـه نذ ر شده باشد وروزه کفاره واجب است . اگر شخصی روزه ء روز معیینی را نذر کرده باشد ، روزه گرفتن همان روز ضرور میباشد . اما اگر روزه را معین نکرده بود هر وقت که بخواهد میتواند روزه بگیرد . اما تاخیرآن بدون دلیل لازم نیست.

سنـــــت :

روزه هایی است که پیامبر اسلام گرفته باشد و مسلمانان را به گرفتن آن تر غیب نموده باشد.

از جمله :

- روزه ، روز نهم ودهم محرم بطور مسلسل. - روزه ، یوم عرفه یعنی نهم ذو الحجة الحرام - روزه ، ایام بیض : یعنی روزه گرفتن در روزهای(۱۳ ، ۱۴ ، و ۱۵) هر ماه.

نفل :

روزه نفلی ، روزه غیر از روزه ء های فرض ، واجب ومسنون ، را روزه نفلی میگویند که روزه گرفتن در آن مستحب است از جمله : (شش روز روزه ء گرفتن در ماه شوال المکرم ، روزه کرفتن روز های دوشنبه وپنچشنبه ، روزه گرفتن هشت روز در دهه اول ذو الحجة)

۱ - شش روز شوال :

از ابو ایوب انصاري (رض) روایت است که : پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : «من صام رمضان ثم أتبعه ستا من شوال كان كصيام الد هر » « كسي كه ماه مضان وبدنبال آن شش روزه از ماه شوال را روزه بگیرد مانند اینست که یك سال كامل را روزه گرفته باشد » (صحیح سنن ابو داود : ۲۱۲۵) ،(صحیح مسلم : ۱۱۶۴/۸۲۲/۲) ، (سنن الترمذی : ۷۵۶/۱۲۹/۲) ، (سنن ابن ماجه : ۱۷۱۶/۵۴۷/۱)

۲و۳ - روز عرفه برای غیر حاجي وروز عاشورا وروز قبل ازآن .

فضیلت روزه روز عرفه :

از ابو قتادة روایت است : « سئل رسول الله (ص) عن صوم یوم عرف ؟ فقال : یکفر السنة الماضیة والباقیة ، وسئل عن صوم یوم عاشورا ء ، فقال یکفر السنة الماضیة » (از پیامبر صلی الله علیه وسلم در باره روزه روز عرفه سؤال شد فـرمود : گناهان سال گذشته وسال جاري را از بین می برد ودر باره روزه روز عاشورا از او سؤال شد فرمود : گناهان سال گذشته را از بین می برد). (صحیح مسلم : ۱۱۶۲/۸۱۸/۲)

از ام الفضل بنت حارث روایت است :« أن نسا تماروا عند ها یوم عرفة فی صیام رسول الله (ص)فقال بعضهم : هو صائم ، وقال بعضهم : لیس بصائم ، فارسلت إلیه بقدح لبن وهو واقف علی بعیره بعرفة فشربه» (مردم در روز عارفه در باره روزه بودن پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد من بحث وجدال کردند . بعضی از آنها گفتند : او روزه است وبعضی دیگر گفتند روزه نیست . من ظرفی از شیر را برایش فرستادم ، ایشان در حالی که روی شترش در عرفه ایستاد بود آن را نوشید) . (صحیح امام بخاری ، فتح الباری : ۱۹۸۸/۲۳۶/۴ ،صحیح مسلم : ۱۱۲۳/۷۹۱/۲ ، سنن ابود داود) ابن المعبود : ۲۴۲۴/۱۰۶/۷)

از ابو غطفان بن طريف مري روايت است : از ابن عباس (رض) شنيدم كه مى گفت : « حين صام رسول الله (ص) يوم عاشورا ء وأمر بصيامه ، فقال يا رسول الله إنه يوم تعظمه اليهود والنصارى فقال رسول الله (ص) : فإ ذا كان العام المقبل إن شا ء الله صمنا اليوم التاسع . فقال : فلم يأت العام المقبل ، حتى توفى رسول الله (ص)» (وقتى پيامبر صلى الله عليه وسلم روز عاشورا را روزه گرفت وبه روزه گرفتن آن دستور داد ، مردم گفتند اي رسول خدا عاشورا روزي است كه يهود ونصارى آن را بزرگ مى دارند .

پيامبر **صلى** الله عليه وسلم فرمود : سال بعد انشا ء الله روز نهم را هم روزه مى گيريم. ابن عباس گفت : قبل از آنكه روز نهم سال بعد بيايد پيامبر صلى الله عليه وسلم فوت كرد .(صحيح سنن ابو داود : ٢١٣٦) ، (صحيح مسلم : ١١٣٤/٧٩٧/٢).

4- گرفتن روزه در مـاه محـرم :

از ابو هريرة (رض) روايت است كه پيامبر صلى الله عليه وسلم فرمود : « افضل الصيام بعد الرمضان شهر الله المحرم، افضل الصلاة بعد الفريضة صلاة الليل» « بهترين روزه بعد از ماه رمضان روزه ماه محرم وبهترين نماز بعد از نماز هاي فرض نماز شب است ».

٥-اكثر روز هاي ماه شعبان :

از عايشه (رض)روايت است : « ما رأيت رسول الله (ص) استكمل صيام شهر قط إلا شهر رمضان ، وما رأ يته فى شهر أكثر منه صياماً فى شعبان » (پيامبر صلى الله عليه وسلم را نديدم كه ماهى را كامل روزه بگيرد ، مگر ماه رمضان و او را نديدم كه در هيچ يك از ما ه ها به اندازه ماه شعبان روزه بگيرد «»(صحيح امام مسلم : ١٩٦٩/٢١٣/٤) ، (صحيح امام مسلم : ١١٥٦ - ١٧٥/٨١٠/) ، (سنن ابو داد : ٢٤١٧/٩٩/٧)

٦- روز هاى دوشنبه وپنجشنبه :

از اسامه بن زيد روايت است : « إن نبي الله (ص) كان يصوم يو الاثنين والخميس ، وسئل عن ذلك فقال : إن اعمال العباد تعرض يوم الاثين والخميس »« پيامبر صلى الله عليه وسلم روز دوشنبه وپنج شنبه را روزه مى گرفت . در باره از او سؤال شد ، فرمود : اعمال بندگان در اين دو روز(پيش خدا)عرضه ميشود »(صحيح سنن ابو داود : ٢١٢٨) ، پيغمبر اسلام در سفر وحضر در روز هاى بيض) 13 ، 14 ، 15 ، هر ماه (افطار نميگرد.) نسايى ، ترمذى (قابل تذكر است روزه ثوابى را هر زمانيكه از ادامه آن خسته شديد ميتوانيد آنرا افطار نمايد.)

روزه هـــاى ممنوعـــــه :

در ايام ذيل گرفتن روزه ممنوع مى باشد.

1- گرفتن روزه درایام شك (یعنی اینکه سایر مسلمین روز دار نباشند ولی به زعم خویش روزه بگیرد.)

یـــوم شك :

(یوم شك یا روز شك) ، روز ۳۰ ما ه شعبان را گویند که در شامگاه روز ۲۹ شعبان ، مهتاب دیده نشود وبه طور قطعی هم معلوم نباشد که فردا ۳۰ شعبان است یا اول رمضان . در این روز ، روزه گرفتن مکروه تحریمی است .

(حضرت عمار بن یاسر (رض) از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت نموده اند که : « من صام الیوم الذی شك فیه فقد عصی أبا القاسم » کسی که یوم شك را روزه بگیرد با پیامبر صلی الله علیه وسلم مخالفت کرده است » (سنن الترمذی : ۶۸۱/۹۷/۲) ، (سنن ابو داود : ۲۳۱۷/۴۵۷/۶) ، (روز عیدین عید فطر وعید اضحی ، یـــازدهم ، دوزادهم ، سیزد هم ذوالحجة .)

2- گرفتن روزه در روز عیدین (عید فطر وعید الاضحی)

3- گرفتن روزه در دوره حیض ونفاس.

4- همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم از روزه وصال منع نموده است

وصال عبارت است (افطار نکردن) تا سحر:

درشرع منظور از روزه وصال اینست که یک شخص مسلمان ، دو روز یا حتی بیشتر از آن را بدون افطار کردن روزه بگیرد ، یعنی هرگاه غروب شد افطار نمی کند و همچنان تا طلوع فجر امساک کرده و دوباره نیت روزه کرده و روزه روز قبل را با روز بعد وصل می کند.

در روایات اسلامی آمده است :

پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین می کردند و پروردگار با عظمت قوت آنرا به ایشان اعطاء کرده بودند، ولی با آنهم پیامبر اسلام امت خویش را از انجام روزه وصال منع فرموده است نهی کردند تا رحمت و شفقتی برای مسلمین باشد.

و در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه روایت کردند که گفت : « نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم عَنِ الْوِصَالِ فِي الصَّوْمِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ: إِنَّكَ تُوَاصِلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «وَأَيُّكُمْ مِثْلِي إِنِّي أَبِيتُ يُطْعِمُنِي رَبِّي وَيَسْقِينِ». فَلَمَّا أَبَوْا أَنْ يَنْتَهُوا عَنِ الْوِصَالِ وَاصَلَ بِهِمْ يَوْمًا ثُمَّ يَوْمًا ثُمَّ رَأَوُا الْهِلالَ فَقَالَ: «لَوْ تَأَخَّرَ لَزِدْتُكُمْ» كَالتَّنْكِيلِ لَهُمْ حِينَ أَبَوْا أَنْ يَنْتَهُوا. وفی روایة عنه قال لهم: «فَاكْلَفُوا مِنَ الْعَمَلِ مَا تُطِيقُونَ». (بخاری: 1965 - 1966) و ومسلم (1103).

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم از وصل کردن روزه به روزه دیگر، منع فرمود. یکی از مسلمانان پرسید: ای رسول خدا! شما خود، روزه وصال می گیرید؟ (بدون افطار و سحری، روز بعد هم، روزه می گیرید)؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «چه کسی از شما مانند من است!؟ مرا خدا در شب، می خوراند و می نوشاند». اما وقتی مشاهده کرد که آنان از روزه وصال باز نمی آیند، سه روز پی در پی، همراه آنان، روزه گرفت تا اینکه هلال ماه نو (شوال) را رویت کردند. آنگاه، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر هلال، رویت نمی شد، چند روز دیگر، بر آن می افزودم». راوی می گوید: این عمل پیامبر صلی الله علیه

وسلم بخاطر مجازات آنها بود که حاضر نشدند از روزه وصال، باز آیند. و در روایتی دیگر، ابوهریره می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «به اندازه توانایی خود، سختی عمل را تحمل کنید».

ابن قدامه در کتاب « المغنی » (جلد 4 صفحه 436) مینویسد : «روزه وصال نزد اکثر اهل علم مکروه است».

و امام نووی گفته : «روزه وصال نزد ما (شافعیه) به اتفاق مکروه است، اما این کراهت تحریمی هست یاتنزیهی؟ دو نظر وجود دارد.. (صحیح ترین این دو نظر) نزد یاران ما (شافعیه) که ظاهر سخن شافعی هم هست آنست که کراهت تحریمی می باشد». "المجموع" (357/6).

یادداشت حکمی :

از احادیث نبوی ونظریات زیاتري از علماء ي اسلامي بوضاحت معلوم میگردد که روزه وصال حداقل مکروه و ناپسند میباشی و پیامبر صلی الله علیه وسلم آنرا برای ما مسلمانان نپسندیدند، وطوریکه فوقآ یاد اور شدیم حتی برخی از علمآ حکم به حرمت روزه وصال هم صادر نموده اند .از جمله میتوان شیخ ابن عثیمین یاد اوری نمود ، موصوف در کتاب « الشرح الممتع » (443/6) با صراحت بیان داشته است که: «آنچه برای من روشن گردید اینست که روزه وصال حرام است».

حکم روزه ء نفلی برای زن شوهر دار:

زن نمیتواند بدون اجازه شوهر ش در صورتیکه شوهرش مقیم باشد ، روزه ثوابی بگیرد .

از ابو هر یرة (رض) روایت شده که پیامبر اسلام فرمود : « ولا تصم المرأ ة یـوماً واحد اً ، وزوجها شاهـد إلا بإ ذنه ، إلا رمضان » (روزه نگیرد زن حتی یك روز در حالیکه شوهر ش باشد مگر به اجازه او غیر از رمضان)(احمد ، بخاری ، مسلم) این حدیث شریف بصورت آشکار زن را از روزه گـــرفتن روزه نفلی در حالیکه شوهر ش حاضر باشد منع می کند زیرا ممکن است باعث تلف حق او گرددولی در روزه رمضان چون فرض است اجــازه گرفتن از شوهر لازم نمی باشد.

روزه مـــکر وه:

روزه است کـــه انسان تنها روز شنبه ویا یکشنبه را روزه بگیرد ویـا فقط روز عاشورا را روزه ء بگیرد . ویـــا روزه گرفتن زن بدون اجـــازه شوهر ، ویا روزه ء گرفتن بدون افطار (کـه بنام روزه وصال) یاد میگردد . وغیره از این قبیل روزه را در شریعت اسلام بنام روزه مکروه مسمی نموده اند.

روزهحـــــرام :

در روز های ذیل سال گرفتن روزه ء حرام میباشد .

1- در روز عید رمضان وقربان : از ابو عبید مولاي ابن أزهر روایت است : در روز عید با عمر بن خطاب (رض) بودم گفت : پیامبر صلی الله علیه وسلم از روزه گرفتن در این دو

روز نهی فرموده است ، اولین روز بعد از ماه رمضان (عید فطر) ورزي که از قرباني هايتان می خورید (عید قربان)(صحیح امام بخاری : ۱۹۹۰/۲۳۸/۴) ، (صحیح امام مسلم : ۱۱۳۷/۷۹۹/۲)

2- « ایــام تشریــق »

از ابو مره مولاي أم هاني روایت است « با عبد الله بن عمرو نزد پدرش عمر و بن عاص رفتیم ، غذايي جلو ما گذاشت وگفت : بخورید ، (عبد االه) گفت من روزه هستم ، عمرو گفت : بخورید ، اینها روز هایی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به ما امر می کرد که روزه نگیریم واز روزه گرفتن ما را نهی می کرد . امام مالك گفته است : منظور از این روز ها ایام التشریق است .»

3 - روزه گرفتن جمعه به تنهایی :

از ابو هریر ة (رض) روایت است : هیچ کدام از شما روز جمعه روزه نگیرد مگر اینکه روز قبل یا بعد از آن نیز روزه بگیرد . (صحیح امام بخاری : ۱۹۸۵/۲۳۲/۴) ، (صحیح امام مسلم : ۱۱۴۴/۸۰۱/۲) ، (سنن ابو داود : ۲۴۰۳/۶۴/۷)

4- روزه گرفتن شنبه به تنهایی :

«در حدیث عبدالله بن بسر سلمی از خواهرش صما ء روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : » روزه شنبه را به تنهایی روزه نگیرید مگر روزه هاي که بر شما فرض باشد ، واگر بجز پوست انگور یا شاخه درخت چیز دیگری نیافتید ، آن را بجوید تا آن روزروزه نباشید »(سنن ابو داود : ۲۴۰۴/۶۶/۷) ، (سنن الترمذی : ۷۴۱/۱۲۳/۲)

5- روزه گرفتن نیمه دوم شعبان:

روزه گرفتن نیمه دوم شعبان بخصوص برای آنعده اشخاصیکه که به گرفتن روزه عادت نداشته باشد .

از ابو هریرة (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « هیچ کدام از شما يك یا دو روز قبل از رمضان روزه نگیرد مگر اینکه به روزه گرفتن در آن روز عادت داشته باشد که در این صورت می تواند آن روز را روزه بگیرد »(صحیح امام بخاري : ۱۹۱۴/۱۲۷/۴) ،(صحیح امام مسلم : ۱۰۸۲/۷۶۲/۲)

روزه بــالای کی فـرض است :

سن بلوغیت

اجماع علما ءاسلام بر اینست که روزه (ماه رمضان) برهر شخص مسلمان ، عاقل ، بالغ ، سالم ومقیم فرض است.

مسأله حیض ونفاس درحالت زن و پاك بودن وي ازین حالت تفاصیل خویش را دارند.

(برای معلومات مزید مراجعه شود به فقه السنه : ۵۰۶/۱ ط الریان)

امامفهوم شـرط بلـوغ :

شرط بلوغيت بدين معنى است كه مسلمان كه بر سن بلوغ رسيده باشند وتوانمندى گرفتن روزه را داشته باشند . روزه بالاى آنان فرض ميگردد. اين بدين معنى است كسانيكه بـه سن بلوغ نرسيده اند گرفتن روزه بالاى آنان فرض نمى باشد، وتكليف شرعى ندارد .

پيامبر صلى الله عليه وسلم در اين مورد ميفرمايد :« رفع القلم عن ثلاثة : عن المجنون حتى يفيق ، وعن النائم حتى يستيقظ ، وعن الصبي حتى يحتلم »« تكليف از سه دسته برداشته شده است : از ديوانه تا زمانيكه هوشيار شود واز به خواب رفته تا تا زمانيكه بيدار شود واز كودك تا بالغ شود » .(صحيح جامع صغير : ٣٥١٤) ،(سنن الترمذى : ٦٩٣/١٠٢/٢) .

مفهوم شرط قادر بـود ن :

شر ط قـادر بودن به اين معنى است كه يك نفر مسلمان توان گرفتن روزه را داشته باشد بالاى آنان گرفتن روزه فرض ميگردد ، ولـى مريضان كه توان گرفتن روزه را ندارد وبا گرفتن روزه وضعيت صحي آنان برهم ميخورد ودوكتوران براى آنان گفته باشند در صورتيكه روزه بكيرند به وضعيت جسمانى شان ضرر ميرسد در اين صورت گرفتن روزه بر آنان فرض نبوده . هر زمانيكه از مريضى بهبود يابند وعذر موجود مرفوع گردد به قضا ء آن مبادرت ورزند.

روزة گرفتن كودكان

درفوق تذكر يافت كه روزه بالا ى كسانى فرض ميگردد كه به سن بلوغيت رسيده باشد ، واطفال كه تا هنوز به سن بلوغ نرسيده باشد ، روزه گرفتن بر آنان واجب نمى باشد ، ولى بر مسلمانان است اطفال خويش را اگر شرط قادر بودن را داشته باشد و بدون مشقت وسختى ميتوانند روزه بگيرند ، به روزه گرفتن وادارش كنند ، تا اين عمل بحيث عادت شان مبدل گردد . زيرا صحابه فرزندان خردسال خود را به روزه گرفتن وادار مي نمودند.

(بخاري(١٩٦٠). مسلم(١١٣٦). راويان مى افزيند ، تا جايي كه بعضي از كودكان در اثر سختيِ روزه گريه مي كردندو صحابه به آنان اسباب باز ي مي دادندتا با آن خود را مشغول كرده و سختي روزه را احساس نكنند.

« عَنِ الرُّبَيِّع بِنْتِ مُعَوِّذٍ قَالَتْ: أَرْسَلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم غَدَاةَ عَاشُورَاءَ إِلَى قُرَى الأَنْصَارِ: «مَنْ أَصْبَحَ مُفْطِرًا فَلْيُتِمَّ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ وَمَنْ أَصْبَحَ صَائِمًا فَلْيَصُمْ» قَالَتْ: فَكُنَّا نَصُومُهُ بَعْدُ وَنُصَوِّمُ صِبْيَانَنَا وَنَجْعَلُ لَهُمُ اللُّعْبَةَ مِنَ الْعِهْنِ فَإِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ عَلَى الطَّعَامِ أَعْطَيْنَاهُ ذَاكَ حَتَّى يَكُونَ عِنْدَ الإِفْطَارِ.» (بخارى: 1960) (ربيع دختر معوذ رضي الله عنه مي‌گويد: رسول الله صلى الله عليه وسلم صبح روز عاشورا به قريجات و محله‌هاي انصار، قاصد فرستاد تا اعلام كنند كه: «هركس از صبح، روزه نگرفته است، بقيه روز، روزه بگيرد. و هركس، روزه بوده است، روزه‌اش را ادامه دهد». ربيع بنت معوذ مي‌گويد: بعد از آن، ما روز عاشورا را روزه مي گرفتيم و فرزندان خرد سال خود را نيز وادار به روزه گرفتن مي كرديم. و براي آنها

عروسكهاي پشمي مي ساختيم. و هر وقت يكي از آنها براي غذا گريه مي‌كرد، او را با آن عروسك، سرگرم مي كرديم تا اينكه وقت افطار، فرا مي‌رسيد.)
ولي نبايد فراموش كرد : اگر ثابت شود كه گرفتن روزه برای اطفال ضرر میرساند باید اطفال را از روزه گرفتن منع نمود. در مورد شیخ ابن عثیمین مینویسد : « بدليل اين كه الله تعالي ما را از سپردن اموال كودكان به دست آنان منع نموده است زيرا بيم آن مي رود كه مالش را هدر دهد. پس دقت كنيد وقتي كه الله تعالي مسلمانان را از سپردن مال كودكان به آنان منع نموده تا از ضرر و زيان مالي در امان باشند، پس به طريق اولي بايد ضرر هاي جسمي را از آن ها دور كرد، ولي باز هم نبايد براي جلوگيري، از روش سخت گيرانه استفاده كرد زيرا سخت گيري در امر تربيت كودكان كاري پسنديده و جالب نيست. (برای مزید معلومات مراجعه شود به فتوای شیخ ابن عثیمین- فقه العبادات- ص (225)

نظریات فقها در مورد سن بلوغ

قبل از همه باید گفت که در فهم دین مقدس اسلام بلوخ دختران و پسران سن خاص و مشخصی ندارد و ممکن است این سن در همه یکسان نباشد، بنابراین تعیین کردن دقیق سن بعنوان سن بلوغ اشتباه است، بلکه صحیح آنست که به نشانه های بالغ شدن دختر و پسر نظر انداخته شود ، بدین صورت که:هرگاه پسری محتلم شد و یا منی از او خارج گشت و یا آنکه موی شرمگاه او نمایان شد، و در دخترها علاوه بر آن سه نشانه مذکور برای پسرها، دچار عادت ماهیانه (حیض) شد ، در هر سنی که باشند : وجود تنها یکی از این نشانه ها، نشانه ی بلوغ آنهاست و از همان لحظه به بعد آنها شرعا بالغ محسوب می شوند و ، اگر جنون نداشته باشند- مؤظف به انجام تکالیف شرعی خود اعم از نماز و روزه و دیگر عباداتی که بر هر زن و مرد مسلمان بالغی واجب است، هستند.
بنابراین ممکن است که دختری در سن هفت سالگی و دیگری در نه سالگی دچار حیض شود و همانسال سن بلوغش است.
و همینطور یک پسر ممکن است در سن دوازده سالگی محتلم شود و دیگری در سن پانزده سالگی..
اما اگر بالفرض سن دختر یا پسر از حد معینی بالاتر رفت ولی نشانه های بلوغ در او یافت نشد، در اینصورت علما سن مشخصی را ملاک بلوغ قرار داده اند، مثلا در مذهب امام شافعی سن پانزده سالگی برای دختران و پسران را محدوده نهایی قرار داده اند، یعنی اگر دختری به پانزده سالگی برسد ولی نشانه های بلوغ در او دیده نشود، باز او بعد از پانزده سالگی (کامل) بعنوان مکلف شرعی موظف است تا عبادت و تکالیف شرعی را انجام دهد و همینطور سن پانزده سالگی برای پسرها هرچند که نشانه های (حیض، یا احتلام یا خروج منی، یا روییدن مو بر شرمگاه) دیده نشوند.
اما در مذهب امام ابوحنیفه و امام مالک گفته‌اند کسی که احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی‌شود تا اینکه بسن شانزده سالگی برسد و در روایت مشهورتری از امام صاحب ابوحنیفه هفده سال نقل شده است. و درباره دخترگفته است باید بسن هفده سالگی برسد و داود گفته

است: انسان با سن بلوغ نمی‌شود، مادامکه احتلام نیابد اگرچه چهل ساله هم باشد. (برای معلومات مزید مراجعه شود به :فقه السنه سید سابق).
اما علمای تابع امام ابوحنیفه (یعنی علمای حنفی) گفته اند که محدوده نهایی برای دختر و پسر پانزده سالگی کامل است، و این نظر مذهب حنابله نیز میباشد .

جمعبندی کلی سن بلوغ در نزد علماء :

- امام ابوحنیفه:
سن نهایی تعیین بلوغ را برای دختران و پسران را هفده سالگی دانسته است.
- امام ابویوسف و محمد :
سن بلوغ دختران و پسر ان را 15 سالگی می دانند.
-امام مالک
علمای مالکی : اتمام 18 سال را برای پسران و دختران سن بلوغ تعین نموده اند .
-امام شافعی :
علمای مذهب شافعی : اتمام 15 سال قمری رابرای پسر و دخترسن بلوغ دانسته اند .
امام حنبل :
علمای حنابله : اتمام 15 سال قمری رابرای پسر و دخترسن بلوغ دانسته اند .
ظاهریه:
میگویند : هرگاه نشانه ی بلوغ ظاهر شود و سن مهم نیست.
البته همانطور که گفته شد اگر کسی قبل از آن سنین در وی نشانه های بلوغ ظاهر شود، او از همان لحظه بعنوان مکلف شناخته می شود، مثلا ممکن است دختری در نه سالگی بالغ شود و پسری در دوازده سالگی، ولی اگر هیچ علامتی از بالغ شدن در او دیده نشود، در آنصورت ملاک سنین فوق هستند، یعنی با رسیدن به این سن احکام شرعی بر آنها واجب خواهد شد.
ایا بلوغ زودرس در شریعت برای اجرای قوانین اسلامی معتبر است؟
علما ء در تحقیقات خویش میگویند : رسیدن به سن بلوغ با یکی ازنشانه‌های زیر به ثبوت می‌رسد:
1- خروج منی از وی، خواه درخواب باشد و یا بیداری، چون خداوند می‌فرماید:« وإذا بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستأذنوا کما استأذن الذین من قبلهم »(سوره نورآیه 59)
(هرگاه اطفال شما بسن بلوغ رسیدند و احتلام شدند، باید بدون اجازه بر شما وارد نشوند، همانگونه که کوکان پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند) .
همچنان در حدیثی که بروایت ابوداود از علی بن ابیطالب پیامبر صلی الله علیه و سلم که در فوق تذکر یافت « رفع القلم عن ثلاث: عن الصبی حتی یحتلم.وعن النائم حتی یستیقظ وعن المجنون حتی یفیق » (ازسه‌کس قلم تکلیف برداشته شده است: ازکودک تا اینکه احتلام شود و از بخواب رفته تا اینکه بیدار گردد و ازدیوانه تا اینکه بهبودی حاصل‌کند و رشد خویش را باز یابد) .
همچنان حضرت علی کرم وجهه در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه میفرماید :

« لا يتم بعد احتلام »(بعد ازاحتلام يتيمی وجود ندارد و ديگر يتيم نيست)(. بروايت ابوداود و بخاری.)

2- در مورد تکميل سن پانزده سالگی روايت داريم از ابن عمر :

ابن عمر می فرمايد : در روز جنگ « احد » عمر من به چهارده ميرسيد ، نزد پيامبر صلی الله عليه وسلم رفتم ، ودر مورد اشتراک خويش از انحضرت صلی الله عليه وسلم طالب هديت شدم که آيا من ميتوانم در جنگ اشتراک نمايم يا خير ؟ پيامبر صلی الله عليه وسلم چون چهارده ساله بودم حق اشتراک را برای من در جنگ احد نداد .

ولی در غزوه خندق که پانزده سال عمر داشتم ، پيامبر صلی الله عليه وسلم حق شرک در اين غزوه را برای من داد.

مورخين مينويسند : چون عمر بن عبدالعزيز اين مطلب را شنيد به مسولين خويش هدايت فرمود : کسی را بجنگ نفرستند مگر اينکه به پانزده سالگی رسيده باشند و شخصيکه به سن پانزده سالگی نرسيده باشد بوی تعرض نکنند.

امام ابوحنيفه و امام مالک مساله احتلام را شرط بلوغ دانسته وميفرمايند : کسيکه احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی‌شود تا اينکه بسن شانزده سالگی برسد و در روايت مشهورتری از امام صاحب ابوحنيفه هفده سال نقل شده است. اما امام صاحب ابوحنيفه در باره سن بلوغ دختر ميگويد که دختر بايد بسن هفده سالگی برسد .

اما امام صاحب داود ميفرمايد : « انسان با سن بلوغ نمی‌شود، تا زمانيکه احتلام نيابد اگرچه به سن چهل سالگی هم رسيده باشد .

3- روييدن موی سياه زهار که موی سياه مجعد است، نه مطلق موی،که مطلق موی در زهارکودکان نيز هست. درجنگ بنی قريظه مرد را با روييدن موی زهار می‌شناختند و هرکس موی زهارش روييده بود، بوی اجازه شرکت در جنگ داده می‌شد.

امام صاحب ابوحنيفه ميفرمايد : با روييدن موی، هيچ حکمی ثابت نمی‌شود وروييدن موی زهارنه بلوغ است ونه علامت بلوغ .

4- قاعده شدن وآبستن شدن، و با اين سه علامت قبلی‌که ذکرشد بلوغ پسرو دخترثابت می‌شود و علائم بلوغ دختران علاوه برآنها قاعده شدن وآبستن شدن نيزهست. در حديثی که امام بخاری از حضرت بی بی عايشه روايت‌کرده آمده است که : پيامبر صلی الله عليه و سلم فرموده است : « لا يقبل الله صلاة حائض إلا بخمار » (خداوند نماز زن بحيض افتاده بالغ را نمی‌پذيرد تا اينکه روسری داشته باشد و بدون آن نمی‌پذيرد.)

و اما رشد عبارت است ازقدرت براصلاح مال و حفظ و نگهداری آن از ضايع شدن،که بصورت واضح وآشکار در معاملات مالی بيش از حد معمول و غالب، مغبون وزيان ديده نشود ومال را درراه حرام صرف نکند، پس هرگاه‌کسی بالغ شد و رشد نداشت، ولايت مالی بر او ادامه دارد و از تصرفات (فقط)مالی ممنوع است.

تا اينکه علائم رشد دروی بظهور رسد، بدون تحديد سن يعنی رشد مدرک عمل است نه سن معينی، برابرظاهرنص قرآنی چنين است بخلاف ابوحنيفه‌که سن معينی را در نظرگرفته است،

هرگاه پس از رسیدن برشد از او سفاهت ظاهر شد، مجدداً بر وی حجر نهاده می‌شود، چون بقول جصاص ضرر سفاهت بهمه برمی‌گردد، چون هرگاه سفیه مال خود را با اسراف و تبذیر تلف‌کند، او محتاج می‌شود و وبال بر مردم و بیت‌المال است و این از جهت ولایت مالی است و اما ولایت برنفس بمجرد رسیدن بسن بلوغ و عاقل شدن، این ولایت از اوقطع و مکلف می‌گردد. و او می‌تواند در مال خود تصرف‌کند.
در تفسیرآیه:« فإن آنستم منهم رشدا »، از سعید بن منصور بروایت از مجاهد روایت شده است که گفت:عقل، یتیمی را از یتیم دور نمی‌سازد، اگرچه سنش نیز بزرگ شده باشد مگر اینکه برشد برسد ورشد ملاک است نه عقل.(منبع:فقه السنه سید سابق)
اما در سایت معتبر اسلامی (اسلام وب) در باره کودکی که زود بالغ می شود چنین نوشته است:« اگر کودک در سن پایین محتلم شود، در اینصورت شرع با وی همانند بالغین معامله می کند بجز حج، که بر وی واجب نمی شود مگر در صورت توانایی مالی و بدنی. بدلیل فرموده الله تعالی که می فرماید:« وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلاً» (آل عمران:97) یعنی: و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند.و اما اگر به سبب غرق شدن بمیرد، حکم شهید را دارد زیرا این حکم در سنت نبوی ثابت شده است . (برای معلومات بیشتر در این زمینه به کتابهای اصولی فقه مراجعه کنید.)

امـــراض :

امراض که خوردن روزه را به توصیه داکتر معالج متدین جواز دانسته عبارتند از : (امراض سل ، امراض صدری ، امراض معدوی ، امراض روانی ، که انسان به گرفتن روزه از حالت نورمال خارج میگردد. (وغیره امراض خطرناك ومضر ...) اگر شخصی فقط بــه اساس وهم وخیال خود که گویا روزه ء اورا مریض می سازد ویا مریضی اور افزایش میدهد ، در حالیکه آن را تجربه هم نکرده ونه دکتور متخصص برا یش مشوره داده روزه ء نگیرد گنهگار بوده وباید کفاره آنرا هم بپردازد.

شیخـوخت ویـا کبر سن :

شیخوخت ویا کبر سن بدین معنی است . آنعده از مسلمانانیکه توانمندی گرفتن روزه را از دست داده باشند . به اساس این حکم الهی «وعلى الذين يطيقونه فدية طعام مسكين » پيران كهن سال كه به زحمت مي توانند روزه بگيرند فديه اي كه طعام يك مسكين باشد واجب است) .
(اطاقه) به معني خيلي به زحمت و با صرف تمام قدرت كاري را انجام دادن است)، و عرب وقتي كلمه (اطاقه) را به كار مي برد، كه قدرت انسان در انجام كاري به آخرين درجه ضعف خود رسيده باشد ومتحمل ناراحتي و مشقت فراوان گردد.
در اين آيه شريفه منظور از (يطيقونه) كساني هستند كه با مشقت فراوان مي توانند روزه بگيرند، مانند اشخاص پيرو از كار افتاده و انسانهاي بسيار ضعيف و لاغر ، و زنان شيرده به بچه هاي ، وزنان حامله، و مريضهايي هستند كه اميد به بهبودي آنها نيست. بر اين گونه

اشخاص ، روزه گرفتن برايشان بسيار مشكل است. مي توانند روزه نگيرند وطوريكه قبلاً گفتيم اين شخص به جاي روزه هر روز يك انسان فقير را طعام دهند، طعامي كه بايد به اندازه اي باشد كه يك انسان معتدل را سير كند، و وقتي اين فديه را دادند ديگر قضاي روزه بر آنان واجب نيست .

همچنان اين حكم پروردگار شامل حال انعده از كسانی ميگردد كه به امراض مزمن كه علاج دوباره آن غير ممكن باشد نيز شامل ميگردد . يعنی برآنان گرفتن روزه فرض نيست در بدل آن ميتوانند كفاره دهند كه همان سير كردن يک روزه فرد مسكين بر او واجب ميگردد .

در شرعيت اسلام اين عمل نوعی رخصت و آسانگيری از جانب پروردگار به شمار می آيد؛ چنانگه می فرمايد: « **يُرِيدُ اللهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلاَ يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ** ».(خداوند آسايش شما را مي‌خواهد و خواهان زحمت شما نيست) (بقره/185)

و می فرمايد: « وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ » (و در دين كارهاي دشوار و سنگين را بر دوش شما نگذاشته است) (حج/78.)

ابن عبّاس(رض) می گويد:(به انسان پير و كهنسال اجازه داده شده است كه در ماه رمضان روزه نگيرد، ولی به خاطر هر روز خوراک يک نفر فقير را بپردازد، و قضای روزه بر او واجب نيست.)

و بخاری با عبارتی نزديک به اين حديث از ابن عباس روايت نموده است كه اين آيه درباره سالخوردگان و امثال انها نازل شده است:(**وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ**) (و بر كساني كه توانائي انجام آن را ندارند (همچون پيران ضعيف و بيماران هميشگي و كارگراني كه ساليانه پيوسته به كارهاي سختي ، مانند استخراج زغال‌سنگ اشتغال دارند ، و زندانيان محكوم به اعمال شاقه‌اي كه پيوسته به كار سنگين وادار مي‌گردند) لازم است كفّاره بدهند ، و آن خوراك مسكيني است (از خوراك متوسّطي كه به خانواده خود مي‌خورانيد و بايد در برابر هر روزي يك خوراك متوسّط كه بتواند به طور معتدل مسكيني را سير كند بپردازيد) و هر كه كار خير را پذيرا شود (و بر مقدار فديه بيفزايد ، و يا علاوه از روزه فرض ، روزه سنّت نيز بگيرد) براي او بهتر است.) (سوره بقره/ ايه :184)

مجاهد

مجاهد كه مصروف جهاد اعلای كلمة الله ودفاع از مقدسات وطن باشد ، گرفتن روزه بالای آن فرض نيست . ميتواند بعد از اينكه امور مجاهدت اش به پايان رسيد به گرفتن روزه اقدام نمايد.

مسافر

قبل از همه بايد گفت كه مسافرت درماه مبارک رمضان ممانعتی ندارد، ولی نبايد اين مسافرت برای فرار از روزه صورت گيرد.

در مورد چگونگی حكم روزه مسافر بايد به قرآن عظيمی الشان مراجعه كرد . پروردگار با عظمت ما ميفرمايد . « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ »كسانيكه از

شما مریض ویا در سفر باشد ، شمار روز های دیگر آنرا بگیرد. (یعنی برای روزه دار جواز دارد که روزه ماه مبارک را افطار نماید.)
علماء حدود مسافتی که در جمله سفر بشمار میآید انرا 4 بُرد بر آورد نموده اند . هر بُرد عربی برابر است با (22.176) کیلومتر، در نتیجه مسافتی که احکام سفر به آن تعلق میگیرد برابر است با 4 برابر این مقدار یعنی (88.704) کیلومتر (برای معلومات مزید مراجعه شود به کتاب «الفقه الإسلامي وأدلته» **1/74-75**).
علما برای تآیید نظرایات خویش بر روایات ذیل اسلامی استناد نموده اند :
1- از پیامبر صلی الله علیه و سلم به سند ضعیف روایت شده است که گفت: «يا أهل مكة لا تقصروا في أدنى من أربعة برد من مكة إلى عسفان» (روایت طبراني در المعجم الكبير (11162)، ودار قطني (387/1)، وبيهقي **3/13**) ، یعنی: «ای اهل مکة، از مسافت کمتر از 4 بُرد ما بین مکة و عسفان (نمازها را) قصر نکنید».
2- از ابن عباس رضي الله عنه سؤال شد که آیا تا رفتن به عرفه نمازها را قصر کنیم؟ گفت: نه، ولی تا عسفان و جدة و طائف (میشود نماز را قصر کرد) (التلخيص الحبير 46/2).
3- ابن عمر و ابن عباس رضي الله عنهما هنگام سفر در مسافت 4 بُرد به بالا (یعنی بیشتر از (88.704) کیلومتر) نمازها را دو رکعت میخواندند و روزه را نمیگرفتند.
ابن عمر هنگام رفتن به « ذات النصب » نماز را قصر کرد، و بین این مکان تا مدینة 4 بُرد مسافت بود (فتح الباري **2/566**).
در نتیجه کسی که مسافت بیشتر از (88.704) کیلومتر را طی کند احکام سفر به او تعلق میگیرد و میتواند روزه را بشکند و نمازها را قصر و جمع کند، ولی همانطوری که بیان شد باید سفرش مباح باشد، ولی اگر مسافت طی شده کمتر از (88.704) کیلومتر باشد، احکام سفر به او تطبیق نمیگیرد، و نمیتواند که روزه را بشکند و یا نمازها را قصر و جمع کند.
و نا گفته نماند که مسئله فوق الذکر یکی از آراء علماء در مورد مسافت قصر و جمع میباشد، و نظریه های دیگری نیز وجود دارد و علماء نزدیك به 20 قول را در مورد مسافت قصر برای مسافر بیان کرده اند. که نسبت طولت کلام از ذکر آن جلوگیری مینمایم .

یادداشت :

به مجرد که مسافر به حالت مقیم آید به گرفتن روزه آغاز وایام قضا ء شده را قضائی بیاورند.
همچنان علما ء میگویند بر آنعده اشخاصی در ماه مبارک رمضان احکام مسافرت تطبیق میگردد که مصروف مسافرت مباح باشد .

برای مسافر روزه گرفتن بهتر است یا روزه نـگرفتن :

طوریکه قبلا یاد اور شدیم که برای شخص مسافر مباح است،که در رمضان روزه نگیرند ولی قضای آن، بر آنها واجب میباشد. و بعد ازماه رمضان بتعداد روزههائیکه نگرفته است قضا ء ان رابعمل ارد .
درحدیثی از ابوسعید خدری روایت استکه :«ما در ماه رمضان همراه پیامبر صلی

الله علیه و سلم به جنگ می‌رفتیم. بعضی ازما روزه می‌گرفتند وبعضی ازما روزه نمی‌گرفتند، نه روزه داران برروزه خواران اعتراض می‌گرفتند و نه روزه خواران بر روزه داران. و حکم همین بود،که هرکس بتواند روزه بگیرد روزه باشد وکار خوبی است و هرکس نتواند روزه بگیرد و در خود سستی و ناتوانی احساس کند، روزه نگیرد وکار خوبی است«(بروایت احمد و مسلم.)

محدثین مینویسند که ، در یکی از روز ها حمزه اسلمی به پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: ای رسول خدا من در مسافرت توانائی روزه‌گرفتن را در خود می‌بینم، آیاگناه داردکه روزه باشم؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: « هی رخصة من الله تعالی فمن أخذ بها، فحسن، ومن أحب أن یصوم فلا جناح علیه »(این یک رخصت است از جانب الله ، هرکس بدان عمل‌کرد نیک‌کرده است، و هرکس خواستکه روزه بگیرد بر وی گناهی نیست) (بروایت مسلم).

همچنان در حدیث دیگری آمده است که شخصی به نام حمزه ابن عمرو در حالیکه مصروف مسافرت بود ، ولی با آنهم روزه میگرفت ، در یکی از روز ها از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: آیا در اثنای سفر روزه بگیرم؟ پیامبرصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:« إن شِئْتَ فصُمْ، وإن شِئْتَ فأَفْطِرْ » (اگر خواستی روزه بگیر و اگر خواستی روزه را بخور.) (بخاری (1943)، و مسلم (1121)

طوریکه ملاحظه مینمایم پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ایشان در گرفتن روزه اختیار داد وبرایش گفت اگر خواستی روزه بگیر واگر نخواستی میتوانی روزه را افطار نمایی ، و همین اختیار، دلیلی است بر این که اگر مسافر می تواند بدون تحمل مشقّت و سختی روزه بگیرد، مجاز به این کار است روزه اش فرض باشد یا نفل، زیرا سبب جواز خوردن روزه در سفر وجود مشقت و سختی است.

از طرف دیگر روزه بودن همراه مشقت و زحمت دارای اجر و ثواب بیشماری است به شرط آن که شخص نیازمند به کمک دیگران نباشد و اگر نتواند امور خود را رسیدگی کند وبه اصطلاح سربار دیگران می شود در این صورت خوردن روزه برایش افضل است. مطابق به فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم « ذَهَبَ المُفْطِرُونَ اليومَ بالأَجْر» «امروز کسانی که روزه نبودند اجر و ثواب را حاصل نمودند.» بخاری (2890)، و مسلم (1119)

شیخ ابن جبرین طی فتوای گفته است :

روزه دار مسافر اگر محتاج باشد که رفقایش برای او سایه درست کرده و بر او آب بپاشند و شترش را آب دهند و خوراک و... تهیه کنند بهتر آن است که از روزه گرفتن صرف نظر کند تا مزاحم دیگران نشود؛ اما اگر روزه در روند کارش خلل ایجاد نکند افضل آن است که روزه بگیرد، روزه ی فرضی باشد یا نفلی. (برای مزید معلومات مراجعه شود به فتوا شیخ ابن جبرین- مورخه ی 1/2 در این بابت)

بنآ بصورت کل گفته میتوانیم :

اگر شخصی در ماه رمضان هنگام سفر روزه اش را نخورد، روزه اش صحیح است مگر آن

که روزه برایش زیان آور باشد که در این صورت تأکید می شود روزه اش را بخورد بدلیل حدیث پیامبرصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که فرموده: :« لیسَ مِنَ البِرّ الصیامُ فی السَّفَر»«روزه گرفتن در مسافرت جزو نیکی و عبادت نیست.» (بخاری (1946)، و مسلم (1115).

نظریات علماء در مورد روزه مسافر :

ائمه اربعه و جمهور صحابه و تابعین بر این هستند که روزه گرفتن در سفر جایز و صحیح است، و اگر شخص مسافر روزه گرفت، روزه اش منعقد شده و بریء الذمه می شود. (برای مزید معلومات مراجعه نماید به رساله (الموسوعة الفقهية جلد28 صفحه 73.)

امام ابوحنیفه ، امام شافعی ، وامام مالک بدین رای اند : اگر مسافر توانمندی روزه گرفتن راداشته باشد ، بهتر است که روزه بگیرد . ومسافر که توان گرفتن روزه را نداشته باشد بهتر است ،روزه نگیرد .

شیخ محمد بن علی بن محمد بن عبدالله بن الحسن شوکانی میگوید :

کسی‌که روزه برایش سخت و دشوارو زیانمند است وکسی‌که به عمد می‌خواهد از رخصت رو بگرداند و با آن مخالفت‌کند وکسی‌که بر خود نگران باشدکه در سفر روزه بگیرد ممکن است دچار خودپسندی و تظاهر و ریا گردد، برای همه این گونه اشخاص روزه نگرفتن بهتر است. اگرهیچیک ازاینها مطرح نباشد روزه‌گرفتن بهتر می‌باشد.

به همه حال اگر مسافر با گرفتن روزه دچار مشقت نشوند، روزه گرفتن برایش بهتر است ولی اگرشخصی مسافر دچارمشقت ، تکلیف وحرجی میشود ، بهتر است که که روزه نگیرند.

افضلیت وعدم افضلیت روزه در مسافرت :

درمورد افضلیت وعدم افضلیت روزه در مسافرت توجه خوانندگان را به نکات ذیل جلب مینمایم :

حالت اول:

اگر روزه بودن یا نبودن برای شخص مسافر یکسان باشد؛ یعنی روزه گرفتن بر وی (در سفر) تاثیر (چندانی) نمی گذارد، در این حالت روزه گرفتن برایش بهتر است؛ به دلایل زیر:

1- ابو درداء رضی الله عنه در این مورد استدلال میاورد «خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ فِي يَوْمٍ حَارٍّ حَتَّى يَضَعَ الرَّجُلُ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ وَمَا فِينَا صَائِمٌ إِلاَّ مَا كَانَ مِنَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم وَابْنِ رَوَاحَةَ. (بخاری:1945).

یعنی: در یکی از سفرها، همراه رسول خدا صلی الله علیه وسلم خارج شدیم. هوا گرم بود تا جایی که مردم از شدت گرما، دستهای خود را روی سرشان می گذاشتند. و از میان ما کسی غیر از رسول خدا صلی الله علیه وسلم و ابن رواحه، روزه نبود.

در این حدیث مشاهده می شود که عده ای از صحابه روزه نبودند و تنها ابن رواحه همراه پیامبر صلی الله علیه وسلم روزه بودند.

2- روزه گرفتن در اینحالت باعث می شود که فرد مکلف در اسرع وقت تکلیف شرعی خود

را انجام داده و بریء الذمه گردد، اما قضاء کردن آنها موجب تاخیر در بریء الذمه شدن انسان است.
3- روزه گرفتن برای وی در ماه رمضان آسانتر است؛ زیرا معمولا روزه گرفتن در زمانی که غالب مردم روزه نیستند اندکی سخت تر می شود.
4- روزه گرفتن در ماه رمضان فضیلت بیشتری دارد؛ چرا که انجام عبادات در رمضان افضلتر از دیگر ماههای سال است.
امام شافعی باتوجه به این دلایل ترجیح داده که روزه گرفتن برای کسی که روزه بودن و نبودن برایش یکسان است، بهتر است.

حالت دوم:

روزه نگرفتن برای وی (مسافر) به حالش سودمند تر است؛ در اینجا می گوئیم: روزه نبودن افضل تر است، و اگر پاره ای از مسائل موجب مشقت بر وی گردد در آنصورت حتی روزه گرفتن بر وی مکروه است، زیرا کسی که در مشقت قرار دارد باوجودیکه الله متعال برایش رخصت داده اما وی از آن رخصت الهی عدول می کند قطعا مرتکب امری مکروه شده است.

حالت سوم:

روزه گرفتن برای وی موجب مشقت شدیدی گردد که قابل تحمل نباشد؛ در اینحالت روزه گرفتن بر وی حرام است. به دلیل حدیث مسلم از جابر بن عبدالله رضی الله عنه که گفت:
«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ عَامَ الْفَتْحِ إِلَى مَكَّةَ فِي رَمَضَانَ فَصَامَ حَتَّى بَلَغَ كُرَاعَ الْغَمِيمِ فَصَامَ النَّاسُ ثُمَّ دَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فَرَفَعَهُ حَتَّى نَظَرَ النَّاسُ إِلَيْهِ ثُمَّ شَرِبَ فَقِيلَ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ إِنَّ بَعْضَ النَّاسِ قَدْ صَامَ فَقَالَ أُولَئِكَ الْعُصَاةُ أُولَئِكَ الْعُصَاةُ» . وفی روایة : «فَقِيلَ لَهُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ شَقَّ عَلَيْهِمْ الصِّيَامُ وَإِنَّمَا يَنْظُرُونَ فِيمَا فَعَلْتَ فَدَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ بَعْدَ الْعَصْرِ» مسلم (1114) .
یعنی: پیامبر صلی الله علیه و سلم در سال فتح مکه بقصد مکه از مدینه بیرون شد وتا اینکه به چشمه آب عمیم (دریک میلی عسفان) رسید، روزه بود و مردم نیز با وی روزه بودند. به وی عرض کردند که روزه مردم را به مشقت انداخته و مردم به تو چشم دوخته‌اند. بعد ازعصربود، که پیمانه‌ای آب خواستند و از آن نوشیدند و مردم به وی می‌نگریستند، پس گروهی نیز افطار کردند و گروهی همچنان روزه بودند. به ایشان عرض کردند که گروهی همچنان روزه هستند، او فرمود: آنان نافرمانی کرده وگناهکارند. (چون پیامبر حکم کرده بود که از این رخصت استفاده کنند وآنان با آن رخصت مخالفت کردند).(برای مزید معلومات مراجعه شود به :الشرح الممتع للشیخ محمد ابن عثیمین رحمه الله .ج6 ص355.
«امام نووی و کمال بن همام گفتند: احادیثی که دلالت بر افضلیت روزه خوردن (در سفر) دارند بر کسی حمل می گردد که با وجود روزه بودن دچار ضرر گردد، و در بعضی از احادیث به این مسئله تصریح هم شده است، و لازمست که (آن احادیث) را اینگونه تاویل نمود، تا بین احادیث جمع کرده باشیم، و این (جمع کردن) بهتر است از اینکه بعضی احادیث را نادیده بگیریم و یا ادعای نسخ نماییم بدون آنکه دلیل قاطعی باشد. و کسانی که روزه گرفتن یا نگرفتن آنرا (در سفر) یکسان می دانند، به حدیث عایشه رضی الله عنها استدلال کردند که:

حمزه بن عمرو اسلمی رضی الله عنه – که زیاد روزه می گرفت - به پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: آیا در سفر روزه بگیرم؟ که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر خواستی روزه بگیر، و اگر نه روزه ایت را بخور» متفق علیه». (الموسوعة الفقهية) (ج28 ص73.)

حکم تصمیم سفردر روزماه مبارک رمضان:

بر طبق مذهب امام ابوحنیفه ، امام مالک و امام شافعی ، هرگاه شخصی در شب نیت روزه فردا را بعمل اورد ، ولی در صبح همان روز تصیم به سفر کرد براین شخصی جایز نیست که روزه اش را بخورد، این شخص باید روزه اش را تاوقت غروب ادامه و وروزه خویش کامل نماید، زیرا روزه عبادتی است که نسبت به حالت حضر و سفر مختلف است، و هرگاه این دو (حضر و سفر) با هم جمع شوند، حکم حضر بر سفر غالب می گردد. (برای مزید معلومات مراجعه فرماید : به «حاشیه ابن عابدین » (431/2).

ولی در مذهب امام احمد برای این شخص جایز است که هرگاه روزه دار در اثنای روز سفر کرد روزه اش را بخورد.(برای مزید معلومات مراجعه فرماید : به کتاب: «المغنی» (345/4).

اما قول راجح همان رای امام احمد است، به دلیل عمومیت فرموده الله تعالی: «فَمَن كَانَ مِنكُم مَرِيضاً أو عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِن أيَّامٍ أَخَر» (بقره : 184).«و کسانی از شما که بیمار یا مسافر بودند (و روزه نگرفتند، به اندازه آن روزها) چند روز دیگری را روزه گیرند».

و نیز به دلیل حدیث جابر بن عبدالله رضی الله عنه که گفت: «أنَّ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خَرَجَ عامَ الْفتح إلى مكّة فى رمضان فصام حتّى بَلَغَ كُراع الْغميم فَصَام النّاسُ ثمَّ دعا بقدح منْ ماءٍ فَرَفَعهُ حتى نَظَرَ الناسُ إليهِ ثمَّ شربَ فقيل لهُ بَعْدَ ذلک إنَّ بعض الناس قدْ صامَ ؟ فقال : « أُولئکَ العُصاةُ، أُولئکَ الْعُصاةُ» وفی لفظ : فقيلَ لهُ إنَّ النّاس قدْ شقَّ عَلَيْهِمُ الصِّيام وإنما ينْظرون فيما فعلتَ فدعا بقدح منْ ماءٍ بعد العصر فشرب». (رواهُ مسلمٌ.) یعنی: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در سال فتح مکه در ماه رمضان بسوی مکه رفت و روزه گرفت و مردم نیز روزه داشتند، تا به (جایی بنام) کراءالغمیم رسید، آنگاه کاسه آبی خواست، و آن را بلند کرد؛ تا مردم به ایشان نگاه کنند، سپس نوشید، بعد از آن به ایشان گفتند: برخی از مردم روزه گرفتند، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « آنان نافرمان هستند، آنان نافرمان هستند». و در روایتی دیگر آمده: به ایشان گفته شد: مردم روزه برایشان دشوار است، منتظرند ببیند شما چکار می کنید، بعد از عصر بود که کاسه ی آبی را خواست و نوشید. مسلم روایت کرده است.

که در این روایت مشاهده می شود با وجود آنکه مردم تا وقت عصر روزه بودند ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم در آن هنگام – به دلیل سفر- روزه خود را می خورد.

نظر شیخ الاسلام ابن تیمیه:

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله در مورد اینکه : «هرگاه کسی در اثنای روز سفر کند آیا خوردن روزه برایش جایز است یا خیر ؟ میفرماید :

دو قول مشهور علما در این مسئله وجود دارند که از امام احمد هر دو قول روایت شده، ولی

ظاهرتر آنها اینست که: برای او جایز است، همانطور که در سنن ثابت شده که هرگاه یکی از صحابه در روز به سفر می رفت روزه را می خورد و یادآور می شد که آن جزو سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم است، و در صحیح (بخاری) از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده که او نیت روزه در سفر داشت و سپس خواست که کمی آب برایش آورند او نیز روزه اش را خورد درحالیکه مردم وی را می دیدند». (برای معلومات مزید مراجعه شود به مجموع الفتاوی (212/25).

اما باید توجه کرد که خوردن روزه تا زمانی برایش جایز نیست ، تا که به سفر خویش اغز نه نموده باشد وبرای این شخص جایز نیست که در محل اقامتش روزه اش را بشکند.

شیخ ابن عثیمین در (الشرح الممتع (218/6). مینویسد :

«صحیح آنست که او نباید روزه را بخورد تا آنکه شهر را ترک کند، زیرا او اکنون در سفر نیست هرچند که نیت سفر را دارد، و بخاطر این نیت برای او جایز نیست که (نمازش) را قصر کند تا آنکه از شهر خارج می گردد، و همینطور جایز نیست تا روزه را بشکند تا آنکه از شهر خارج می شود».

حمل :

زنان که حامله اند ومیدانند که به گرفتن روزه برای حمل وخود آن ضرر میرسد مکلف به گرفتن روزه نیستند.

ارضـــــاع :

اگر زن شیرده گمان غالب کند که در صورت روزه گرفتن ضرر شدید به طفل وی خواهد رسید اجازه دارد روزه نگیرد.صرف قضای روزه بر آنها فرض است .از انس بن مالك کعبی (ر ض) روایت شده که رسول الله علیه السلام فرموده است :« إن الله عزوجل وضع عن المسافر الصوم وشطر الصلاة وعن الحبلى والمرضع الصوم » (خداوند عزوجل برداشته از مسافر روزه ونصف نماز را واز زن حـــاملـــه وشیر ده روزه را) (احمد ، ابو داود ، ابن ماجه ، تر مذی)

امام ابو حنیفه (رحمة الله علیه) میفر ماید : اگر زنی حامله یا شیر ده از روزه گرفتن بتر سد جایز است افطار کند فرق نمی کند که خوف او بر خودش وطفل اش ویا تنها بر خودش ویا تنها بر طفل اش باشد ، ودر صورت که قدرت یافت صرف بر او قضا ء لازم است نه فدیه ، همچنان پیهم روزه گرفتن در ایامی که قضا می کند بر او لازم نمی باشد. این حکم برای زنی که فرزند خود را شیر میدهد وزنی که برای شیر دادن اجیر شده فرقی ندارد زیرا اگرمـادر طفل باشد شیر دادن به اساس دیانت بر او وجب است واگر اجیر باشد شیر دادن به اساس عقد بر او واجب شده است .

حـــائض ونفـاس در رمضان :

زنانیکه به دوره حیض ونفاس باشند جواز ندارد که روزه دار گردند . اگر زن حائض

وزنی که در نفاس است روزه بگیرند ، روزه آنها صحیح نیست ؛ چون یکی از شروط صحت روزه ، پاکي از حیض ونفاس است وبر آنها قضا واجب است .
در حدیث از بی بی عایشه (رض) روایت است : « کنا نحیض علی عهد رسول الله (ص) فنؤ مر بقضا ء الصوم ولا نؤمر بقضا ء الصلاة » « ما در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم به حیض می افتادیم ، به مادستور داده می شد که تنها روزه را قضا کنیم نه نماز را »(صحیح سنن الترمذي : ۶۳۰) ،(صحیح مسلم : ۳۳۵/۲۶۵/۱) ، (سنن ابو داود ۲۵۹ و ۲۶۰/۴۴۴/۱) زن هر زمانیکه از دوره خلاص شدند بــه تجدید نیت به گرفتن روزه اقدام نمایند.
زنانه حائضه ونفسا ء روزه فوت شده شانرا بعد از رمضان قضا ء می آورند.(اگر دوره نسائی اش قبل از فجر صورت گیرد میتواند اول نیت وبعداً به گرفتن روزه ا قدام نماید واگر دوره نسائی آن بعد از فجر صورت گیرد در صورتیکه خواسته باشد میتواند در همان روز از خوردن ونوشیدن اباء ورزد . ولی روزه آن درست نبوده باید به قضاء آن مبادرت نماید. (قابل تذکر است آنعده از زنانیکه مریض به جریان دم متداوم مبتلا ء اند (خارج از ایام حیض ونفاس) میتوانند روزه بگیرند. وحتی نماز پنج گانه را بشر ط آنکه برای هر نماز وضو جداگانه نماید ، اداء نماید.
اگر زن فقط یك لحظه قبل از شام حیض یا نفاس ببیند روزه اش باطل گردیده وباید آنرا قطع کند. اگر خون حیض یا نفاس برای لحظه یی هم قطع شود برای روزه نیت کند هر چند غسل را کمی به تأخیر اندازد.تبصره :باید دانست اگر روزه انسان فاسد شود باید از خوردن ، نوشیدن وسایر شکننده های روزه به جهت احترام رمضان خود داری کند اما این حکم بر ای حائض ونفسا ء تطبیق نمیشود بلکه بروی لازم است که خوردن ونوشیدن خود را از چشم مردم پنهان نماید.

استعمال تابلیت های برای جلوگیری عادت ماهانه :

برخی از خواهران غرض جلوگیری از عادت ماهانه تابلیت های مخصوصی راغرض دفع خونریزی استفاده مینمایند . به این تعداد از خواهران باید گفت : پروردگار با عظمت ما حیض را برای دختران آدم قرار داده است وبرای این دوره ماهانه حکمی ، طوریکه فوقآ بدان اشاره نمودیم مقرر داشته است ، پس زنانیکه که دوره حیض ونفاس وعادت ماهانه باشد ، باید از گرفتن روزه اجتناب کنند ، و نباید با خوردن تابلیت ها واستفاده از وسایل دیگر که فطرت خلقت را بر هم زند، پناه ببرند . زیر این عمل از یک طرف ضرربرای سلامتی جسمی زنان ببار میاورد ، واز طرف دیگر هیچ ثوابی از گرفتن روزه نصیب شان نمیگردد .

شدت گـرسنگی وتشنگی :

اگر روزه ء دار از شدت گر سنگی بــه خطر زندگی یــا خطر فتور در عقل باشد میتواند روزه نگیرد .

تـرس از هـلاکت :

اگر به علت محنت ومشقت احتمال مردن ، یا ظالمی بر کسی جبر کند که اگر روزه گرفتی تر خواهم گشت یا به سختی ترا لت وکوب خواهم کرد ویا یکی از اعضای بدن ترا قطع خواهم کرد ، اجازه است که روزه نگیرد.

بـی هـوشی :

اگر بیهوشی بر کسی طاری گردد وچند روز دوام کند . در این صورت قضای روز های که مانده واجب است .

جنـــــون :

اگر جنون بر کسی طاری گشت واز آن هیچ وقت بهبود نمی یابد از گرفتن روزه معاف است ، قضا وفدیه واجب نمی باشد ولی اگر بهبود یافت ، قضا بر وی واجب است.

تبصره :

اگرمریض ومسافر با گرفتن روزه دچار مشقت نشوند ، روزه گرفتن بهتر است واگر دچار مشقت شوند بهتر آن است که روزه نگیرند. در حدیث شریف از ابو سعید خدري (رض) روایت است : « با پیامبر صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان به جنگ با کفار رفتیم بعضی از ما روزه بودن وبعضی دیگر روزه نبودند بدون اینکه از همدیگر ایراد بگیرند ومعتقد بودند کسی که توانایی روزه دارد اگر روزه بگیرد بهتر است وکسی که توانایی روزه را ندارد بهتر آن است که روزه نگیرد »(مسلم ۱۱۱۶ - ۶۹/۷۸۷/۲) ، (سنن الترمذی ۷۰۸/۱۰۸/۲)

حالاتی که شکستن روزه در آنها جـا یـز است :

حمله نا گهانی مرض که خطر مرگ را دربر داشته باشد ویا حوادث ترافیکی توام با خطر باشد.اگر کسی نا گهان مریض شود ویا در صورتیکه روزه خود را نشکند خطر شدت بیماری اورا تهدید میکند جـواز دارد روزه خود را بشکند.

اگر کسی را مار ویا گژدم گزید وضرورت به دوا باشد میتواند روزه خود را بشکند.

شـــروط روزه :

اول اســـلام : یکی از شرایط روزه همانا مسلمان بودن است . کسانیکه از دین اسلام بر گردند روزه آنان باطل است ودر صورت رجعت دوباره به دین مبین اسلام میتوانند به قضا ء روزه اقدام نماید:

دوم نیت :

« **إنما الاعمالُ بِا لنياتِ ، وإنما لِكُلِ اِمرِي ما نوىٰ** » « قبول وصحت اعمال با نیات است ، پذیرش وپاداش هرعمل بستگی به نیت آن دارد» معنای نیت اراده کردن در قلب میباشد .

در (آیه 88 و 89 سوره شعراء) پروردگار با عظمت ما میفرماید : « يَوْمَ لا يَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ * إِلاّ مَنْ أَتَى اللهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ » (در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه پروردگار اید)
قبل از همه باید گفت ، روزه بدون نیت درست نمی باشد. روزه دار باید در شب (آغاز از غروب آفتاب الی طلوع آفتاب یا فجر) نیت روزه رابعمل ارد.
طوریکه گفتیم نیت به معنی قصد قلبی است و ضروری نیست که الفاظ نیت به زبان آورده شود. محل نیت همان قلب است .
نیت روزه میشود از آغاز شهر رمضان آغاز والی اخیر ماه رمضان ادامه یابد.
ضرورت به تجدید همه روزه آن نیست. ولی اگر روزه به اثریکی از عذر های شرعی مقطوع گردد ضرورت است که به آغاز دوبارۀ نیت روزه نیز تجدیـد بعمل آید.
اگر قرار باشد که روزه دار نیت هر روز میواهد تجدید کند ، پس لازم است ، نیت قبل از طلوع فجر مطابق حدیث که از حفصه روایت گردیده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « من لم يجمع الصيام قبل الفجر فلا صيام له» (کسي که قبل از طلوع فجر نیت روزه نکند روزه‌اش صحیح نیست) . (صحيح مسلم : [صفحه. جلد 6538]، د (7/122/2437)، ترمیذی (2/116/726)، نسایی (4/196).
(نیت به هر زبان که شخص میخواهد میتواند آنرا بجاء آورد. نیت تنها به الفاظی عربی شرط نیست.)
اگر شخصی در شب نیت میکند بگوید : « وبِصومِ غد نويتُ مِن شهرِ رمضان »
(ومن نیت کردم برای فردا روزۀ ماه مبارک رمضان را) وشخصی که در روز نیت میکند بگوید : « نـويت وبصوم اليوم مـن شهـر رمـضـــان »(من نیت کردم برای امروز روز ۀ ماه مبارک رمضان را.).
برای مسافر ضرور است که در رمضان نیت کدام روز ۀ واجب را ننماید ، اگر نیت روز ۀ فرض رمضان را کند یا نیت روز ۀ نفلی را در هر صورت درست است.
کسیکه روز ۀ قضای رمضان المبارك را میگیرد ، ضرور است که بطور معین نیت روز ۀ فرض را بنماید.
اگر شخصی در شب نیت روزه را فراموش کند ودر روز بیادش آید باید گفت که در سه نوع روزه نیت کردن تا قبل از زوال آفتاب صحیح میباشد که عبات اند از :
« روزه رمضان المبارك ، روزه های نذر که روز یا تاریخ آن معین گردیده باشد ، روزه نفلی».
در چهار نوع روزه نیت کردن از غروب آفتاب تا طلوع صبح صادق ضرور بوده وپس از طلوع صبح صادق نیت کردن کافی نمی باشد واین روزه ها عبارت اند از :
« روزه قضایی رمضان المبارك، روزه های نذری که روز وتاریخ آن معین نشده باشد ، روزه های کفاره ، روزه های قضایی روز ۀ نفلی که پس از آغاز به علتی فاسد شده باشد.»

اگر شخصی در شب بنابر دلیلی اراده روزه گرفتن را نداشته ودر صبح هم به فکر روزه نگرفتن باشد ، سپس قبل از زوال آفتاب فکر کند ترك روز ۀ رمضان درست نیست و گناه دارد ونیت کند روزه اش صحیح میباشد ، اما اگر چیزی خورده باشد ضرورت به نیت نمی افتد.

فـرایـض روزه :

در روزه از نمودار شدن صبح صادق تا غروب آفتاب کناره گیری کردن از سه چیز فرض است : (امتناع از خـــوردن ، امتناع از نوشیدن ، امتناع از لذ ت جنسی)

سنن ومستحبـــات روزه :

سحری کردن اگر چه به دانه خر ما باشد ، خوردن سحری در اخیر وقت مستحب است طوریکه چیزی وقت به صبح صادق مانده باشد. نیت روزه ء در شب مستحب است ، عجله در افطار پس از غروب آفتاب تاخیر نکردن در افطار مستحب است . افطار با آب وخر ما مستحب بوده . روزه دار باید در مـــاه مبارك رمضان از : غیبت ، سخن چینی ، در غگویی ، غالمغال ، قهر وظلم ، امتناع بعمل آرد.

وقـــت روزه :

وقت روزه فرضی ویا روزه شرعی، به حکم قرآن از طلوع صبح صادق آغاز وتا غروب آفتاب ادامه می یابد . چنانچه در(آیه 187 سوره بقره) آمده است :

« وکلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابیض من الخیط ا لاسود من الفجر ثم أتموا الصیام الی الیل » (تا آن وقت بخورید وبنوشید که خط سفید از خط سیاه خوب نمایا ن وآشکار شود وباز روزه را تا اول شب به اتمام رسانید وآنرا بگیرید.) ولی در کشور هایکه آبر الود اند وتعیین وقت در آن دشوار است فتوای علما است کـه افطار به وقت محلی نزدیکترین کشور اسلامی صورت می پذیرد .

روزه گرفتن در شب جواز نداشته خداوند (ج) شب را برای استراحت افریده « هو الذی جعل لکم اللیل لتسکنوا فیه والنهار مبصراً إن فی ذالك لایات لقوم یسمعون»(سوره یونس آیه 178)

سحـری« پـس شب » وا فـــطار :

پیامبراکرم (ص)فرموده است : « سه امر از جمله اخلاق پیامبرانه میباشد :« تاخیر در سحری ، تعجیل در افطار ، در نماز دست راست را بر چپ گذاشتن » پیامبر اسلام میفر ماید : « سحری بخورید ، زیرا در خوردن سحری بر کت است : برای روزه گرفتن روز از خوردن سحری کمك بگیرد وبرای قیام لیل (تهجد) از خوابیدن بعد از ظهر کمك حاصل کنید. »

برای روزه دار مستحب است که با خرما تازه افطار کند ودر صورت عدم موجودیت آن با آب افطار نماید ودر زمستان میتواند با خر مای خشك و در صورت عدم موجودیت آن با آب افطار کند تا معده آماده گردیده وغذایی را که بعداً خورده میشود بتواند هضم

نماید . پس از آنکه شخص با خر ما یا آب وغیره افطار کرد نماز شام را میخواند وبعد از آن غذا میخورد و پیامبر (ص) فرموده است : « إذا أفطر أحدكم فليفطر على تمر ، فإن لـم يجد فليفطر على ما ء فإنه طهور » « چون افطار کند یکی از شما پس افطار کند با خر ما ، پس چون نیافت پس افطار کند با آب زیرا پاك کننده است »(متفق علیه) برای روزه دار عجله در افطار وتأ خیر در سحری افضل میباشد زیرا پیامبرصلی الله علیه وسلم فرموده است : « لا تزال أمتی بخير ما أخروا السحو ر وعجلو ا الفطور»« همیشه امت من به خیر باشند تا وقتیکه به تاخیر اندازند سحری را وشتاب کنند در افطار ».

دعـای افـطار :

« اللهم لك صمت وعلى رزقك افطرت »(خداوند ! من برای تو روزه گرفتم واز رزقی که تو نصیبم کرده ای افطار نمودم)(روای حدیث شریف: ابوداود).

ویا این دعا :

« بسم الله والحمد لله ، اللهم لك صمت وعلى رزقك افطرت وعليك تو كلت سبحانك وبحمدك ، تقبل منى ، انك انت السميع العليم »

دعا بعد از افطار :

« ذهب الظما ء وابتليت العروق وثبت الاجر ان شا ء الله »(تشنگی زایل شد، رگ ها سیراب گشت، واگر خداوند خواست اجر نیز خواهد رسید.)(روای حدیث شریف : ابوداود).

ثـــواب افطار دادن :

اگر شخصی به روزه دار افطار دهد انقدر اجر وثواب کمایی می کند که نصیب روزه دار میشود ، هر چند افطاری مذکور چند لقمه نان یا يك خر ما باشد.پیامبرصلی الله علیه وسلم فـرموده است : « شخصی کـه روزه داری را افطاری دهد او را اجر وثواب مانند روزه دار است »(بیهقی).

حکم آذان برای افطار دررمضان

ما مسلمانان که در کشور های غربی زندگی بسر میبریم وبسیاری ما مسلمانان از نعمت شنیدن آذان مانندآذان در جوامع اسلامی محروم هم هستیم ، و به این ترتیب کمبود بزرگی را احساس نموده، مشتاق شنیدن آذان وکلمات شرین آن از منار های مسجد هستیم ، این اشتیاق در ماه مبارک رمضان بیشتر میگردد. واقعیت چنین است که درین کشور های مقیم و جوامع که مردم آن بیشتر مسیحی اند زیادتر اوقات حالاتی پیش می هم اید که در وقت افطار ،صدای زنگ کلیسا را میشنویم .

بسیاری از مسلمانان وبخصوص افغانها محترم ما در کشور های غربی ، عادت دارند که افطار را به آذان می آغازند و آذان را برای افطار شرط میدانند.

میخواهم خدمت خوانندۀ گرامی بعرض برسانم که آذان برای افطار دردین مبین اسلام شرط نبوده وروزه دار بدون آذان میتواند روزه خویش را هم افطار نماید.

این بدین معنی است که شنیدن آذان جهت افطار برای روزه دار شرط نیست، بلکه آذان اعلامی است جهت انجام عبادت نماز در وقت خاص خود، که چون افطار در هنگام آذان مغرب است، لذا آذان نشانه اي براي جواز افطار روزه دار شده میتواند ، ولی لازم و شرط نیست که روزه دار تا زمانیکه صداي آذان مغرب را نه شنود ، نباید افطار کند.
برای روزه دار کافیست که ساعت مغرب واینکه که آیا وقت نماز مغرب رسیده است یا خیر، با مطمین شدن از این امر روزه دار میتواند روزه اش را افطار نموده ، وبعد از آن با ادای نماز مغرب خویش بپردازد .
وقت آذان مغرب بعد از غروب کامل آفتاب بوده ، وخوشبختانه که بشر امروز به چنان امکانات بیشرفته تخنیکی والکترونیکی دست یافته، که این مشکل تا حد ممکن برای مسلمانان بخصوص در جوامع غیر اسلامی ویا غربی نیز حل گردیده. همچنان خوشبختانه بسیاری از مراکز اسلامی جنتری های اسلامی وتقویم های شرعی را قبل از ماه مبارک رمضان به طبع رسانیده وبدسترس مسلمانان قرار میدهند ، که در این کار امکاناتی خوبی در اختیار مسلمانان قرار میدهد.

افطار قبل از نماز مستحب است

مستحب است قبل از نماز خواندن ابتدا روزه ی خود را با خوردن چند عدد خرما یا آب باز کرد بعدآ به ادای نماز پرداخت .
در حدیث که از انس (رض) روایت گردیده آمده است : (كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يفطر على رطبات قبل أن يصلي، فإن لم تكن رطبات فعلى تمرات، فإن لم تكن حسا حسوات من الماء) «پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از آنکه نماز مغرب را بخواند با چند خرمای رطب افطار میکرد، اگر خرمای رطب نبود چند خرمای خشک و اگر خرمای خشک نبود، چند جرعه آب مینوشید». (حدیث شماره 2339 ابوداود)
در ضمن باید گفت : اگر احیاناً حالت پیش آید که افطار بعد از اذان صورت گیرد ، روزه دار گناهی را مرتکب نشده ولی همینقدر باید گفت که ترک سنت کرده و فضیلتی را از دست داده است در حالیکه می تواند حداقل مقدار کمی آب بنوشد و بعد نماز بخواند و این امر بسیار سهل واسان است.

وقت افطارمؤذن دررمضان

در نزد بسیاری از مسلمانان این سوال مطرح است که : مؤذن اول افطار کند و بعد اذان دهد و یا بعد از اذان خودش افطار نماید؟در مورد باید گفت : معیار و ملاک اصلی برای شروع و جواز افطار، در حقیقت غروب آفتاب ، چنانکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِذَا أَقْبَلَ اللَّيْلُ مِنْ هَهُنَا وَأَدْبَرَ النَّهَارُ مِنْ هَهُنَا وَغَرَبَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ أَفْطَرَ الصَّائِمُ» بخاری (1954) ومسلم (1100).یعنی: هر گاه شب از این سمت (مشرق) شروع شود و روزاز این سمت (مغرب) به پایان برسد وآفتاب نیز غروب کند وقت افطار روزه دار فرا رسیده است.
از طرفی دیگر یکی از سنتهای نبوی در امر روزه اینست که در افطار آن تعجیل شود، چنانکه از سهل بن سعد روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لا

يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْفِطْرَ». (بخاری:1957)
یعنی: «مردم تا زمانی در خیر، بسر میبرند که در افطار نمودن، عجله کنند». (یعنی بلا فاصله پس از غروب آفتاب، افطار نمایند).
ابن عبدالبر رحمه الله می گوید: «از جمله سنت (نبوی) تعجیل در افطار و تاخیر در سحری است، و تعجیل باید پس از اطمینان از ناپدید شدن افتاب باشد، و برای کسی که شک دارد که آیا افتاب ناپدید شده یا خیر؟ جایز نیست افطار کند، زیرا (عبادت) فرض به یقین نیاز دارد و جز با یقین خارج نمی گردد».(التمهید) (21 / 97 ، 98) .

و اما مؤذن :

اگر روزه داران منتظر اذان موذن هستند تا هرچه زودتر افطار کنند، در اینحالت باید بدون تاخیر به اذان گفتن مبادرت ورزد تا موجب تاخیر افطارمردم نشود، چرا که تاخیر افطار خلاف سنت نبوی است. مگر آنکه مؤذن به خوردن یا نوشیدن چیز ساده ای قناعت کند - مانند نوشیدن اندکی آب - که در اینحالت ایرادی ندارد و سپس اذان دهد.
اما اگر کسی منتظر اذان او نیست، مثلا مؤذن به تنهایی در صحرایی است و فقط برای خودش اذان می دهد، و یا برای دسته ای از مردم که نزد وی حضور دارند اذان می دهد (مانند دسته ای از مسافرین) در اینحالت ایرادی ندارد که قبل از اذان افطار کند، زیرا همراهانش با خود مؤذن می توانند افطار کنند ومنتظر اذانش نیستند، وبعداً مؤذن اذان داده و نمازشان را بخوانند.

حکم روزه در کشور های اسکندنوی:

روزه ماه مبارک رمضان یکی از ارکان اسلام است که حکم آن توسط کتاب و سنت و اجماع امت اسلام ثابت شده است، و بر هر مسلمان بالغ و عاقلی واجب و فرض است تا رمضان را روزه بگیرد، و برای او جایز نیست که بدون عذر شرعی مانند مریضی یا مسافرت و یا حاملگی و شیردادن به نوزاد روزه اش را بخورد.
بنابراین بر مسلمانان واقع در کشورهای اسکاندیناوی و یا سایر کشور ها نیز مانند هر مسلمان دیگری روزه ماه رمضان واجب و فرض است و بایستی تکلیف شرعی خود را بنحو احسن انجام دهند، و ان شاءالله به دلیل سختی روزه آنها اجر و ثواب بیشتری خواهند برد.
اما اینکه در برخي کشورها از جمله در کشور های چون (ناروی، سویدن،دنمارک و فنلند) ، وضعیت طوری پیش می اید که :
چندین روز آفتاب طلوع و یا غروب نمي کند ،ویا در این کشور ها روزها طولانی و شب بی نهایت کوتاه می باشد ولی از هم متمایز باشند، پس حکم خواندن نماز وروزه در این کشور ها مانند بقیه کشورهاست یعنی از طلوع فجر صادق روزه را شروع میکنند و پس از غروب آفتاب روزه را میشکنند، هر چند شب بسیار کوتاه و روز طولانی باشد.
وقت سحر وافطار به نص صریح قرآن عظیم الشان بیان گردیده و از : طلوع صبح صادق آغاز وتا غروب آفتاب ادامه می یابد .
« وكلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الابيض من الخيط ا لاسود من الفجر ثم أتموا الصيام الى اليل » (تا آن وقت بخورید وبنوشید که خط سفید از خط سیاه خوب نمایان

وآشکار شود وباز روزه را تا اول شب به اتمام رسانید وآنرا بگیرید.)(آیه 178 سوره بقره)

خواهر وبرادر مسلمان !

ولی در برخی از کشور ها وضعیت طوری می باشد که اندازه روز و شب از هم متمایز نمی باشد پس وظیفه مسلمانان است که در ماه مبارک امساک وافطار روزه خویش را مطابق امساک افطارکشور های همجوار ویا نزدیکترین کشوری به آنها که ساعات شب و روزش 24 ساعته و از هم متمایز است را معیار خویش قرار دهند و همراه آنها روزه را اغاز و پایان دهند، ودلیلش آنست که در یکی از روز ها پیامبر صلی الله علیه و سلم برای اصحاب کرام خویش حدیث آمدن دجال قبل از قیامت را بازگو میکرد، به صحابه گفت ابتدا که دجال ظهور میکند روز اول مانند یکسال بطول میانجامد، و روز دوم به اندازه یکماه، و روز سوم به اندازه یک هفته، و بقیه روزها مانند روزهای معمولی سپری میشود، سپس صحابه سؤال کردند که آیا آن روزی که برابر با یکسال میباشد آیا کافی است که فقط 5 نماز فرض را ادا کرد؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم در جواب فرمودند: خیر، بلکه باید اوقات را اندازه گیری کنند و هر نماز فرض را سر وقت بخوانند.در نتیجه اوقات روزه نیز باید اندازه گیری شود .

همچنان برخی ازعلماء ارشاد فرموده اند : مسلمانان :که در کشور های زندگی میکنند واندازه روز و شب از هم متمایز نمی باشد ، میتوانند امساک وافطار خویش را مطابق امساک وافطار کشور عربستان سعودی تنظیم نماید . ویا هم اگر یک فرد مسلمان در صورتیکه توانمندی ، وامکانات آنرا داشته باشد در این ماه مبارک به مکه مکرمه ویا مدینه منوره سفر نموده و روزه ماه مبارک رمضان در آنجا بعمل ارد که به یقین فضیلت بسیار دارد .

امـور بـاطل کننده روزه :

در باب مبطلات روزه آمده است : هر آنکسیکه بدون عذر شرعی روزه را بخورد ، اگر تمام عمر روزه هم بگیرد ثواب انروز را بدست نخواهد اورد.

امـورکه روزه را بـاطل می سازد عبارتند از :

۱- جماع در روز .

۲ - انزال منی بشکل عمدی . (ولی اگر انزال درخواب صورت گیرد روزه اش فاسد نمی گردد.)

۳ - رسیدن چیزی(جامد باشد ویا مایع) به معده بطور عمدی باشد ویا غیر قصدی .

۴- استعمال سگرت ویا سایر دخانیات.

۵- گرفتن دوا ء از همه طرق موصوله به معده .

مکروهات روزه

اموری که روزه را مکروه می سازد عبارتند از :

لب زدن ویا در دهن گرفتن لب زن ویا برهنه ملاعبه کردن هر چند خطر انزال وجماع هم نباشد مکروه است .

انجام اموری که اندیشه انسان را انقدر ضعیف سازد که موجب شکستن روزه شود مکروه است.
بیش از ضرورت شستن دهن وبینی.بدون دلیل لعاب دهن را جمع کردن وآنرا فرو بردن.
اظهار بی قراری ، اضطراب واضمحلال .
بــه غسل ضرورت داشته وموقع آن نیز میسر باشد ، اما بدون دلیلی تأخیر کرده وبعد از صبح صادق غسل کند.
چیز های مانند پودر دندان ، کریم دندان ، زغال وغیره را در دهن نگهداشتن وآنرا با دندان فشار دادن. غیبت کردن ، دروغ گفتن ، دشنام دادن ، غالمغال ، لت وکوب نمودن وبر کسی ظلم کردن. قصداً گرد وغبار را در حلق جمع کردن روزه را مکروه می سازد.

فدیه چیست :

اگر شخصی بنابر معاذیری از گرفتن روزه (مانند مریضی که روزه گرفتن برایش خطرناک است و امید بهبودي و علاج وي نمي رود و یا مانند پیرمرد یا پیرزني (شیخ فانی) که از لحاظ جسمی وصیحی به شدت ناتوان شده و گرفتن روزه برایش ناممکن باشد (باید بجاي روزه گرفتن) فدیه دهد یعني در مقابل هر روز از روزه ماه رمضان یک نفر را طعام دهد، به دلیل فرموده الله تعالي: « وَ عَلَي الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسكِين» (بقره : 184)
وهمچنان بر اساس حکم حدیثی که حضرت ابن عباس روایت گردیده است :
« رخص للشيخ الكبير والعجوز الكبير ة فی ذلك وهما يطيقان الصوم أن يفطر ا إن شا ء ، ويطعما كل يوم مسكينا ، ولا قضا ء عليهما ، ثم نسخ ذلك فی هذا الايه « فمن شهد منكم الشهر فليصمه » وثبت للشيخ الكبير والعجوز الكبير إذا كان لا يطيقان الصوم والجلي والمرضع إذا خافتا أفطر تا ، وأطعمتا كل يوم مسكينا»« به پیر مرد وپیر زني (شیخ فانی) که توانایی روزه گرفتن را ندارند برایشان جایز ، در صورتیکه خواسته باشند ، روزه نگیرند ودر مقابل هر روز ، مسکینی را غذا بدهند» وقضای روزه بر آنها لازم نیست ، سپس ؛ این حکم با آیه « فمن شهد منكم الشهر فليصمه » نسخ شد ولی (آن حکم) برای پیر مرد وپیر زنی که توانایی روزه گرفتن را ندارند ثابت مانده است .
همچنین زن حامله وشیر ده اي که (بر حال خود یا طفل خود) بیم دارند می توانند روزه نگیرند ودر بدل هر روز، يك مسكين را طعام دهند »(بیهقی : ۲۳۰/۴)
همچنین از ابن عباس روایت است :« إذا خافت الحامل على نفسها ، والمرضع على ولد ها فی رمضان قال : يفطران ، ويطعمان مكان كل يوم مسكينا ، ولا يقضيان صوما »«اگر زن حامله از ضرر به جان خود وزن شیر ده از ضرر به طفلش بیم داشت ، می توانند روزه رمضان را نگیرند وبه جاي هر روز مسكيني را طعام دهند وقضاي روزه بر آنها لازم نیست »(صحیح البانی در کتاب الاروا ء) ۱۹/۴) این حدیث را به طبری (۸ ۲۷۵) نسبت داده وگفته است : سند آن به شرط مسلم صحیح است)

مقدار طعام واجب :

در حديثی از انس بن مالك روايت است :« أنه ضعف عن الصوم عاما فصنع جفنة ثريد ودعا ثلاثين مسكينا فاشبعهم »« او سالی دچار ضعف شد بطوريكه نتوانست روزه بگيرد ، پس كاسه اي ترید گوشت درست كرد وسی مسكين را دعوت وآنها را سيركرد » (الاروا 206 -4) ، (دارقطنی : 16-207 -2)

تبصره :

فديه شامل ، طعام ، غله ، وقيمت آن هم ميگردد ، مقدار فديه به اندازه صدقه فطر است ولی اگر شخص از مرض بهبود يابد ، قضائی روزه فوت شده بر او واجب است ، خداوند پاك در مقابل فديه او اجر وثواب نصيب اش ميگرداند. در غذا دادن (صبح وشام) معيار حد وسط غذايی ميباشد كه خود شخص در زندگی عادی خويش ميخورد.

قـــضا ء روزه :

معنای قضا ء عبارت از يك روز روزه گرفتن بعد از ماه رمضان بجای يك روز روزه يی كه در ماه رمضان باطل گرديده ، ميباشد.

قضای ماه مبارک رمضان

قضای روزه ماه مبارک رمضان واجب نيست كه بعد از ختم ماه مبارک رمضان بصورت فوری ادا گردد ، بلكه هروقت سال كه برايش ممكن بود در ادای قضای آن اقدام نمايد .
همچنان در ادای كفاره هم واجب نيست كه عجله صورت گيرد .
در حديث صحيح از حضرت عايشه (رض) نقل شده است،كه او روزه ماه رمضان را در ماه شعبان قضا می‌كرد. فوراً و بمحض اينكه توانائی قضای آنرا می‌يافت، آن را قضا نمی‌كرد.
روزه قضا، برابر است با روزه ادا. بنابراين هركس چند روزه را افطاركرده باشد، همان تعداد روزه را قضا می‌كند، بدون اينكه چيزی برآن بيفزايد. با اين تفاوتكه درروزه قضا تابع و پشت سرهم آمدن لازم نيست. چون پروردگار با عظمت ما ميفرمايد :« ومن كان مريضا أو على سفر فعدة من أيام أخر »(يعنی هركس مريض باشد يا به سفررفت و افطاركرد بجای آن روزها،كه بعلت مريضی و يا مسافرت افطاركرده است، بتعداد روزهائی‌كه افطاركرده است، چند روز ديگر را روزه بگيرد، خواه آن روزها پشت سرهم باشد يا نباشد. زيرا خداوند متعال بطور مطلق گفته است نه بطور مقيد).
دارقطنی از ابن عمر روايت‌كرده است‌كه پيامبر صلی الله عليه و سلم درباره قضای روزه رمضان فرموده است : « إن شاء فرق، وإن شاء تابع »(اگرخواست روزه قضا را پراكنده می‌گيرد يا آنها را پشت سرهم قضا می‌كند) .
اگرقضای روزه ماه رمضان را بتاخير انداخت تا اينكه رمضان ديگری فرا رسيد، در اين صورت اول بايد روزه ماه رمضان حاضررا بجاء ارد ، سپس قضای گذشته

را بعد ازماه رمضان بجای می‌آورد و بروی فدیه‌ای نیست، خواه این تاخیر یا عذر یا بی‌عذر باشد. و این رای برابر است با مذهب امام ابو حنیفه .
حسن بصری، امام مالك و امام شافعی و امام احمد و اسحاق می‌گویند: اگر تاخیرقضای روزه رمضان،تا موقعی‌که رمضان دیگری فرا می‌رسد با عذر باشد، فدیه لازم نیست ولی اگر تاخیر بدون عذرباشد، اول باید باید رمضان حاضررا بگیرد سپس بعد از ماه رمضان روزه‌های رمضان‌گذشته را قضاکند و برای هر روز یك « مد » طعام فدیه بدهد. این تعداد از علماء بر رای خویش دلیلی ندارند ، که شایسته احتجاج باشد.
بنآ گفته میتوانیم که دراین مورد رای امام ابوحنیفه درست و صحیح می‌باشد، چه تشریع و قانونگذاری دینی تا نص صحیحی و صریحی نباشد جایز نیست.

حکم قضای عمری روزه

اشخاصیکه چندین سال را روزه نگرفته چطور میتواند قضاء خویش را جبریه کند ؟ جواب دین در مورد همین است ، که با تمام خلوص نیت از الله خویش سپاسگزار شود که او به راه راست را هدایت نمود وبا توبه نصوح با خود صادقانه تعهد سپارد که به اوامر دین مقدس اسلام ثابت قدم میماند .
علما ء میگویند که دروازه توبه تا خروج آفتاب از مغرب قبل از روز قیامت و همچنین قبل از سکرات موت برای انسان باز میباشد و الله تعالی وعده داده است که توبه آنها را قبول کند .
طوریکه میفرماید : « قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ » (سوره زمر آیه : 53) (بگو ای بندگان من که بر خود اسراف روا داشته اید از رحمت خدا نومید نشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد) .
مراد از اسراف: افراط و زیاده‌روی در گناهان و ارتکاب بسیار آنهاست. این آیه امید بخش ترین آیه در قرآن عظیم الشان است زیرا مشتمل بر بزرگترین بشارت حق تعالی برای بندگانش می‌باشد.
ولی اشخاصیکه : در سالهای قبلی زندگی خویش بدون عذر شرعی روزه نگرفته ، قضا ء اوردنش به او فایده ای نمی رساند و این بدان علت است که وقتی شخص بدون عذر شرعی ،عبادت را از مدت و زمان تعیین شده به تاخیر بیاندازد ،قضا آن از او قبول نمی شود به دلیل فر موده پیامبر صلی الله علیه وسلم که :« هر کسی عملی انجام دهد که امر ما بر آن نباشد ،آن عمل مردود است »
و معلوم است که تاخیر عبادتی که دارای وقت معین است تا زمانی که وقت آن خارج شود بدون عذر شرعی، عملی است که امر الله و رسول بر آن نیست و در نتیجه مردود است و وقتی که مردود باشد انجام آن کار بیهوده است و فایده ای برای شخص ندارد .پس کسانی که عمدا عبادات دارای از وقت معین او به تاخیر می اندازند می گوییم: بر تو هیچ چیزی واجب نیست مگر اینکه به سوی الله توبه کنی یعنی توبه نصوح و اعمالت را صالح کنی و به زندگی

ات روبیاوری و از پروردگار ثابت ماندن بر آن چیزی که وی تو را به سوی آن هدایت داده خواستار شوی

یادداشت :

پروردگار با عظمت ما راه نجات از آتش دوزخ را بندگان خویش نشان داده و در (آیه 8 سوره تحریم) میفرماید :« یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبة نصوحا » (ای کسانیکه ایمان آورده اید ! به سوی خدا بازگردید و توبه کنید، توبه خالص)

اگر شخصی توبه و پشیمانی بدون بازگشت. را از صمیم قلب بعمل ارد و احساس کند که واقعا از گذشته خود نادم و پشیمان گشته و راه خود را به سوی خداوند عوض کرده، باید بداند که اهل توبه واقعی است و اینچنین توبه ای هرگز رد نمی شود.

علماء در تعریف توبه نصوح گفته اند که:

توبه نصوح آن است که واجد چهار شرط باشد: پشیمانی قلبی، استغفار زبانی، ترک گناه، و تصمیم بر ترک در آینده.

کفـــاره چیست ؟

کفاره عبارت از جزای شرعی میباشد که پروردگار با عظمت ما آنرا بر کسیکه بعضی از جرایم از او سر زند تعین فرموده است مانند وجوب کفا ره بر قاتل یا کسیکه سو گندش را می شکند.

کفاره بر روزه دار وقتی واجب میشود که عمداً روزه خود را فا سد نماید مثلاً اینکه جماع کند.

کفاره دو ماه روزه پی درپی را میگویند ، در صورتیکه در این دوماه رمضان وروزه هایکه روزه در آن منع گردیده است نباشد . اگر به گرفتن دو ماه روزه نیز قادر نبود ،به شصت مسکین طعام دهد . کفاره در روزه فرضی بوده در فساد روزه غیر رمضان کفاره وجود ندارد ، اگر چه قضای رمضان هم باشد. دادن طعام به 60 مسکین ، فقیر ، محتاج ، نـــه برای کسانی که نفقه ایشان بر او فرض باشد (مانند پدر ، مادر ، زن) همچنان میشود مقدار طعام را به پـــول نیز تادیه گرد وهمچنان میتوان همان مسکین رابرای 60 روز کامل طعام داد.

فقرا وغرباء که قادر با تادیه فدیه نیستند ؟

فقرا وغربا ء که قادر با تادیه فدیه نباشند ، برخورد شرع درمورد این اشخاص چه میباشد ؟ در جواب باید گفت که دین مقدس اسلام انسان را مطابق به توانمندی اش در اجرای احکام مکلف ساخته است ، وچیزیکه در توان شخص نباشد ، شرع اسلامی آنرا در اجرای مکلف نمی سازد :

قرآن عظیم الشان این فورمول را با زیبای خاصی چنین بیان داشته است :« لَیسَ للانسانِ الّا ماسَعی) (برای انسان بهره ای جز سعی وکوشش او نیست) بنآ چیزیکه در توان انسان نباشد ، آن شخص مکلف به اجرای آن نیست .

همچنان پروردگار با عظمت میفرماید : « لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا

اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. » (پروردگار هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی کند، هر کار نیکی که انجام دهد به سود خود کرده، و هرکار بدی که انجام دهد به زیان خود کرده است.
پروردگارا! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را مگیر.
پروردگارا! بار سنگین بر ما مگذار آن چنان که بر کسانی که پیش از ما بودند گذاشته ای .
پروردگارا! آنچه تاب و توانش را نداریم بر دوش ما مگذار و از ما درگذر، و ما را بیامرز، و بر ما رحم فرما، تو سرور ما هستی، پس ما را بر قوم کافران پیروز گردان.
بنآ غریب وفقیری که توان پرداخت فدیه را نداشته باشد باید استغفار (استغفر الله) وتوبه کند واز دادن فدیه هم معاف است .

نظر واراء علما ء :

ودر این بخش نظر وارا ء علما ء را در مورد فقرا وغرباء که قادر با تادیه فدیه نباشند غرض استفاده مزید قرار ذیل جمعبندی میدارم :

شیخ بن عثیمین رحمه الله در فتاوی صیام خویش در مورد مریض مزمنی که نه میتواند روزه بگیرد و نه میتواند فدیه بدهد مینویسد :

(مریض مزمن روزه دار) که نتواند (بعلت فقر) غذا بدهد (فدیه) از وی ساقط میشود، و همه واجبات اگر انسان قادر به انجام آن نباشد ساقط میشود، و اگر بجای آن بدیلی باشد آنرا انجام میدهد، ولی اگر بدیلی نداشته باشد ساقط میشود، و صحیحش آنست که (فدیه) ساقط میشود بر اساس قاعده مشهور (فقهی) که میگوید: « لا واجب مع العجز» یعنی « با ناتوانی واجبی نیست »

در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت است:«در حالیکه نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم نشسته بودیم، مردی آمد و گفت : ای رسول خدا! هلاک شدم، (پیامبر صلی الله علیه وسلم) فرمود : چی شده، گفت : در حال روزه با همسرم آمیزش کردم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود آیا می‌توانی برده‌ای را آزاد کنی؟ گفت نه، فرمود : آیا می‌توانی دو ماه پشت سر هم روزه بگیری؟ گفت نه، فرمود : آیا می‌توانی شصت مسکین را طعام بدهی؟ گفت نه، (ابوهریره) گفت : پیامبر صلی الله علیه وسلم مکثی کرد، آنگاه سبد بزرگی از خرما را برای پیامبر صلی الله علیه وسلم آوردند، فرمود : سؤال کننده کجاست؟ آن مرد گفت : من هستم. (پیامبر صلی الله علیه وسلم)فرمود : این را بگیر و (آن را بعنوان کفاره روزه‌ات) صدقه بده، آن مرد گفت : به فقیرتر از خودم بدهم ای رسول خدا؟ به خدا قسم در تمام مدینه خانواده‌ای فقیرتر از خانواده من وجود ندارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم خندید به گونه‌ای که دندان‌های نیشش نمایان شد، سپس فرمود : (با آن) خانواده‌ات را طعام بده (متفق علیه .)

در این حدیث متبرکه دیده میشود که : پیامبر صلی الله علیه و سلم به مردی که در رمضان جماع (نزدیکی) کرده بود فرمود: « خانوادات را بخوران » وپیا مبر صلی الله علیه وسلم بوی نگفت که « هر وقت توانستی کفاره اش را بده» .

همچنان شیخ بن باز رحمه الله در جواب سوالی : پیرزن بزرگسالی (شیخ فانی) که نمیتواند روزه بگیرد چنین جواب فرموده است :« بر او است که در مقابل هر روز که روزه را میشکند نیم صاع فدیه بدهد از غذای معمول آن شهر مانند خرما، برنج، و غیره، که هر نیم صاع برابر است با یک و نیم کیلو گرم، همانطور که گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم مانند ابن عباس چنین فتوایی را داده اند، و اگر فقیر بود و نمیتواند غذا بدهد هیچ چیزی بر او نیست، و این کفاره میتوان آنرا فقط به یک فقیر پرداخت و یا بیشتر، و چه در اول ماه و چه و سط و چه آخر ماه باشد." (مجموع فتاوی ابن باز (203/15) .

امام نووی عالم شهیر جهان اسلام در مورد کسی که نه میتواند روزه بگیرد و نه قادر به **پرداخت فدیه هست میفرماید :**« وينبغي أن يكون الأصح هنا أنها تسقط ولا يلزمه إذا أيسر كالفطرة، لأنه عاجز حال التكليف بالفدية»، یعنی: (و باید قول صحیحتر اینجا این باشد که کفاره ساقط میشود و اگر در آینده توانگر شود بر او واجب نیست مانند (زکات) فطر (که اگر کسی تنگدست هست از او ساقط میشود و در آینده لازم به پرداخت آن نیست)، زیرا او وقت تلکیف از پرداخت فدیه ناتوان است».

و ابن قدامة عالم دیگری جهان اسلام در « المغنی» در مورد کسی که نه میتواند روزه بگیرد و نه قادر به پرداخت فدیه هست میفرماید : « فإن كان عاجزاً عن الإطعام أيضاً فلا شيء عليه، ولا يكلف الله نفساً إلا وسعها» ، یعنی: « و اگر از غذا دادن نیز عاجز و ناتوان بود هیچ چیزی بر او نیست، و خداوند هیچکس را جز به اندازه توانایی‌اش مکلف نمی‌سازد».

مساوات میان « گناه » و « کفاره یا جزا»

باید گفت که منظور از مساوات میان « گناه » و« کفاره یا فدیه » مساوات عددی نیست ، بلکه کیفیت عمل را نیز باید در نظر گرفت خوردن يك روز روزه ما مبارك رمضان با آن اهمیت که دارد ، جزا ء اش يك روز کفاره نیست بلکه باید آن قدر روزه بگیرد که به اندازه احترام آن يك روز ماه مبارك شود ؛ به همین اساس است که کفاره گناهان در ماه مبارك رمضان بیش از سایر ایام است وثواب اعمال نيك هم بیشتر از سایر روز هـا است .

ماه مبارك رمضان و نـزول قــرآن

« إ نا آنزلنه فی لیلــة مبارکة إ نا کنا منذ رین فیها یفــرق کل آمـــر حکیم »(سوره دخان آیات ۳ و۴) (ما قرآن را در شبی مبارك نازل نموده ایم زیرا همـــواره هشدار دهنده و انــدازه کننده بوده ایم . در آن شب مبارك هر امری طبق حکمت خداوند تنظیم می شود.)

مبارک:

از ماده برکت گرفته شده است . یعنی شب پر از رحمت ، شب بسیار مفید و سودمندی ، که درآن فراخی وزیادی نعمت وروزی وجود میداشته باشد.همچنان خداوند پاك میفر ماید : « شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن »(ماه رمضان ماه ست کـــه در آن قرآن فرود آورده شده است .) بناً حکم مطلق همین است که شب قدر در ماه مبارك رمضان است.

شبی است که در آن قرآن عظیم الشان که مبدا تمام خیرات وبرکات وسر چشمه تمام نیکی ها وخوبی ها ست ، نزول یافته است . شب قدر ، شبی است ، که مقدرات جهان بشریت با نزول قرآن در آن استحکام می پذیرد ومشخص می گردد.

مفسرین اسلام نزول قرآن را بردو قسم :

1- نزول دفعی و کلی

2- نزول تدریجی تقسیم مینمایند :

نزول دفعی یعنی قرآن بطور کامل در شب قدر برقلب رسول اکرم صلی علیه وسلم نازل گردیده است ونزول تدریجی عبارت از نزولی است که : قرآن در مدت بیست وسه سال به تدریج وبه مناسبت ها وطبق رویداد ها بر پیغمبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم نزول یافته است.

لیلـــة الـــقـــدر :

«انا انز لنا ه فی لیلة القدر وما ادراك ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر »(به تحقیق ما فرود آوردیم قرآن را در شب قدر وچه چیز مطلع ساخت ترا که چیست شب قدر ، شب قدر بهتر است از هزار ماه (خداونـد پاك میفر ماید : « شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن » (ماه رمضان ماه ست کـــه در آن قرآن فرود آورده شده است .(سوره بقره آیه ۱۸۵) ودر سوره قدر میخوانیم :« انـــاانزلنا ه فی لیلة القدر »(ما آن را در شب قدر نازل کردیم) بناً حکم مطلق همین است که شب قدر در ماه مبارك رمضان است .

معنای قـــدر :

قدر به معنای اندازه کردن ، معین نمودن وفیصله کردن آمده است . یعنی لیلة القدر شبی است که خداوند متعال در آن هر چیزی را صحیحاً انـدازه می نماید . ووقت آنرا تعیین می کند واحکام را نازل می فر ماید وتقدیر هر چیزی را مقرر می نماید.« فیها یفرق کل امر حکیم . امراً من عند الله ... »« فیصله کرده میشود هر کار استوار آن ، فرود آوردیم آنرا به وحی کردن از نزد خویش. »(الدخان آیات ۴ و ۵)

لیلة القدر درکدا م یکی از شب های رمضان میباشد :

حضرت ام المومنین عائشه(رض) می گوید : که پیامبر فرموده است : « لیلة القدر را در ده شب آخر رمضان در شب های طاق جستجو کنید .»(روای حدیث شریف بخاری) ولی به هر حال برای مسلمانان بهتر این است که هر شب ماه مبارك را به احتمال این که شب قدر باشد ، به عبادت وقرائت قرآن ودعا بگذرانند ودعا خویش را منحصر به سه ویا چهار شب ویا هم شب های طاق نسازند.

دعـــای لیلة الـقدر :

بی بی عایشه (رض) می گوید : که به پیامبر (ص) عرض کردم که ای پیامبر خدا ! اگر

من در بیابم که کدام شبی لیلة القدر است که در این شب به خداوند (ج) چه دعا کنم : فرمود بگو : « اللهم إنك عفو كريم تحب العفــو فــاعــف عنــی »« خداوند ا ! تو بسیار عفو کننده وبسیار صاحب کرمی ، عفو نمودن را می پسندی ، پس خطا های مرا عفو کن ».

ای خــواجه چه جـوی از شب قدر نشانی
هــر شب ، شب قدر است اگر قدر بدانی
«سعدی شیرازی»

ارمغان های رمضان :

تلاوت ، تعلیم وتعلم قرآن مجید ، تحقیق وتتبع در امورات وعر صه های اسلامی وآشنایی با سیرت پیامبر اسلام وصحابه کرام وتاریخ اسلامی ، اقامه نماز ها ، وادای تراویح با ختم قرآن عظیم الشان ، عادات به نوافل ونماز های سنتی ، افــزایش صدقات ، انــفاق وتقویت روح گــــذشت واحسان، صله رحمی ورسیدکی بــه خویشاوندان ، دعــا ونیایش بیشتر، امر به معروف ونهی از منکر، تــوبه وبازگشت از لغزشها وگناهان، ماه رمضان ، ماه بازگشت به زلال طبعیت وفضای پاکیزه فطرت وتمرین آزادگی از« خور وخواب وخشم وشهوت » است.

مـاه رمضان هزاران گوهر گرانبها به انسانها هدیه کرده ومی کند ، ولی سه گوهر « آزادی » ، «اگاهی » و « عشق الهی » از در خشانترین هدیه های این ماه بشمار میرود.

روزه انسان را از سلطه هوسها، ونیاز های کاذب ، وتحملیی وافراط در نیاز های واقعی، ازاد می کند وبه انسان « آزادی اراده » می بخشد. انسان در ســایــــه رمضان با « معارف عالی قرآنی »آشنا می شود وبا بهترین رهنمود های زندگی انس می گیرد . دستیابی به سعادت جاویدانی ورهایی از همه رنجهای دنیوی وآخروی ، بدون « گوهر تقوا » مقدور نیست ورمضان مبارك این گوهر آسمانی را به روزه داران می بخشد. پاسداری ونگهبانی از این « گوهرآ سمانی » نیاز به هوشیاری ، مراقبت وهمکاری همگانی دارد.

اهمیت روزه در تناسب بـا نمـاز :

زن در حا ل حیض ونفاس هم نماز وهم روزه را ترك میکند ، و لی بعد از مریضی فقط روزه را قضا ء می اورد . ویا اگر کسی علناً نماز نخواند ، حد شرعی ندارد ، ولی اگر روزه را علنی بخورد حد بر او جاری می شود. همچنان خداوند پاك فرموده است : (انا اجزی به) یا (انا اجزی به) یعنی من پاداش روزه را می دهم ، یا من پاداش روزه ی روز دار هستم در حالی که در باره نماز چنین چیزی نفرموده است .

فلسفه وحکمت فرضیت سی روز، روزه در یك سال :

روایت است زمانیکه حضرت آدم(علیه السلام) در جنت از درختی که از آن منع شده بود

، به اندازه از آن تناول کـرده بود ، که تا به سی روز غذا آن در شکمش وجود داشت ، بــه همین اساس خداوند پاك بر بندگان وفــرزندان حضرت آدام تا روز قیامت سی روز روزه را در یك سال فرض نموده است.

پیام رمضان به روزه داران :

جلای ذهن وصفای ضمیر توام با کار وتلاش واهنگ « قرب جویی » در استفاده از انوار رمضان وانعکاس فروغ آن نقش فروان دارد. پیغمبر اسلام میفرماید : « رمضان را بخاطر آن رمضان مسمی نمودند که : در آن گناهان مـــی سوزند ، درواز ه های آسمان در اولین شب رمضان به روی روزه داران گشوده میشود وتاآخرین شب آن باز می باشد » .

ماه رمضان ماه دعا ، ماه نیایش ، ماه ایمان وآگــاهی از آزادی است ، ماه رمضان ماهی است که برای انسان درس سازندگی ، رمز مقاومت وپایداری ، رمز صبر وتحمل ، رمز سعادت ونیك بختی را می آموزند.

پیام رمضان پیام تقوا وپر هیز گاری پیام نوسازی معنوی وفر هنگی است.پیام ماه رمضان پیام خوش رفتاری ، پیام عفو وگذشت است.پیام رمضان ، پیام آزادی از عادت هـا ست ، رمضان ماهی است که انسان را از زنجیر اعتیاد ، عادتها خوردنی ، خواندنی ، شنیدنی ، نوشیدنی ، دیدنی رها می بخشد.

پیام رمضان پیام بیداری از خواب غفلت ورهـــایی انسان از دام شهوت است ، پیام رمضـان پیام اگاهی از عرفان وعروج بشریت است.

ماه رمضان ما ه تنظیم جهت گیری انسان وتقویت ایمان وتحکیم برادری بر محور قرآن است.

پیام رمضان پیام سلامتی ، پیام دوستی ، پیام اخوت ، پیام امنیت ، وایمان ، ودر نهایت پیام آزادی میباشد. ماه رمضان ماه توبه است توبه از « رقابت » ها و « حسادت » ها است.

ماه توبه از بد گمانی ها نسبت به مؤمنان وحسن ظنی که در حق کفار ومنافقان نشان دادیم.

بلی ماه رمضان ماه بازگشت به قرآن وتنظیم کامل افکار واخلاق ورفتار انسان . پیام رمضان ، پیام تقوا وپارسایی وندای بلند نو سازی معنوی وفرهنگی است.

پیام رمضان ، پیام ازادی انسان از زنجیر غرائز وهوسهای شیطانی وبه بند کشیدن شیاطین ، توسط فرشتگان الهی است.

نکات ذیل برای اگاهی مسایل روزه بی نهایت مهم است :

انصراف از تصمیم روزه :

اگر روزه دار از تصمیم روزه خویش در روز روزه منصرف شود. در صورتیکه

افطار هم نکند ، روزه آن فاسد میگردد.

اهـانـت وتـوهـیـن بـه روزه :

اگر کسی بـــدون عذر شرعی روزه را بخورد ، به ماه مبارك رمضان توهین شمرده میشود کنهکار بوده قضا ء وکفاره آنرا باید بپردازد. ولی اگر اهانت در یك روز چند بار تکرار گردد ، قضا ء روزه را بجاء اورد وکفاره تکرار نمی کردد.

استعمال قطره چکان :

خواننده محترم !استعمال قطره چکان ها (از قبیل قطرچکان گوش ، ، بینی ،وچشم) و سرمه ، ملحم باب از موضعات مهمی در ماه مبارک رمضان بشمار میرود . اینک در ذیل مختصراً به بیان این موضعات می پردازیم .

قطره چکان بینی

درموردقطره چکان بینی که آیا روزه را باطل می سازد یا خیر علماء اسلامی به دو دسته تقسیم گردیده اند:

دسته اول :

گروپ اول از علماء طی فتوای حکم صادر نموده اند که با استعمال قطره چکان بینی روزه باطل میگردد که در آن جمله میتواند از شیخ ابن باز وشیخ ابن عثمین نام برد .

این تعداد از علما ء در اثبات فتوای خویش به حدیث مرفوع لقیط بن صبره استدلال کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده: «وبالغ فی الاستنشاق إلاَّ أن تکون صائماً» یعنی: در استنشاق مبالغه و زیاده روی کن مگر وقتی که روزه‌ای.

این حدیث به صورت ضمنی بیان می‌کند که بینی به معده راه دارد و در این صورت استعمال قطره بینی برای شخص روزه‌دار ممنوع است.

نهی پیامبر صلی الله علیه وسلم از مبالغه و زیاده روی در استنشاق، متضمن نهی از دخول چیز اندک نیز می‌باشد زیرا حتی در صورت زیاده روی در استنشاق نیز مقدار ناچیزی از آن وارد بدن می‌شود.

دسته دوم :

دردسته دوم علمای قرار دارند که طی فتوای خویش حکم فرموده اند که : قطره چکان بینی روزه را باطل نمی‌کند.

قائلان به این قول قطره بینی را بر باقیمانده مضمضه قیاس نموده‌اند زیرا مقدار بسیار ناچیزی از این قطره به معده می‌رسد. حجم این قطره 0/06 سانتی متر مکعب بوده و تازه از این حجم نیز مقدار خیلی ناچیزی به معده می‌رسد که از آن چشم پوشی می‌شود.

به علاوه اصل بر صحت روزه است و بطلان روزه توسط قطره بینی محل تردید است، بنابراین اصل، صحت روزه می‌باشد زیرا یقین با شک زایل نمی‌شود. هر دو دیدگاه مستدل و قوی هستند.

قطره چگان گوش :

علمای پیشین در مورد « تداوی از طریق ریختن آب در گوش مریض » در ماه مبارک بحث نموده ودر مورد نظریات اجتهادات فقهی خویش را بیان داشته اند :
از جمله جمهور علماء در مورد قطره چکان گوش در ماه مبارک رمضان میفرمایند که ریختن قطره چکان در گوش روزه باطل میگردد .
حنبلی‌ها می‌گویند: وقتی به مغز برسد روزه را باطل می‌گردد .
در مقابل عالم وفقهی شهیر جهان اسلامی شیخ ابن حزم اندلسی در مورد قطره چگان گوش میگوید که: قطره چکان گوش روزه را باطل نمی سازد زیرا قطره چکان گوش به مغز نمی‌رسد و صرف به منفذهای پوست می‌رسد.
طوریکه طب امروزه این را به اثابت رسانیده که :مجرایی بین گوش و مغز وجود ندارد که مایعی از گوش به مغز برسد مگر صماخ گوش پاره شود.
پس رای صحیح همین است که :قطره گوش روزه را باطل نمی‌کند.
یادداشت : در صورتی که صماخ گوش پاره شود، مداوا از طریق گوش حکم مداوا از طریق بینی را می‌یابد یعنی قطره گوش حکم قطره بینی را خواهد داشت که حکم آن گذشت.

و اما قطره چگان های پاک‌کننده گوش:

این دارو نیز حکم قطره گوش را دارد، مگر اینکه صماخ گوش پاره باشد که علماء می‌گویند: در این حالت مقدار زیادی از این ماده وارد بدن خواهد شد و لذا روزه باطل می‌شود.
بنابراین دو حالت پیدا می‌کند:
الف- وقتی صماخ گوش سالم باشد، داروی پاک‌کننده گوش روزه را باطل نمی‌کند.
ب- وقتی صماخ گوش پاره شده باشد، این دارو روزه را باطل می‌کند، چون مقدار زیادی از آن وارد بدن می‌شود.

قطرچکان چشم :

علمای متأخر در مورد قطره چشم اختلاف نظر دارند که این خود ناشی از اختلاف نظر علمای متقدم در مورد سرمه است. در مورد سرمه دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه اول:

سرمه (کشیدن) روزه را باطل نمی‌کند. حنفی‌ها و شافعی‌ها این دیدگاه را پذیرفته‌اند و چنین استدلال کرده‌اند که مجرایی بین چشم و شکم وجود ندارد پس روزه را باطل نمی‌کند.

دیدگاه دوم:

سرمه (کشیدن) روزه را باطل می‌کند. مالکی و حنبلی‌ها این دیدگاه را داشته‌اند و استدلالشان این بوده که بین چشم و شکم مجرایی وجود دارد.
و علمای متأخر نیز بر همین مبنا اختلاف نظر پیدا کرده‌اند:

دیدگاه اول:

قطره چشم روزه را باطل نمی‌کند. این دیدگاه را ابن باز : و ابن عثیمین : پذیرفته‌اند و چنین استدلال کرده‌اند که یک قطره از این درمان 0/06 سانتی متر مکعب حجم دارد و همه این مقدار نیز به معده نمی‌رسد، بلکه در اثنای عبور از مجرای اشک کل دوا جذب شده و حتی به حلق نمی‌رسد. و اگر هم بگوییم: مقداری از آن به معده می‌رسد، باز این مقدار به حدی اندک است که مورد چشم‌پوشی قرار گیرد زیرا مقدار ناچیز مثل آب باقیمانده از مضمضه مورد چشم‌پوشی واقع شده است و به علاوه نه دلیل منصوصی وجود دارد که این قطره را باطل کننده روزه بنامد و نه قطره بر باطل کننده‌های منصوص قابل قیاس است.

دیدگاه دوم:

قطره چشم بر سرمه قابل قیاس است و بنابراین روزه را باطل می‌کند.

رای صحیح این است که قطره چشم روزه را باطل نمی‌کند. اگر چه طب امروزی ثابت کرده که مجرایی از طریق بینی، بین چشم و شکم وجود دارد، ولی قطره چشم در اثنای عبور از مجرای اشک جذب شده و چیزی از آن به حلق نمی‌رسد و بنابراین به معده نمی‌رسد و حتی اگر هم برسد آن قدر ناچیز می‌باشد که بتوان از آن چشم‌پوشی کرد، همچنانکه از آب باقیمانده از مضمضه چشم‌پوشی شده است.

و قیاس آن بر سرمه برای اثبات باطل کننده بودن قطره چشم صحیح نیست، زیرا:

ثابت نشده که سرمه روزه را باطل می‌کند و حدیث روایت شده در این باره ضعیف است.

این قیاس، بر چیزی است که خود محل اختلاف است.دلایل دیدگاه مخالف در این باره راجح است.

قورت کردن بلغم در روزه

در مورد اینکه اگر روزه داردر ماه مبارک رمضان بلغم خود را قورت کند ، روزه اش فاسد میشود یا خیر ، فقها وعلمای اسلام در مورد اختلاف رای دارند . ولی رای صحیح آنست که روزه با بلعیدن بلغم باطل نمی شود، زیرا بلغم در حکم خوردن و نوشیدن قرار نمی گیرد.

شیخ ابن عثیمین رحمه الله می فرماید: «.. وهرگاه علماء اختلاف داشتند مرجع (برون رفت از این اختلاف) کتاب و سنت است، و اگر شک داشتیم در اینکه آیا فلان امر، عبادت را باطل می کند یا خیر؟ اصل بر عدم افساد (آن عبادت) است، و بر این مبنا بلعیدن بلغم روزه را باطل نمی کند.

و مهم آنست: شخص از بلغم پرهیز کند و سعی نکند که (عمدا) آنرا از پایین حلقش به داخل دهانش بیاورد، اما اگر بلغم داخل دهان شد باید آنرا خارج گرداند چه روزه باشد یا نباشد. اما فاسد شدن روزه (توسط آن) نیاز به دلیلی دارد که برای انسان نزد الله عزوجل بعنوان مبطل روزه حجت گردد».« برای معلومات مزید مراجعه شود به مجموع الفتاوی » (356/19) .

و باز فرمودند: «قول راجح آنست که بلغم روزه را باطل نمی کند حتی اگر داخل دهان گردد و شخص آنرا ببلعد، اما نباید آنرا ببلعد، زیرا اهل علم (بلعیدن آنرا) حرام دانستند، زیرا بلغم

شیئی کثیف است و شایسته انسان نیست که (کثافات) را ببلعد». « لقاء الباب المفتوح » لقاء رقم (153) .

و اما داخل کردن انگشت در گوش باعث باطل شدن روزه نمی گردد! حتی اگر کسی قطره نیز در گوشش کند و طعم آنرا در حلقش احساس کند باز روزه اش باطل نمی شود، زیرا دلیلی بر باطل شدن روزه در این حالتها وارد نشده است.

استعمال سرمــه:

استعمال سرمه (اگرچه سیاهی آن در بلغم هم دیده شود) روزه را فاسد نمی سازد .

در کتب احادیث آمده است : که در ایام ماه مبارك رمضان یکی از صحابه که از درد چشم سخت می نالید نزد آنحضرت (ص) آمد . وبرای انحضرت گفت : که چشمم سخت درد میکند اجازه دارم که سر مه استعمال نمایم ، انحضرت در جــواب اش گفت : بــلی میتوانی سرمه را استعمال نمایی .

همچنان در حدیث از ام المؤ منین عــائشه (رض) روایت گـردیده است :» أن النبی (ص) اکتحل فی رمضان وهــو صائم »« پیامبرصلی الله علیه وسلم سرمه کرد در رمضان در حالیکه روزه بود. »(روای حدیث ابن ماجه) هکذا باید گفت که چشم منفذ برای معده نمی باشد .

ولی برخی از فقها به این نظر اند که بهتر واحسن است که استعمال همچو اشیا ء در شب صورت بپذیرد.

استعما ل عطر :

در یک حدیثی از مرد نصرانی روایت شده: ازاصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم پرسیدم : از هدایا و تحفه ها محبوب ترین چیزها نزد پیامبر اسلام چیست؟ فرمودند: بهترین و محبوبترین چیزها پیش آنحضرت صلی اله علیه وسلم عطریات بود و پیامبر صلی الله علیه وسلم رغبت عجیبی به عطریات داشت. پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم فرموده است « ان الله تعالی طیب و یحب الطیب » خداوند خوشبو است و بوی خوش را دوست دارد .

همچنان پیامبراسلام فرموده است :(دوستم جبرییل به من گفت : یك روز در میان خود را معطر ساز و این کار در روزهای جمعه ترك نه نماید).

پروردگار با عظمت ما میفرماید : « یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد » (ای فرزندان آدم! هنکام رفتن به مسجد خود را با زینت سازید) تفسیر این آیه متبرکه چنین است که: در زینت ها هم زینت جسمانی که شامل پوشیدن لباسهای مرتب، پاک ومنزه، شانه زدن موها و به کار بردن عطر و مانند آن باشد وهم شامل زینتها ی معنوی؛ یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاقی .

لذا در دین مقدس اسلام استفاده کردن از زیبایهای طبیعت، لباسهای زیبا و متناسب به کار بردن انواع عطرها و امثال آن ، نه تنها مجاز شمرده شده بلکه به آن توصیه و سفارش هم شده است.

بنآ استعمال عطر در ماه مبارک رمضان هیچگونه ممانعتی نداشته، زیرا مواد خوشبو و

عطر و كريم و غيره به پوست ماليده مي شوند و به داخل جسم (معده) نفوذ نمي كنند، بر فرض اين كه در مسامات بدن نيز داخل شوند باز هم شكننده ي روزه نيست. عطر از مظاهر زيبايي هاست واز جمله سنن انبياء وسنت پيامبر اسلام محمد صلى الله عليه وسلم بشمار ميرود .

گرفتن ناخون واستعمال رنگ ناخون :

رنگ ناخون واستعمال آرايش براى زنان (روزه را فاسد نمى سازد.)

تبصره :

استعمال خوش بوى ، عطر باب ، چرب كردن موى سر ،چرب كردن پوست با كريم وتيل ، استعمال قطره چگان ها وترزيق امپول وپيچگارى هاى چون دليل بر تحريم آنها در شرع وجود ندارد . بنآ استعمال آنها در روزه مباح ميباشد.

دیابت یا مریض شکر:

مریضی شکر یا (دیابت) ازجمله مریضی های است که : به علت ناتوانی بدن در تولید یا مصرف انسولین بوجود می اید .

انسولین ماده ای است که در بدن توسط لوزالمعده تولید می گردد و باعث می شود قند یا به عبارتی مهمترین منبع انرژی بدن مورد استفاده قرار گیرد.

انواع مریضی شکر (دیابت)

مرض شکر یا دیابت بر دونوع است :

1- نوع اول مریضی شکر عبارت از آن است که شخصی مبتلا به آن لازم است جهت ادامه حیات خود، انسولین در بدن خویش پیچکاری کند . این نوع مریضی شکرمعمولآ در بین اطفال وجوانان زیاد بو جود می اید .

2- نوع دوم مریضی شکر مریضی است که در کلان سالان ، بخصوص اشخاص سنین 40 دیده میشود .این نوع از مرض شکر معمولآ با رژیم غذایی ، فعالیت جسمی (سپورت) ویا گرفتن دوا شکر، تحت کنترول می اید ، ولی در برخی از انسانها در این سن وسال ضرورت به پیچکاری انزولین نیز دیده میشود.

دردیابت نوع دوم چه اتفاقی رخ می دهد؟

در فرد مبتلا به این نوع دیابت، سلول های بدن حساسیت لازم نسبت به هورمون انسولین را ندارند و پس از مدتی لوزالمعده نیز در تولید انسولین به مقدار کافی، مشکل پیدا می کند. بدون وجود حساسیت لازم به انسولین یا در صورت کمبود ترشح انسولین، بدن نمی تواند قند موجود در خون را به داخل سلول حرکت دهد؛ بنابراین قند خون بالا می رود و افزایش قند خون سبب پیدایش مشکلاتی در فرد مبتلا می گردد.

علامت ها و نشانه های دیابت نوع دوم چیست؟

این نوع دیابت معمولاً به آهستگی پیشرفت می کند. علامت های اصلی آن پرادراری، تشنگی بیش از حد، کاهش وزن قابل توجه، افزایش اشتها و خستگی زودرس و شدید است. علامت ها

و نشانه های دیگر عبارتند از:
- عفونت های مکرر دهان، پوست، ناحیه تناسلی یا مثانه
- ضعف بینای
- سوزش و گزگز انگشتان دست یا پاها
- خشکی و خارش پوست این علامت ها ممکن است خفیف باشند به طوری که فرد متوجه آنها نگردد.

در سالمندان گاهی این علامت ها فقط به سن بالا نسبت داده می شود و تشخیص دیابت به تأخیر می افتد. نکته مهم این که بیش از نیمی از مبتلایان به دیابت از بیماری خود بی خبرند!

مسؤلیت مریض شکر در ماه مبارک رمضان :

طوریکه قبلاً یاد اور شدیم در این هیچ جای شک نیست که مریضی شکر از جمله امراض مزمن بحساب می اید که بر انجام بعضی از عبادات تاثیر می گذارد؛ از جمله بر روزه، چرا که روزه انسان را در طول روز از خوردن و آشامیدن منع می کند، و اشخاصیکه مبتلا به مرض شکر (دیابت) باشد در طول روز نیاز به نوشیدن مقدار زیادی آب در اوقات متعدد دارند. همچنین نیاز دارند تا مقداری غذا را در اوقات مختلف صرف کند ، و تشنگی شدید گاهی موجب افزایش بیماری می گردد و ممکن است عوارض جدی دربر داشته باشد.

در حالیکه پروردگار با عظمت ما در (آیه : 185 سوره بقره) میفرماید : «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» البقرة/185.

یعنی: و آن کس که مریض یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد، خداوند، آسانی بر شما را می‌خواهد، نه سختی بر شما را.

اما با این وجود مریضی شکر (دیابتی) نمی تواند بخاطر داشتن مرض قند روزه نگیرد، چراکه مریضان مبتلا با شکر نوع دوم به سه کتکوری تقسیم میشوند :

کتگوری اول :

از مریضان اند ، که مبتلا به مریضی شکر دارند ولی میتوانند با پلان (رژیم غذای منظم وسپورت وفعالیت های جسمی) بر مریضی خویش غالب شوند و یا به اصطلاح آنرا تحت کنترل در اورند و در اصطلاح طیبی ، این دیابت از نوع خفیف است وحکم شرعی ومکلفیت شرعی برای این مریضان همین است که باید روزه بگیرند، چرا که مریضی شان به حدی نیست که : روزه گرفتن سلامتی آنرا متضرر سازد .

کتگوری دوم :

کتگوری دوم مریضان شکر ، مریضان اند که برای آنها داروهایی همراه با یک پروگرام منظم غذایی مشخص تجویز می شود تا مقدار قند خون را کاهش دهند.

مریضان کتگوری دوم را میتوان باز هم بدو گروه دسته بندی نمود .

1- گروه اول :

گروه اول این دسته عبارت از مریضان اند که ضرورت دارند یکبار باید دوا ضد شکر میگیرند ، بر این نوع از مریضان لازم که باید روزه بگیرند، زیرا آنها می توانند دوا خویش

را در فاصله بین مغرب تا قبل از اذان صبح قرار دهند.

2- گروه دوم :

عبارت از مریضان هستند که ضرورت دارند در طول روز دو یا سه بار تابلیت بگیرند ، در اینحالت اگر امکان آن وجود داشته باشد که مصرف آن تابلیت ها به بعد از اذان مغرب و قبل از اذان صبح منقل شود، بدون آنکه زیانی جدی بر مریض وارد شود، پس باید روزه اش را بگیرد، ولی اگر تاخیر در خوردن آن دواموجب زیان جدی می شود، او می تواند روزه نگیرد و در عوض در وقت مناسبی بعد از رمضان که مشکل مریضی اش خفیف گردد، آن روزها را قضاء کند.

برای تشخیص این موضوع که آیا تاخیر در مصرف دوا و قرص زیان آور نیست، لازمست یک دکتور متخصص مسلمان عادل نظر بدهد.

کتگوری سوم :

کتگوری سوم مریضان شکر عبارت از مریضان هستند که برای کنترل شکر خود، در طول روز یک یا دو بار و یا حتی بیشتر انسولین تزریق کنند.

اگر این مریضان با تزریق آمپول انسولین از خوردن قرص و دیگر دوا ها در طول روز بی نیاز می گردند، پس باید روزه بگیرند، زیرا تزریق بیچکاری انسولین باعث باطل شدن روزه نمی شود.

چنانچه علمای هیئت دائمی افتاء در پاسخ به سوال در خصوص حکم تزریق انسولین برای شخص روزه دار، پاسخ دادند: «ایرادی ندارد که از آمپول مذکور در طول روز جهت مداوا استفاده کند، و قضای آنروز بر او واجب نیست (زیرا روزه اش باطل نمی شود)، و البته اگر ممکن باشد که در شب استفاده شود و مشقتی در اینحالت بر او ایجاد نمی شود، این بهتر است». « اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء" 10 / 252. » منتشره در سایت (سایت عقیده)

اما اگر نیاز دارند که بعد از تزریق انسولین، حتما غذا و آب نیز بخورند و بیاشامند، پس می تواند روزه نگیرد، در عوض در وقت مناسبی روزه اش را قضاء کند که مشکل او خفیف تر شده باشد.

یادداشت :

آن دسته از مریضان دیابتی که بر اساس تقسیم بندی فوق مشمول رخصت می شوند، لازمست تا بعد از رمضان در فرصت مناسبی که اوضاع مریضی آنها خفیف تر می شود، روزه خود را قضاء کنند. اما اگر مریض آنها تا آخر عمر از حالت شدید به خفیف کاهش نمی یابد و همواره مشمول رخصت نگرفتن روزه می مانند، در آنصورت نیازی نیست تا روزه های رمضان را قضاء کنند، کافیست تا بجای هر روز از رمضان، یک نفر فقیر یا مسکین را غذا بدهند، از همان غذایی که خود می خورند به او نیز بدهند، به دلیل فرموده الله تعالی:

« فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ وَأَن تَصُومُواْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره 184).

یعنی: و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد) و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت‌فرساست؛ (همچون مریضان مزمن، و پیرمردان و پیرزنان ناتوان) لازم است فدیه بدهند: مسکینی را اطعام کنند؛ و کسی که کارِ خیری انجام دهد، برای او بهتر است؛ و روزه گرفتن برای شما بهتر است اگر بدانید.
و می توانند سی نفر مسکین را به خوردن غذا دعوت کنند و فدیه یک ماه را همزمان و یا در عرض چند دفعه بدهند.

یادداشت فقهی در مورد پیچکاری انزولین :

استعمال بیچکاری انزولین ،برای مریضان شکر که در زیر پوست بعمل می اید ،به هیچ وجه ، روزه را باطل نمی سازد ، از طرف دیگر پیچکاری انزولین ، از جمله پیچکاری خوراک و نوشید نی نیست و بمعنی خوردن و نوشیدن هم نیست .
بنآ اگرمریض دیابت از پیچکاری انزولین در طول روز جهت مداوا مریضی خویش استفاده کند، روزه اش باطل نمی گردد و قضای روزه نیز برآن واجب نیست .

امپول پیچکاری در ماه مبارک رمضان

قبل از همه باید گفت که تزریق پیچکاری به سه نوع صورت میگیرد :
1- ترزیق در زیر پوست (**subcutaneous-s.c**) معمولابرای پیچکاری انسولین استفاده میشود .
2- ترزیق در داخل عضله (**intramuscular-i.m**)
3- ترزیق در داخل رگ یا ورید (**intravenou s- i.v**)
علما ءشهیر جهان اسلام هریک شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز و عالم شهیر کشور عربستان وشیخ الشیخ محمد بن صالح العثیمین طی فتوای شرعی گفته اند که :
پیچکاری در زیر پوست (**subcutaneous-s.c**) و داخل عضله (**intramuscular-i.m**) شامل خوردن و یا آشامیدن نبوده و به مثابه خوردن و آشامیدن بحساب نمی اید ، بنابراین هردونوع پیچکاری ها روزه را باطل نمی‌کند.
ولی در مورد پیچکاری که در رگ یا ورید (**intravenou s- i.v**) بعمل میاید ، علما ء در این نوع پیچکاری به چند دسته تقسیم گردیده اند .

دسته اول :

دسته اول از علما ء بدین معتقد اند که این نوع از پیچکاری ،روزه را باطل می‌کند. از انجمله میتوان از شیخ سعدی :، شیخ عبدالعزیز بن عبدالله ابن باز :، وشیخ ابن عثیمین :، و مجمع فقه اسلامی نام برد . این تعداد از علماء استدلال میاورند که پیچکاری رگ یا ورید درحکم مشابهات به خوردن واشامیدن است .و انسان را از خوردن و آشامیدن بی‌نیاز می‌سازد.

دسته دوم :

دسته دوم علما ء بدین نظر اند که پیچکاری رک یا ورید روزه را باطل نمی سازد ، زیرا چیزی از آن طریق مجاری طبیعی به معده نمی‌رسد و به فرض رسیدن آن به معده، این کار از طریق منافذ انجام می‌گیرد و این منافذ نه شکم هستند و نه در حکم آن می‌باشند تا اینکه

بگوییم چیزی وارد شکم شخص شده است.

نتیجه وحکم دقیق اسلامی :

در مورد پیچکاری ورید ویا رک حکم دقیق اسلامی همین است که این نوع از پیچکاری ،روزه را باطل میسازد ، زیرا برای باطل کردن روزه دخول به شکم شرط نیست، بلکه حصول تغذیه برای بدن از هر طریقی که باشد روزه را باطل می‌کند.

یادداشت ضروری :

پیچکاری که از راه رک ویا ورید غرض بیهوشی (**Anesthesia:** انستزی) مورد استفاده قرار میگیرد ، روزه را باطل نمی سازد .

ولی باید خاطر نشان ساخت که بیهوشی به چند نوع است :

الف- بی حسی جزئی از طریق بینی:

که در این حالت بیمار یک ماده گازی را بو می‌کند و آن ماده بر اعصاب وی تأثیر گذاشته و شخص بی حس می‌شود. این گونه بی حسی روزه را باطل نمی‌کند زیرا ماده گازی وارد شده به بدن نه وزنی دارد و نه محتوی مواد مغذی است.

ب- بی حسی جزئی چینی:

این نوع بی حسی به چین منسوب است و به این ترتیب انجام می‌گیرد که سوزن خالی به مراکز احساس در زیر پوست زده می‌شود و نوعی از غده‌های موجود را به ترشح مورفین طبیعی که در بدن وجود دارد، تحریک می‌کند. و به آثر آن مریض قدرت احساس را از دست می‌دهد.

این گونه نیز به شرط اینکه موضعی باشد و نه کلی، روزه را باطل نمی‌کند، زیرا چیزی وارد شکم نمی‌شود.

ج- بی حسی از طریق توقف جریان خون:

به این ترتیب که به کمک یک داروی گیاهی - که سریع تأثیر می‌کند - جریان خون متوقف شده و برای چند ثانیه مریض بی حس می‌شود.

این گونه نیز به شرط اینکه موضعی باشد و تمام بدن را بی حس نکند روزه را باطل نمی‌سازد، زیرا چیزی وارد شکم نمی‌شود.

د- بی حسی کلی:

در مورد بی حسی کلی علماء اختلاف نظر دارند. و علمای متقدم نیز در بحث از «مغمی علیه = بیهوش» به آن پرداخته‌اند.

در مورد بیهوش گفته شده که دو حالت دارد:

1- شخص تمام روز را بیهوش باشد و هیچ لحظه‌ای از روز را هوشیار نباشد: که روزه چنین شخصی از دیدگاه جمهور علماء صحیح نیست.

زیر پیامبر صلی الله علیه وسلم در یک حدیث قدسی از خدا نقل می‌فرماید که: «یدع طعامه وشهوته من أجلی» یعنی: ... طعام و شهوت (و اشتهایش) را به خاطر من رها می‌کند.

در حالی که در مورد بیهوش نمی‌توان گفت: به خاطر خدا روزه گرفته، چون بیهوش بوده و

اصلاً قدرت تصمیم گیری ندارد.
2- شخص تمام روز را بیهوش نباشد: علماء در این باره اختلاف نظر دارند:
دیدگاه صحیح این است که اگر بخشی از روز را به هوش بیاید، روزه‌اش صحیح است و امام احمد و امام شافعی بر این رأی بوده‌اند.
امام مالک ،روزه چنین شخصی را به طور مطلق باطل می‌داند.
امام ابوحنیفه می‌فرماید :
اگر قبل از زوال آفتاب (از وسط آسمان) به هوش آید، تجدید نیت نموده و روزه‌اش صحیح می‌باشد.
رأی امام احمد و امام شافعی درست است زیرا نیت روزه‌ای که امام ابوحنیفه از آن صحبت می‌کند، برای بخشی از روز خواهد بود.

یادداشت فقهی در مورد پیچکاری انزولین :

استعمال بیچکاری انزولین ،برای مریضان شکر که در زیر پوست بعمل می اید ،به هیچ وجه ، روزه را باطل نمی سازد ، از طرف دیگر پیچکاری انزولین ، از جمله پیچکاری خوراک و نوشید نی نیست و بمعنی خوردن و نوشیدن هم نیست .
بنآ اگرمریض دیابت از پیچکاری انزولین در طول روز جهت مداوا مریضی خویش استفاده کند، روزه اش باطل نمی گردد و قضای روزه نیز برآن واجب نیست .
همچنان پانسمان کردن زخم ها روزه را باطل نمی کند .ولی اگر زخم عمیق در شکم که دوا به معده برسد، در این صورت روزه می شکند.

حجامت :

حجامت اصطلاحآ به روشي ازخونگيري اطلاق مي شودکه جهت معالجه برخی از امراض بکار می رود . در برخی از انسانها خون به مرور زمان در ناحیه پشت وکمر ودر نقاط دیگری از بدن جمع شده که در فرصتهای مناسب به تدریج توسط بدن خارج می شود اما در بسیاری از موارد ی اتفاق می افتد که عملیه افراز بدن در این زمینه بسیار به کندی اجرا میگردد ، طوریکه به مرور زمان بر تراکم این خونهای آلوده در بدن انسان بخصوص در پشت افزوده می شود و در نهایت صحت وسلامتی انسان را تحت تاثیر قرار می دهد . در این حالت است که دست به عملیه حجامت می زنند .
میگویند عملیه حجامت بیش از ۷۰۰۰ سال در بین بشریت قدمت داشته ودین مقدس اسلام هم آنرا تایید و برای پیروان خویش مورد سفارش قرار داده است .
درمنابع طب اسلام وطب سنتي حجامت به عنوان يكي ازوسايل مهم معالجه ذكرگرديده است و وتوسط این طریقه بسیاری از امراض مورد تداوی ومعالجه قرار میگرد . طب یونانی بدین باور وعقیده است که حجامت برای پیشگیری بسیاری از امراض بخصوص امراض خونی مفید ومواثر شمرده میشود . ابو علی سینا معتقد است که توسط عملیه حجامت حتی امراض صفرا وسودا نیز قابل دفع است وتداوی میباشد .

حجامت در کدام امراض بکارگرفته میشو د :

همانطوریکه که گفته شد عملیه حجامت در امراض چون (هایپرلیپیدمي) (چربي خون بالا)؛دیابت غیروابسته به انسولین ؛دردهاي عضلاتی ؛سردردهاي عصبي ؛ومیگرني ؛امراض جلدی مانند مرض آکنه ؛پسوریازیس ؛آلرژي هاي ناشی از دوا ،ناضی از مواد غذایی، آلرزی های فصلي ؛اعتیادبه مواد مخدر؛ امراض انسدادي عروق کرونر؛عوارض بعدازیائسگي (منوپوز)دردهاي قاعدگي درزنان ودختران (دیسمونوره)وبرخي دیگر مریضی های عفوني ؛هورموني وغدد ، میتوان بکار برد.

بطور کل گفته میتوانیم که عملیه حجامت دارایي هیچگونه عوارض جانبی نبوده ، واگر این عملیه به صورت تخصصي وفنی مورد استفاده قرار گیرد ، فایده آن بیشتر وموثرتر از دوا های کمیاوی که توسط طب امروزی بکار گرفته میشود ، میباشد .

حکم شرعی در مورد حجامت :

اگر شخصی روزه دار در ماه مبارک رمضان بخاطر معالجه وتداوی دست به عمل حجامت یا خون گرفتن (از سر ویا ،انگشت ، ویا ورید ویاهر عضو دیگر بدن بزند) طوریکه که گفتیم ، به اتفاق همه علما ء روزه اش فاسد نمیگردد . وحکم خویش را بر حدیث ذیل مستند می سازند .

در حدیث شریف از ابن عباس (رض) روایت است : « احتجم النبي (ص) وهو صائم» (پیامبر صلی الله علیه وسلم در حالی که روزه بود حجامت کرد)(صحیح سنن ابو داود : ۲۰۷۹)، (صحیح امام بخاري : ۱۹۳۹/۱۷۴/۴) ، (سنن ابو داود ۲۳۵۵/۴۹۸/۶)

ولی اگر در عملیه حجامت بدن روزه دار ضعیف وسست گردد ، وبیم خطرات بیهوشی را برای روزه دار پیش آورد ، علما ومفسران به بر استناد حدیث ذیل برمکروه بودن آن حکم فرموده اند . از ثابت بناني روایت است « سئل انس بن مالك أكنتم تكرهون الحجامة للصائم ؟ قال : لا ، إلا من أجل الضعف »« از انس بن مالك سؤال شد آیا شما حجامت را برای روزه دار مکروه می دانستید ؟ گفت نه ، مگر به خاطر ضعف وسستی »(صحیح امام بخاري : (۱۹۴۰/۱۷۴/۴)

مرض کم خونی وروزه

خواننده محترم کم خونی چیست ؟

قبل از همه باید گفت زمانیکه در خون اندازه کافی از هموگلوبین تقلیل یابد ، انسان دچار ر آنمی یا به اصطلاح کم خونی میگردد .

هموگلوبین کمک میکند که گلبولهای سرخ خون، اکسیژن را از رگ ها به همه قسمتهای بدن برسانند.

کم خونی فقرآهن **(IDA)** مشهور ترین نوع کم خونی است ، که تقریبا یک پنجم زنان، از جمله نیمی‌از زنان حامله و سه درصد مردان مبتلا به مریضی کم خونی ناشی از فقر آهن است.

وطوریگه یاد اور شدیم علت اصلی این نوع کم خونی، کمبود آهن در بدن است. مغز استخوان انسان برای ساختن هموگلوبین به آهن ضرورت دارد. بدون آهن کافی بدن نمیتواند هموگلوبین مورد ضرورت گلبولهای سرخ را بسازد. به همین دلیل بدن انسان دچار کم خونی فقر آهن می‌شود.
از عوامل دیگری که موجب کم خونی در انسان میگردد ، میتوان از کمبود ویتامین ، کم خونش ناشی از امراض مزمن (مانند سرطان ، آرتریت روماتویید، بیماری کرون و سایر بیماریهای مزمن التهابی) کم خونی ناشی از ساخته نشدن سلول خونی (این نوع کم خونی تهدید کننده‌ی حیات است و در اثر کاهش توانایی مغز استخوان در تولید همه‌ی انواع سلولهای خونی شامل گلبولهای سرخ گلبولهای سفید و پلاکتها ایجاد می‌شود.) ، کم خونی مرتبط با امراض مغز استخوان(مانند امراض چون سرطان خون می‌تواند منجر به اختلال در تولید گلبولها شده و کم خونی ایجاد کند.)
عوامل مستعد کننده کم خونی در انسان عبارت است : رژیم غذایی، اختلالات روده‌ای، عادت ماهور زنانه (حیض) حمل ، امراض مزمن وغیره ...
مهمترین علایم کم خونی احساس خستگی و بی حالی وضعف در انسان است . از علایم دیگر کم میتوان از رنگ پریدگی پوست ، ضربان نامنظم یا تند قلب ،، کوتاهی نفس ، سر گیچی خفیف ، سردردی وغیره ...

مریض کم خونی ورمضان :

اگر طبیب مسلمان ، معتمد و عادل تشخیص دهد که واقعآ گرفتن روزه برای وضعیت جسمانی روزه دار زیان آور است، و لازم است که مریض حتمآ هر روز (در فاصله بین اذان مغرب و عشاء) داروومقداری مواد وغذای ویتامین دارا بگیرد ، در غیر آن مریضی اش تشدید می یابد ، در اینصورت مریضی مبتلا به کم خونی میتواند از رخصت الله تعالی که میفرماید : « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» البقرة/ 184.(یعنی: پس هرکسی از شما بیمار یا در سفر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را روزه بگیرد.) استفاده نماید روزه خویش را افطار نماید .
امام ابن کثیر در تفسیر این آیه مینویسد : «یعنی مریض و مسافر می توانند در هنگام مرض یا سفر روزه نگیرند، زیرا این امر موجب مشقت بر آنها خواهد شد، بلکه افطار کنند و بعدا در روزهای آتی آنرا قضاء نمایند». « تفسیر ابن کثیر» (1 /498) .
و در عوض در زمان دیگری که اوضاع جسمانی او بهتر می شود آنروزها را قضاء کند، اما اگر او تا آخر عمر بر همین منوال – که در ابتدای مطلب توضیح داده شد - می ماند، در آنصورت روزه رمضان بر او لازم نیست ولی فدیه بر او لازم است، یعنی باید در بدل هر ماه رمضان – در هر سال – سی نفر مسکین را طعام دهد. یعنی به هر مسکین یک وعده غذای رایج بدهد تا سیر شود. به دلیل فرموده خداوند متعال: « وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسكِين» (بقره : 184).«و بر کسانی که توانایی انجام آن (روزه) را ندارند (همچون پیران ضعیف و بیماران همیشگی) لازم است فدیه بدهند و آن خوراک مسکینی است».

علامه ابن عثیمین رحمه الله می گوید: «کیفیت اطعام به دو صورت است: اول: غذایی درست کند و مساکین را دعوت نماید، بر حسب روزهایی که باید فدیه بدهد، همانگونه که انس بن مالک رضی الله عنه چنین کرد. دوم: غذای غیر آماده (پخته نشده) به آنها بدهد». الشرح الممتع (335/6).

اما اگر کسی بخواهد که در عرض سی روز به یک نفر غذا دهد، یعنی هر روز به او طعام دهد، جایز است چنانکه جمهور علمای مذاهب از جمله شافعیه و حنابله و گروهی از علمای مالکیه بر جواز آن تاکید کرده اند، مولف کتاب الانصاف گفته: «جایز است طعام را کلا به یک مسکین واحد داد». الإنصاف (291/3)، و نگاه کنید به: تحفة المحتاج 3 / 446، کشاف القناع 2 / 313، و "فتاوى اللجنة الدائمة" (198/10).

یادداشت ضروری :

اگر با جود مریضی کم خونی ، روزه گرفتن زیانی به او نمی رساند و او را در مشقت نمی اندازد، و امکان تاخیر در خوردن دوا کم خونی را دارد ، در اینصورت لازمست که خوردن دوا خویش را تا افطار به تاخیر اندازد و روزه اش را بگیرد، ولی اگر این امر مقدور نباشد ایرادی ندارد که روزه نگیرد.

مریضی سنگ کرده ورمضان

قبل از همه باید گفت که مریضی سنگ کرده مریضی جدید در بشریت نمی باشد ، حتی میگویند ، فرعون هم به مریضی سنگ کرده مبتلا بود. اگرچه سنگ کرده در طب امروزی از جمله مریضی ساده بشمار میرود . ولی همین مریض ساده دارایی درد شدید ، طاقت فرسا ووحشتناک میباشد ، به اصطلاح بعضی ها این درد چنان وحشتناک است ، که مقدار درد اش کمتر از درد زایمان در حین ولدت مادران میباشد ، بطور خلاصه درد سنگ کرده بی نهایت زجر دهنده است . این درد زمانی شدت می یابد وقتیکه سنگ از محل خویش بیجا ء شود ، ولی اگر سنگ دوباره در جای اش مستقر گردد درد دوباره ارام می یابد .یکی از علائم سنگ کرده ، تغییر رنگ ادرار به صورت خونی یا رنگ چای میباشد .

هنوز دلیل قطعی شکل گیری سنگ کرده (کلیه) از نظر طبی با قطعیت اثبات نشده. در حالت طبیعی کلیه ها مواد ضد رسوب ترشح می کنند که مانع از تجمع کریستالها و پیدایش سنگ کرده در داخل بدن میشوند. اما گاه این مواد کارایی خود را از دست می دهند.

برای جلوگیری از تشکیل سنگ کرده باید این غلظت مواد را در بدن کم کنیم به عباره دیگر باید ادرار را تا می توانیم، رقیق کنیم. یعنی شخصیکه مبتلا به مرض کلیه سنگ ساز دارد، باید آب و مایعات زیادی نوش جان کند .ویگانه توصیه دکتوران برای این مریضان اینست که ازخوردن نمک باید پرهیز کنند . بخاطر انکه نمک عاملی است که به ساخته شدن سنگ های کلسیمی کمک می کند. نمکی که از روده جذب می شود، از طریق کلیه باید دفع شود. اما مشکل همین جاست چرا که وقتی نمک می خواهد از کلیه را وارد ادرار شود، با خودش کلسیم را وارد ادرار می کند و به این ترتیب غلظت کلسیم ادرار افزایش می یابد.

مریضان که مبتلا به مریضی سنگ کرده است نباید هیچ وخت احساس تشنگی کنند وکوشش

اعظمی بخرج دهد ،تا قبل از تشنگی اب ومایعات به اندازه کافی ودر اوقات مختلف ، نوش جان کند .

مریض سنگ کرده :

شخصیکه مبتلا به مریضی سنگ کرده باشد، وروزه گرفتن برایش سخت تمام شود ، وروزه موجب افزایش درد و مریضی اش گردد ، وبه اصطلاح سلامتی کلی آن را بخطر مواجه سازد ، وداکتر معالج مسلمان و مورد اعتماد مرض وسختی وخطر مرض را تشخیص داده باشد ، واطبا ء توصیه نموده باشند که معایات زیاد مصرف نماید ، در اینحالت مریض که مبتلا به سنگ کرده است، میتواند به رخصت الله تعالی عمل کرده وروزه خویش را افطار نماید .و در مقابل هر روز به یک مسکین خوراک بدهد و قضای روزه بر وی لازم نمی باشد . چون قضای روزه برای همچو مریضان ممکن ومیسر نیست؛ زیرا بعلت مریضی که دارد نمیتواند روزه بگیرد. اما برفرض در صورت بر طرف شدن مریضی و بازگشت سلامتی دوباره ، شخص متذکره باید در سال آینده روزه بگیرید و قضای سالهای گذشته که افطار کرده است و کفاره ی آنها را پرداخت کرده ، بالای اش لازم نمی باشد .

پروردگار با عظمت ما میفرماید : « فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» **(** سوره البقرة آیه : 184)(پس هرکسی از شما بیمار یا در سفر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را روزه بگیرد.

ابن کثیر در تفسیر این آیه متبرکه مینویسد : «یعنی مریض و مسافر می توانند در هنگام مرض یا سفر روزه نگیرند، زیرا این امر موجب مشقت بر آنها خواهد شد، بلکه افطار کنند و بعدا در روزهای آتی آنرا قضاء نمایند».« تفسیر ابن کثیر» (1 /498) .

و لازم نیست که حتما انسان در سختی زیادی بیافتد تا از این رخصت استفاده کند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخَصُهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ تُؤْتَى مَعْصِيَتُهُ» روایت أحمد (5832) و ألبانی در "صحیح الجامع" (1886) .

یعنی: همانا خداوند متعال دوست دارد که از رخصت استفاده کنی همانطور که ناخوش می دارد که معصیت کنی.

اما بعد از رمضان؛ اگر مرض بیمار بهبودی یافت او بایستی آنروزها را قضاء کند، اما اگر بهبود نیافت و امید بهبودی هم وجود نداشت، نیازی به قضای آنروزها نیست و کافیست تا به ازای هر روز فدیه دهد، بدین صورت که به ازای هر روز مسکینی را طعام دهد.

علامه ابن عثیمین رحمه الله می گوید: « اهل علم مرض را به نسبت بیمار به دو قسم تقسیم کرده اند: قسمی که امید بهبودی می رود که چنین بیماری در وقت مرض افطار کند و بعد از بهبودی آنرا قضا می کند، و قسم دیگر که امید بهبودی بیمار نمی رود که به ازای هر روز یک مسکین را طعام می دهد، و این اطعام (فدیه) جایگزین روزه ای است که افطار کرده است». (فتاوی نور علی الدرب) - لابن عثیمین (48/ 216)

دندان کشی در رمضان

اول : درد دندان :

اگر کسی در ماه مبارک رمضان به درد دندان دچار است وضرورتی به افطار پیش اید ، روزه دار میتواند بنابر بر درد شدید ، روزه خویش را افطار نماید ، زیر او در اینحالت جزو مریضی است که خداوند متعال برای آنها رخصت روزه نگرفتن داده است.
در این مورد میتوان به فتاوی (شیخ عبد العزیز بن عبد الله بن باز .. شیخ صالح الفوزان .. شیخ عبد العزیز آل الشیخ .. شیخ بکر أبو زید .) مراجعه کرد «فتاوى اللجنة الدائمة . المجموعة الثانية » (203/9)

دوم دندان کشی :

قبل از همه گفت که روزه دار اگر امکان داشته باشد ، حد اعظمی کوشش کند تا دندان خود را در رمضان نه کشد، ولی با آنهم اگر قرار شد که در ماه مبارک اقدام به کشیدن دندان ویا پر کردن دندان نماید ، در شرع اسلامی در وقت ضرورت ودفع درد ، کدام ممانعتی در آن دیدیه نمیشود وجایز است .
همچنان پر کردن کردن دندان واستعمال پیچکاری برای رفع درد ، در صورتیکه مواد آن از حلق فرو نرود ، نیز کدام ممانعتی ندارد ، ولی احتیاط باید کردتا خون وداروی استفاده شده به داخل حلق نکردد ، بنابر همین احتیاط وخوف رفتن مواد وخون به داخل حلق است که ، برخی علماء کشیدن دندان بدون ضرورت را درماه مبارک رمضان مکروه میدانند
ومیگویند که اگر : خون یا دوایی استعمال شده در دندان به داخل شکم برسد روزه را فاسد میگردد .
البته ناگفته نماند که اگر اندازه خون مساوی با آب دهان باشد یا غالب (بیشتر) از آن و یا مزه‌اش محسوس بشود روزه را فاسد می سازد ، درغیر این صورت‌ها مفسد صوم نیست.
در حاشية رد المختار على الدر المختار شرح تنوير الأبصار فقه أبو حنيفة آمده است :
« أو خرج الدم من بين أسنانه و دخل حلقه يعنى و لم يصل إلى جوفه، أما إذا وصل فان غلب الدم أو تساويا فسد و إلّا، لا، إلا إذا وجد طعمه. بزازية».

و فى الرد:

« ومن هذا يعلم حكم من قلع ضرسه فى رمضان و دخل الدم إلى جوفه فى النهار و لو نائما فيجب عليه القضاء إلا أن يفرق بعدم إمكان التحرز عنه فيكون كالقيئ الذى عاد بنفسه فليراجع» (رد المختار:2/107)

در درمختاربه نقل از فتوای بزازیه آمده است:

وقتی که خون از میان دندان ها بیرون شود و داخل حلق شود و لکن به شکم نرسد (روزه نمی شکند) و اگر به شکم برسد درصورتی که خون مساوی با لعاب دهن باشد و یا خون به نسبت لعاب دهن بیشتر و غالب باشد روزه فاسد می شود و اگر کم از لعاب دهن باشد روزه فاسد نمی گردد مگر وقتی که مزه آن را حس نماید. و درمختار می افزاید که از این مسئله حکم کشیدن دندان در ماه مبارک رمضان نیز دانسته می شود . (برای معلومات مزید مراجعه شود : رد المختار على الدر المختار شرح تنوير الأبصار فقه أبو حنيفة کتاب حاشیه ابن عابدین یا به تعبیری دیگر حاشیه ردالمحتار کتابی است در فن فقه، مذهب امام أبوحنيفه

النعمان رحمه الله که توسط محمد أمین مشهور به ابن عابدین نوشته است.)

غسل جنابت ویا غسل تبرد :

غسل جنابت ویا غسل تبرد از گرمی ، اگر روزه دار در ایام روزه غسل نماید ، ویا بخاطر دفع برودت هوای گرم را اشتنشاق نماید روزه اش فاسد نمی گردد.
درحدیث شریف از ابـو بکر بن عبد الرحمن روایت است :« رإیت النبی (ص) یصب الما ء علی رأسه من الحر وهو صائم »« دیدم پیامبر صلی الله علیه وسلم را که می ریخت آب را بر سر خود از گرمی در حالیکه روزه دار بود . »(سنن ابو داود : ۲۰۷۲ ،و عون المعبود : ۲۳۴۸/۴۹۲/۶)
همچنان اگـر روزه دار برای دفع تشنگی غسل نماید، در صورتیکه آب به معده او داخل نگردد ، روزه اش فاسد نمیگردد.

حکم بوسه کردن در روزه :

از ام سلمه رضی الله عنه روایت شده است : « أن النبی (ص) کان یقبل وهو صائم » «پیامبرصلی الله علیه وسلم بوسه میکرد درحالیکه روزه می بود » متفق علیه .
از عائشه (رض) روایت شده است که :**«کان رسول الله (ص) یقبل وهو صائم ویباشر وهو صائم ولکنه کان املکم لاربه** » پیامبر اسلام (ص) می بوسید در حالیکه روزه می بود ومباشره میکرد در حالیکه روزه می بود اما بود مالك ترین شما حاجت خود را .
(فتح الباری : ۱۹۲۷/۱۴۹/۴) ،(صحیح مسلم : ۱۱۰۶ - ۶۵ - ۷۷۱/۲)
در مورد این که بوسه روزه را باطل نمی سازد ، هیچگونه اختلاف نمی باشد . ولی اگر این بوسه ، هدف ومقصود روزه را برای روزه دار متزلزل سازد فقها نظریـات خاص خویش را در مورد ابراز داشته اند . که توجه شما را به حدیث متبرکه که از ابی هر یرة (رض) روایت گردیده است جلب مینمایم :
ابی هر یرة (رض)فرموده است : « أ ن رجلاً سأل النبی (ص) من المباشر ة للصائم فرخص له و آتاه آخر فنها عنها ، فإ ا لذی رخص له شیخ وإذا الذی نهاه شاب » (مردی پرسید از پیامبرصلی الله علیه وسلم از مباشرت روزه دار پس رخصت داد اورا وآمد مرد دیگری پس منع کرد اورا از آن . پس کسیکه رخصت داد او را پیر بود وکس که منع کرد اورا جوان بود .(ابو داود)
فقها میگویند بـــرای کسیکه پیامبر صلی علیه وسلم بوسه را جایز دانسته ، آن شخص ، شخص پیر بود وبرای آن کسیکه آنرا از بوسه نهی فرمود آن شخص ، شخص جوان بود. بادر نظر داشت همین تعبیر ها از حدیث متبرکه برخی از فقها بوسه را بـــرای پیر ها جواز شمرده و برای جوانان ویـا کسانیکه قدرت اداره خود را ندارند جـــایز نه شمرده اند.
اما در مورد ملاعبه با همسر هنگام روزه، در صورتیکه جماع و یا انزال منی صورت نگیرد اشکالی ندارد، طوریکه در حدیث متبرکه از عایشه رضي الله عنها روایت شده است که گفت: « پیامبر صلی الله علیه و سلم هنگام روزه (زنش) را بوسه میداد و ملاعبه میکرد» (صحیح بخاری 1927 و صحیح مسلم 1106)، لذا ملاعبه بین زوجین هنگام روزه جائز

است ولی بشرطی که زوجین متاکد باشند که این ملاعبه شان به جماع منجر نشود و یا منی انزال نشود وگرنه اگر در برابر شهوت ضعیف باشند این امر برای آنها جائز نیست و باید دوری کنند زیرا ممکن است منی انزال شود و روزه شان باطل شود و یا به جماع منجر شود که کفاره روزه دو ماه پی در پی بر آنها واجب میگردد.
ابن قدامه در کتاب « المغني» گفته است : کسی که به همسرش بوسه میزند از سه حالت خارج نیست:
1- منی انزال نشود، که در اینصورت بدون خلاف اهل علم روزه باطل نمیشود.
2- منی انزال شود، که در اینصورت بدون خلاف اهل علم روزه باطل میشود.
3- مذی خارج شود، که نزد امام احمد بن حنبل و امام مالك روزه باطل میشود و نزد امام ابو حنیفه و امام شافعی و حسن و شعبی و اوزاعی روزه باطل نمیشود زیرا در خروج مذی غسل واجب نیست، و این قول (یعنی عدم بطلان روزه هنگام خروج مذی) راجح میباشد.
و ابن تیمیه نیز قول عدم بطلان روزه هنگام خروج مذی را ترجیح میداند و میگوید هیچ دلیلی از شریعت بر بطلان روزه هنگام خروج مذی وجود ندارد و در شرع برای باطل شمردن روزه نیاز به دلیل است ولی دلیلی نیست.

نتیجه کلی :

بوسه برای روزه دار خواه جوان باشد یا پیر مباح است ، وفرق میان بوسیدن رخسار ، دهن ، لمس توسط دست ومعانقه وجود ندارد البته این اباحت برای کسانی میباشد که میتواند خود را اداره کند.
اما اشخاصی که میدانند بدین ترتیب شهوتش به حر کت در آمده یا خوف جماع یا انزال وجود داشته باشد ، طوریکه احناف وشوافــع هر دو در مورد متفق القول اند اینکار برای روزه دار مکروه است.
باید بدانیم که شب دراز بوده ومسلمانان در روزه رمضان ما نند سائر ایام در عمل مداوم میباشد ، واحتمال اینکه همچو کار منجر به انزال ووقوع آنچه که در شریعت مکروه است نگردد بهتر خواهد بود ، در ماه مبارك رمضان اصلاً دست به چنین کاری نز نند.

استنتاج فقهی :

با همسر خود یکجا ء خوابیدن ، ملاعبه کردن وبوسه وکنار ، تا زمانیکه خطر انزال منی ویا وقوع جماع نباشد ، همه درست است.(ولی اگر به بوسه کردن ویا لمس ویا جماع در غیر فرج ودبر انزال گردد ، روزه اش فاسد گردیده ، بر آن قضا ء واجب میشود ، نه کفاره .)

استمناء :

استمناء آنست که عمد اً با دست یا هر وسیله دیگر منی از بدن بیرون آورده شود . همچنان سبب استمنا ء اگر بوسیدن باشد یا به آغوش گرفتن اگر انزال صورت گیرد روزه باطل میشود ، اما اگر انزال به مجرد فکر یا نظر صورت گیرد روزه باطل نمی گردد

وحکم مذی نیز چنین است.-دیدن عضو مخصوص زن ویا تفکر در امور جنسی انزال شود روزه اش مکروه نمیشود.

احتلام در روزه :

دیدن خواب یا احلام واحتلام شدن در خواب ، روزه را فاسد نمی سازد . اگر کسی در روز رمضان در خواب محتلم شود ، و منی هم از او بدون اختیار خارج گردد روزه اش فاسد نمی شود. ولی اگر منی بـه سبب بوسیدن ، مباشره یا تفکر طولانی خارج گردد روزه اش فاسد شده وقضا بر او هم لازم میشود. کسی که در شب جماع نموده وتا روز غسل نکرده روزه اش فاسد نمی گردد ، زیرا غسل امر یست که به انزال واجب شده است ، میدانیم که اگر روزه دار در روز محتلم شود غسل بروی لازم بوده وروزه اش فاسد نمی گردد پس کسکه در شب انزال شده وبعد از صبح بیدار گردیده روزه اش إن شاالله صحیح است.

یاد فراموشی :

یاد فراموشی یا روزه دار درمهمانی آلله در رمضان : اگر روزه دار در حالت یادفراموشي، چيزي بخورد و یا بیاشامد ، روزه اش باطل نمیشود ، زیرا او مهمان خداوند است .
طوریکه این موضوع در حدیثی که أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه روایت گردیده چنین بیان کردیده است : «إِذَا نَسِيَ فَأَكَلَ وَشَرِبَ فَلْيُتِمَّ صَوْمَهُ فَإِنَّمَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ وَسَقَاهُ». (ابوهریره رضي الله عنه روایت مي کند که نبي اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر کسي در حال فراموشي، چيزي خورد و یا نوشید، روزه اش را کامل کند، زیرا خداوند به او آب و غذا داده است» . (بخاری: 1933)

یادداشت :

برخی علماء میگویند اگر روزه دار در حالت یاد فراموشی با همسر خود همبستر (جماع) کند، روزه اش باطل نمیشود .

داخل شد ن گرد وخاك ویا مکس در دهن :

اگر مکسی ویا گرد ویا خاك ویا دوا بی اختیار از حلق فرو رود ، در صورتیکه عمدی نباشد روز ه ، مکروه نمیشود.

داخل شدن آب در گـوش :

اگر آ ب در گوش داخل شود و از روی قصدی هم باشد روزه مکروه نمیشود.

حکم غذای باقی مانده درلای د ندا ن ها :

اگر پـارچه غذای باقی مانده در لای دندان ها در صورتیکه مقدار آن از دانه نخود کمتر باشد واز حلق پائین رود ، روزه فاسد نمیگردد.

قئ واستفراق درماه مبارك رمضان :

در این مورد علماء مذاهب چهار گانه متفق رای اند ، که اگر قی بر کس غلبه کند ، وروزه

دار بی اختیار قـئ کند وجلو قی خود را گرفته نتواند ، هر چند که قئ پر دهن باشد بیشتر ویا کمتر باشد وحتی اینکه بخش آن دوباره از حلق پایین رود ، روزه اش ناقص نمی گردد .
ولی اگر قئ بصورت قصدی صورت گیرد ، ودهن پر باشد ، روزه اش فاسد ، باید قضا ء بیاورد. در حدیث که از حضرت ابو هریره روایت است میفرماید : « من ذرعه القئ فلیس علیه قضاء، ومن استقاء عمدا فلیقض »« هر کسی که قئ براو غالب شود پس بر او قضا نیست وهر کس که عمداً قی کند پس قضا نماید .»(احمد ،ابو داود ، ترمذی ، ابن حبان ، دارقطنی وحاکم.)

استعمال مسو ا ك :

استعمال مسواك براي روزه دار و غير روزه دار در تمام اوقات مستحب است و همين براي روزه دار، قبل از زوال و بعد از آن جايز است. به دليل حديث عامر بن ربيعه«رضي الله عنه» كه در سنن آمده است: رأيتُ رسولَ الله ما لا أُحْصِي يَتسوَّكُ وهو صائم مسند احمد (445/3)، ابوداود (2364)، ترمذي (725)«چندين بار كه نمي توانم آن ها را بشمارم مرتب مي ديدم كه پيامبر صلى الله عليه و سلم در حال روزه مسواك مي زد.»
در اين جا اين صحابي مشخص نكرده است كه آيا قبل از زوال ايشان را در حال مسواك ديده است يا بعد از آن، بلكه مطلقاً مسواك زدن ايشان را روايت كرده است. ولي به احتمال غالب ايشان را بعد از زوال ديده چون نماز ظهر و عصر بعد از زوال هستند، و از آن جا كه رسول الله صلى الله عليه و سلم مسواك را براي نماز تأكيد كرده احتمال مي رود كه براي نماز ظهر و عصر مسواك مي زده است.
اما آنان كه مسواك را بعد از زوال مكروه دانسته اند از اين حديث استدلال كرده اند: إِذَا صُمْتُمْ فَاسْتَاكُوا أَوَّلَ النَّهَارِ وَلا تَسْتَاكُوا آخِرَهُ بيهقي در الكبري (8120، 8121) هر وقت روزه گرفتيد در ابتداي روز مسواك بزنيد و در آخر آن مسواك نزنيد.
حديث مذكور ضعيف و غير قابل استدلال مي باشد. اينان همچنين از گفتار پيامبر صلى الله عليه و سلم استدلال مي كنند كه فرموده است: «لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ» (متفق عليه)، يعنى: « بوي دهان روزه دار نزد الله تعالي از بوي مشك خوشبوتر است.»
روش استدلال اين ها بدين صورت است كه چون مسواك بوي دهان را تغيير مي دهد، از زدن مسواك خود داري نمود. اين توجيه نادرست است، زيرا مسواك بوي مخصوصي را كه در اثر روزه به وجود مي آيد از بين نمي برد، زيرا بوي دهان در اثر عدم رعايت بهداشت دهان و دندان نيست، بلكه نشأت گرفته ازمعده مي باشد، و با خالي بودن معده از خوراك بد بويي از دهان خارج مي شود و اين بو از نظر مردم ناپسند است ولي از نظر خداوند بسيار دوست داشتني و پسنديده است. پس مسواك بوي دهان روزه دار را از بين نمي برد بلكه صرفاً دندان ها را تميز نموده و بد بويي دندانها را از بين مي برد نه بويي را كه از معده بيرون مي آيد.
اگر در وقت مسواك زدن وغير مسوك كردن دهن خون شود وبا لعاب دهن از حلق

پايين رود ، اما مقدار آن از لعاب دهن كمتر بوده وطعم آن در حلق احساس نشود روزه را نمی شكند.

چشيدن طعم اشيا ء :

چشيدن طعم اشيا ء ، با دهن نرم كردن وجويدن يكنوع چوبيكه بوسيله آن دندن ها را پاك ميكند ، البته بدون مسواك روزه را مكروه ميگرداند.

نـرم كردن وجـويد ن نـان :

برای زن جويدن ونرم كردن طعام به طفلش ، مكروه بوده ولی در صورتيكه چاره ای ديگر وجود نداشته باشد ، روزه اش مكروه نميگردد.

كشيدن نصوار وسگريت در ماه مبارک رمضان

درباره استعمال سيگار و نصواردر ماه مبارک رمضان ،علماء وفقها بعد از تحقيق و نظر در مورد اثرات آنها بر وجود انسان، به چنين به نتيجه رسيده اند : وميفرمايند كه :
هر دو آن روزه را نقض ميكند. زيرا علماء به روی يک قاعده كلی اين حكم را صادر كرده اند كه آن قاعده عبارت ازاست: هر چيزيكه به جوف معده يا به جوف دماغ داخل شود و انسان را تقويه و آرامش بخشد، روزه را نقض می نمايد، سيگار و نصوار از همان چيزهای است كه هم به جوف دماغ داخل ميشوند و هم انسان را تقويه ميبخشد. بناء هر دو سبب برای نقض و فساد روزه می شود.
از جانب ديگر كشيدن سگرت واستعمال نصور اساساً برای صحت وسلامتی انسان مضر است لذا استعمال مواد مخدره دردين مقدس اسلام حرام اعلان شده است.
استعمال مخدرات چه در رمضان باشد و چه در غير رمضان ناجايز و حرام است.
پيامبر صلی الله عليه و سلم فرموده است:«لا ضرر و لا ضرار» ، يعنی: (نه ضرر به خود برسانيد و نه به ديگران)، (حديث : صحيح از روايت ابن ماجة) پس استعمال مواد مسكرات و مخدرات كه برای صحت انسان و ديگران مضر ميباشد جائز نيست.
همچنان در ضمن بايد گفت : كسيكه در هنگام روزه نصوار را استعمال ويا هم سيگار ميكشد ، مخالف روح وأداب ماه مبارک رمضان عمل مينمايد ، بدون شک وبه حكم اتفاقی همه ای علما ء وفقهای اسلامی نه تنها روزه اش باطل ميگردد بلكه گنهگار هم ميگردد .

آداب روزه :

پيامبر صلی الله عليه وسلم فرموده است : « إن فی الجنة باباً يقال له : الريان يدخل منه الصائمون يوم القيامة ، لايدخل منه احد غيرهم ، فاذا دخلو اغلق ، فلم يدخل منه احد »
- ماه مبارك رمضان متبرك ، ماه عبادت ، ماه تقوا وماه مبارك است كه مسلمانان به تجديد توبه پرداخته ودر اين ماه توبه ها قبول ميگردد.
- بر روزه دار لازم است كه اخلاق بد را تر ك گفته وخود را با خلق نيكويی متمسك ساخته وخود را از غيبت وسخنان بيهوده نگهدارد تا خداوند (ج) روزه اش را قبو ل نمايد.

- مسلمانان در ایام متبرکه روزه باید خود را از شهوت ،دروغ ، غیبت ، واز گفتار زاید نگاه داند.
- مسلمانان باید در ماه مبارك رمضان به دادن صدقه وخیرات بپردازند از جنگ بپر هیزند وبا حسن معاملات با اهل بیت وکافه انسانها رفتار کند.
از ابو هر یرة (رض) روایت گردیده است : که پیامبر (ص) فرمود : « إذا كان يوم صوم أحدكم فـلا يرفث ولا يصخب ، فإن شا تمه أحد او قاتله فيلقل إنى امرؤ صائم ، والذى نفس محمد بيده لخلوف فم الصائم أطيب عند الله من ريح المشك ، وللصائم فرحتان : إذا أفطر فرح بفطره ؛ إذا لقى ربه فرح بصومه »« اگر یکی از شما روزه دار باشد ، باید از گفتن پوچ وصحبت های لهو ولعب جلو گیری کند ، وبه کسی دشنام ندهد ، واگر کسی اورا مجبور به دشنام دادن سازد ، باید در جوابش بگوید من روزه دار هستم . وقسم به ذاتی که نفس محمد صلی الله علیه وسلم در دست او ست که بوی دهن روز دار خوشبو تر است نزد خداوند از بوی مشك .

خوشی های روزه :

روزه دار دارای دو خوشی میباشد ، اولین آن افطار است ، زمانیکه روزه خویش را افطار میکند و به افطار خـود خوشحالی خاصی برایش رخ میدهد . دومین خوشحالی زمانی است که شخص روزه دار پروردگار خود را ملاقات میکند به روزه خویش می بالد وافتخار میکند .
در حدیثی از ن از ابی هر یر ه (رض) روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « من لم يدع قول الزوروالعمل به فليس لله حاجة إن يدع طعامه وشرابه » (مسلم ونسائی) « کسیکه ترك نکند سخن دروغ وعمل به آنرا پس نیست خداوند را حاجتی در این که تر ك کند طعام ونو شیدنی خود را » از فحوای حدیث متبرکه معلوم میشود که چنین شخصی از روزه خود ثواب هم نمی برد.

روزه ی اعضا ء

بدن روزه دار به کسی اطلاق میگردد که تمام اعضای بدون در فضیلت روزه سهیم شوند .
در تعریف فلسفه روزه ی کامل امده است که تمامی اعضای بدن باید باشرایط روزه برابر باشد . طوریکه پیامبر صلی الله وسلم میفرماید : « هرگاه کسیکه سخنان بد وعمل به بدي ها را ترک نکند، الله (جل جلاله) هیچ نیازي به ترک خوراک ونوشیدني هایش ندارد .
انسان مسلمان کوشش مي کند که درماه مبارک رمضان با تمامي اعضاي بدن خویش الله (جل جلاله) را عبادت کنداز جمله :

زبان روزه دارد:

مسلمان با زبان خود روزه میگیرد، شخص روزه دار باید زبان خود را از گفتن سخنان ناجایز مانند غیبت، سخن چیني، مزاح هاي بیجا، زیاد سخن گفتن، ریشخند بر دیگران حفظ کند .د، تا زبانش به دوري از بدیها عادت نموده وبه برکت روزۀ ماه مبارک رمضان درساير ماهها

نيز زبان خود را به عبادت الله (جل جلاله) عادت دهد .
شخص روزه دار نه تنها خودش با كسي جنگ و تجاوز و بي ادبي نميكند، بلكه حتي درحالاتيكه شخص ديگري برايش اذيتي برساند ويا دشنامش دهد نيز صبر ميكند.
پيامبر صلي الله عليه وسلم ميفرمايد كه هرگاه كسي با روزه دار جنگ كند ويا او را دشنام دهد او برايش ميگويد كه من روزه دار هستم .

فلسفۀ بوي دهان روزه دار :

بوي دهان روزه دار، به نزد الله از مشك بهتر تراست، اكرچه الله انسانرا به نظافت وپاكي امر نموده و پيامبرصلي الله عليه وسلم براي پاكي دهان مسواك نمودن وشستن دهان را سنت قرارداده است، تا دهان كسي مكروبي نشده وبوي ندهد و همچنان پيامبر صلى الله عليه وسلم كساني را كه سير وپياز خام خورده باشند، از رفتن به مسجد منع نموده است، تا بوي دهان آنان سبب اذيت نماز كزاران نكردد، ولي دهان انسان روزه دار، در جريان روزه، شايد بويي دهد، كه اين بوي ولو كه خوشايند هم نباشد، به نزد الله بي نهايت باارزش بوده و نسبت به مشك برتر است، زيرا علت اين بوي، بي توجهي درنظافت نه، بلكه روزه داشتن مطابق حكم الهي است . (حديث بخاري 1761)

چشمان روزه دار:

انسان روزه دار سعي وتلاش ميورزد، تا چشمان خود را ازديدن محارم حفظ نموده وهرلحظه چشمان خود را به ديدن قرآن ومطالعه كتب و نشستن با صالحان ودانشمندانيكه او را به نيكي ها تشويق ميكند عادت ميدهد .

گوش روزه دار:

بر اساس ارشادات الهي وسنت پيامبر صلي الله عليه وسلم انسان روزه دار گوش خود را روزه دار ميسازد وازشنيدن تمامي اموريكه در آن رضايت الله (جل جلاله) نبوده اجتناب ميورزد، گوش خود را به شنيدن تلاوت قرآن، احكام الهي، نصيحت ها، وساير امورمثبت مشغول ميسازد .

دست روزه دار:

هرگاه كسي دستانش را به نيكي ها عادت داده و براي دسترسي به فقراء مصروف سازد و براي رفع مشكلات انسانهاي مظلوم سعي و كوشش ورزد.

قلب روزه دار:

قلب انسان زماني روزه دار ميباشد كه فكر وانديشه اش را بسوي نيكي ها داشته باشد، او هيچگاهي براي بدي ها فكر نميكند، بلكه كوشش ميكند كه با داشتن روزه، انديشه خود را به مثبت گرايي توجيه نمايد. ازاشتباهات قبلي ديگران كه در حق وي نموده اند گذشت نموده و خود را آماده دوستي و محبت با ديگران سازد.

نفس روزه دار:

انسان روزه دار كوشش ميكند كه نفس خود را تربيه نموده، او را از نفس اماره بالسوء به

نفس لوامه واز آن به بعد به نفس مطمینه مبدل سازد.
ودر نهایت باید که شکم روزه دار خوردن غذاونوشیدن حرام در امان باشد ، وشر مگاه از زنا امتنا ء کرده وخود را به آنها الوده نسازند در این وقت است که گفته میتوانیم که اعضا ء بدن ما واقعاً روزه هستند.

نماز تراویح

یکی از خصوصیات ماه مبارک رمضان، بمثابه عبادت مسمی میباشد ، خواندن نماز تراویح با جماعت در شبهای مبارک رمضان میباشد.
ابن حجر عسقلانی در معنای « تراویح » میفرماید:
کلمـۀ « تراویح» جمع « ترویحة» است، یعنی « یک راحتی» ، مانند کلمــۀ« تسلیمة» که بمعنای « یك سلام » میباشد و از کلمه سلام گرفته شده، و نمازهای جماعت شبهای رمضان را « تراویح » میگویند ، زیرا اولین باری که نماز« تراویح » بصورت جماعت شروع شد نماز گزاران بین هردو سلام نماز کمی استراحت میکردند.
پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد مقام ومنزلت نماز تراویح فرموده اند:« مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری 2009) (هر کسیکه قیام رمضان را از روی ایمان و اخلاص بجای آورد، گناهان گذشته اش بخشیده میشود .) شیخ الاسلام امام نووی رحمة الله علیه فرمودند: «منظور از قیام رمضان نماز تراویح میباشد».

مشروعیت نماز تراویح :

مستحب است که نماز تراویح در مساجد و بصورت جماعت برگزار گردد.هرچند اگر بصورت تنهای در منزل و در مسجد نیز خوانده شود ، مشروع و جایز است.
در اوایل پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز تراویح را در مسجد و بصورت جماعت با اصحاب خود رضی الله عنهم برگزار می نمود ولی بعدا اصحاب نماز را بصورت تنها و انفرادی در مسجد برگزار می کردند. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می ترسیدند که با ادامه این روند یعنی برگزار نمودن منظم جماعات تراویح، این امر برای اصحابشان پیش بیاید که نماز تراویح فرض است در حالیکه نماز تراویح فرض نیست و سنت است.
لذا پیامبر صلی الله علیه وسلم بعضی از شبها را جماعت می خواند و بعضی دیگر در منزل می خواندند و به مسجد نمی رفتند و جماعت برگزار نمی شد و هرکدام از اصحاب تنهایی نماز تراویح را می خواندند.
چنانچه حدیثی از عایشه رضی الله عنها روایت است که در آن اشاره دارد به اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم فقط دو شب در مسجد با اصحابشان نماز تراویح را بصورت جماعت خواندند و لی در شب سوم رسول الله صلی الله علیه وسلم به مسجد تشریف نیاوردند، صبح از ایشان در مورد غیابشان سوال می شود و ایشان صلی الله علیه وسلم می فرمایند:
« رأيت صنيعكم فلم يمنعنى من الخروج اليكم الا إِنِّى خَشِيتُ أَنْ تُفرض عَلَيكُمْ »
یعنی:«گرد آمدن شما را دیدم ولی چیزی مانع آن نشد که ، برای نماز جماعت ، به سوی شما بیایم مگر آنکه ترسیدم که ، نماز تراویح ، بر شما فرض گردد ».(بخاری 1129).

بنابراین باید گفت که : جماعت برگزار کردن بر ای نماز تروایح سنت است و نه واجب،بعدها که بارحلت پیامبر صلی الله علیه وسلم و در نتیجه آن پایان تشریع در دین اسلام ،ترس از اینکه نماز تراویح برای مردم واجب گردد ،باقی نماند،اصحاب تصمیم گرفتند که نماز تراویح را بصورت جماعت و در مسجد بخوانند (به اقتدا به پیامبر که اوایل تشریع نماز تراویح چنین می کردند).

چنانکه در حدیثی دیگر از ام المومنین عایشه رضی الله عنها ،بعد از اینکه حدیث فوق الذکر را روایت می کنند آمده است که :« فتوفی رسول الله صلی الله علیه وسلم والامر علی ذلک،ثم کان فی خلافة ابی بکر و صدر من خلافة عمر،حتی جمعهم عمر بن الخطاب علی ابی بن کعب،فقام بهم فی رمضان،وکان ذلک اول اجتماع الناس علی القاری واحد فی رمضان » (بخاری - 924) یعنی:« و پیامبر صلی الله علیه وسلم فوت کردند و روال بر همین بود،سپس در زمان خلافت ابوبکر و همینطور در اوایل خلافت عمر نیز همان گونه بود،تا اینکه عمر مردم را برای نماز تراویح به امامت ابی بن کعب جمع نمود ،و نماز تراویح را به آنها در رمضان اقامه نمود،و این اولین جماعت مردم بر یک قاری و امام واحد بود ».

کسانیکه می گویند جماعت خواندن نماز تراویح بدعتی بود که عمرابن خطاب رضی الله عنه ایجاد نمود،به خطا رفته اند واستدلال شان از حقیقت دور است . زیرا همانطور که قبلا یاداور شدیم در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم بعضی از شبها نماز تراویح با جماعت برگزار می شد و دلیل ترک جماعت نماز تراویح از سوی پیامبر ،فقط ترس از فرض دانستن مردم بود.

تعداد رکعات نماز تراویح:

چون هیچ حدیثی از شخص رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد تعداد مشخص رکعات نماز تراویح روایت نشده، و آنچه که به آن استناد می شود فقط قول و عمل اصحاب رضی الله عنهم است، لذا علما در تعداد رکعات تراویح اختلاف دارند ،از جمله گفته اند که:

- نماز تروایح یازده رکعت است.
- برخی از علماء میگویند نماز تراویح بیست رکعت بدون نماز وتراست از جمله .(امام شافعی و ابن مبارک و روایتی از عمر و علی رضی الله عنهما)
- بر خی از علما میگویند نماز تراویح سی و شش رکعت تراویح و سه رکعت وتر.(از جمله امام مالک).
- برخی از علماء میگویند که نماز تراویح چهل رکعت نماز تراویح و هفت رکعت وتر.

و اقوال متعدد دیگری در زمینه وجود دارد ، که هیچ کدام برای اثبات ادعای خود حدیثی از خود پیامبر صلی الله علیه وسلم ذکر نکرده اند الا قول و فعل صحابی، البته هر چند که در بین مسلمانان یازده رکعت بیشتر رواج دارد و بعضی کوشیده اند تا آنرا اثبات کنند ، چنانکه عمر ابن خطاب رضی الله عنه به ابی بن کعب رضی الله عنه امر نمود که یازده رکعت برای مردم امامت کند و همینطور حدیثی از عایشه رضی الله عنها که می گوید پیامبر صلی الله علیه وسلم از یازده رکعت بیشتر نخوانده اند (در بخاری 1147)- ولی با توجه به اینکه بیشتر از این

مقدار هم خوانده شده است،بستگی به طاقت شخص هر چقدر که توانست بصورت دورکعت دورکعت بخواند ،و این قول امام احمد حنبل و ابن تیمیه رحمهم الله است. (کشاف القناع – 425/1 و مجموع الفتاوی ابن تیمیه – 272/22).

ابن تیمیه درکشاف القناع مینویسد :« بنابراین کسانیکه گمان می برند که نمازتراویح در شبهای رمضان مقدار مشخصی داشته که نه کم می شود و نه زیاد،دچار اشتباه شده اند».

همچنین دار الافتا کشور عربستان سعودی در مورد رکعت های نماز تراویح طی فتوای مینویسد :

« باید دانست که بیشتر از یازده رکعت و سیزده رکعت خواندن هیچ ممانعتی ندارد؛ زیرا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ نماز شب را محدود به رکعات مشخصی نکرده اند، بلکه برعکس زمانی که از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ در مورد نماز شب پرسیده شد، فرمودند:« مَثْنَى مَثْنَى؛ فإذا خَشِي أحَدُكُم الصُّبْحَ صَلَّى رَكْعَةً واحِدَه تُوتِرُ لَهُ مَا قَدْ صَلَّى »(متفق علیه، بخاری (990/472)، مسلم.)

(نماز شب دو رکعت، دو رکعت است، پس هر گاه یکی از شما بیم آن را داشت که وقت نماز صبح فرا برسد یك رکعت نماز بخواند و با آن نمازهای قبلیش را وتر کند).

(البته با توجه به بقیه احادیث جایز است نماز وتر، سه یا پنج یا هفت یا نه رکعت خوانده شود) با این توضیح به این نتیجه می رسیم که نماز شب، تراویح ، محدود به عدد مشخص نیست، بنابراین نماز شب در رمضان و غیر رمضان محدود نیست بلکه امر، وسیع است و به هر تعداد که می توانند بخوانند.».

بر این اساس شما می توانید در مسجد خود یازده یا بیست رکعت بخوانید و بهتر است برای هماهنگی و عدم تفرقه همان بیست رکعت را بخوانید، زیرا به طور قطع نمی توان گفت که یازده رکعت سنت است یا بیست رکعت! (هرچند که بنظر یازده رکعت به رای صواب نزدیکتر است).

در ضمن عمل اهل مکه یا مسجدالحرام برای ما مسلمانان حجت نیست بنابراین مایاید تابع کتاب و سنت باشیم نه تابع گروه یا سرزمینی خاص، هرچند که آنها در مسجدالحرام بیست رکعت می خوانند!

استراحت درنماز تراویح:

علماء اتفاق دارند که بعد از هر دوبار دو رکعتی ، یعنی چهار رکعت ، می توان استراحت نمود چرا که سلف صالح نیز چنان کرده اند،آنها نماز طویلی داشته اند و بعد از هر چهار رکعت برای استراحت مقداری می نشستند.

دلیل استراحت بعد از هر چهار رکعت را میتوان در این روایت از عایشه رضی الله عنه ربط داد: « عَنْ عَائِشَةَ رَضِي اللَّه عَنْهَا: أَنَّهَا سُئِلَتْ عَنْ صَلاتِهِ صلى الله عليه وسلم فِي رَمَضَانَ، فَقَالَتْ: مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَلا فِي غَيرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً، يصَلِّي أَرْبَعًا، فَلا تَسَلْ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يصَلِّي أَرْبَعًا، فَلا تَسَلْ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يصَلِّي ثَلاثًا...». (بخاری:1147).

(از عایشه رضی الله عنها دربارة نماز شب رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان، سؤال شد. فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان و غیر رمضان، بیشتر از یازده رکعت، نمی خواند.
ابتدا چهار رکعت می خواند و آنها را بسیار زیبا و طولانی می نمود. سپس، چهار رکعت دیگر میخواند. و آنها را نیز بهمان زیبائی رکعات اول، ادا می کرد. و در پایان، سه رکعت دیگر می‌خواند. (البته فراموش نشود که ذکر این یازده رکعت یکی از استنادات علما ءبه تعداد رکعات تراویح است).
چنانچه ملاحظه می شود ،حدیث اشاره به چهار رکعت چهار رکعت دارد و این فهم را می رساند که پس از هر چهار رکعت ، که در واقع بصورت دو بار دو رکعتی است ،استراحتی صورت گرفته است.

مقدارقرائت قرآن درنماز تراویح:

در مورد اینکه دررکعت های نماز تراویح به چه مقدار قرائت از قرآن کریم بعمل اید ، در شرع در این مورد هم مقدار مشخصی برای خواندن قرآن در سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان نگردیده است .آنچه که وجود دارد آنست که پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز شب را طولانی نموده اند.
بنابراین بستگی به طاقت نمازگزاران تا هرجایی که توانایی داشتند نماز را طولانی کنند. اما برخی از علمای از جمله امام حنبل و امام ابوحنفیه ختم قرآن عظیم الشان را در نماز تراویح در طول ماه مبارک رمضان ،مستحب دانسته اند . (توضیح بیشتر را میتوان درفتح القدیر 335/1 و المغنی ابن قدامه 169/2 مطالعه فرماید).

یادداشت:

دررکعت نماز تراویح چه بشکل انفرادی ادا گردد ویا بشکل نماز جماعت ادا گردد ، خواندن سوره فاتحه و بعد از آن چند آیه کوتاه خوانده شود کدام ممانعتی ندارد ، نباید بصورت حتمی در آن ختم قرآن عظیم الشان صورت گیرد ،ولی خواندن سوره فاتحه که رکن نماز است ویک سوره دیگر کفایت میکند.
در ضمن هیچ دلیلی وجود ندارد که دعاهای شب قدر تماما مستجاب خواهند شد ولی مستحب است که در این شب به ذکر و تلاوت قرآن و دعا و نیایش پرداخت:
طوریکه در فوق یاد اور شدیم :در حدیث شریف آمده است: « من قام لیلة القدر إیمانا واحتسابا، غفر له ما تقدم من ذنبه »(هر کس از روی ایمان و بەقصد قربت شب قدر را (برای نماز و نیاز) بەپا خاست، آنچه که از گناهانش گذشته است بر وی آمرزیده می‌شود».
و اگر هم دعای فرد معتکف در این شب اجابت نشد، باز اجر زیادی به سبب آن دعا ها می برد زیرا دعا خود عبادت است بنابراین جدای از اینکه اجابت می شود یا خیر، به سبب این عبادت دارای اجر و ثواب خواهد شد ان شاءالله.

ختم قرآن عظیم الشان درنمازتراویح:

در دین مقدس اسلام ماه مبارک رمضان به ماه قرآن شهرت دارد، چرا که قرآن عظیم الشان

در این ماه وآنهم در شب لیلة القدر نازل شده، واجر عبادت یکجا با تلاوت وختم قرآن عظیم الشان در این ماه چند برابر میشود، لذا یکی از بهترین اعمالی عبادی که یك شخص مسلمان در این ماه باید انجام دهد کثرت تلاوت قرآن عظیم الشان است،خواه این قرائت در نماز تراویح صورت گیرد و چه خارج از نماز تراویح.
بنابراین، در نماز تراویح و یا تهجد نیز میتوان قرآن عظیم الشان را خواند تا اینکه ختم کرد، و در حدیث صحیح از ابن عباس وارد شده است که: « کان النبی صلی الله علیه و سلم أجود الناس بالخیر، و کان أجود ما یکون فی رمضان حین یلقاه جبریل، و کان جبریل علیه السلام یلقاه کل لیلة فی رمضان حتی ینسلخ، یعرض علیه النبی صلی الله علیه و سلم القرآن، فإذا لقیه جبریل کان أجود بالخیر من الریح المرسلة» (متفق علیه)
یعنی:« پیامبر صلی الله علیه و سلم سخاوتمندترین مردم از لحاظ خیر بود و در ماه رمضان وقتی که جبرئیل او را ملاقات می‌کرد بیشتر سخاوتمند می‌شد، و جبرئیل هر شب در ماه رمضان تا پایان ماه با او ملاقات می‌کرد و پیامبر صلی الله علیه و سلم قرآن را بر او می‌خواند و وقتی که جبرئیل با اوملاقات می‌کرد، او برای بخشش خیر، از تندباد سریعتر می‌شد» .
و میتوان گفت که قرائت کل قرآن در نماز تراویح یك نوع از این مدارسه بشمار میرود زیرا تمامی قرآن را مرور میکند، لذا امام احمد بن حنبل دوست داشت کسی که امامت را بعهده بگیرد تمامی قرآن را در نماز تراویح ختم کند، لذا اگر تمامی قرآن در نماز مراجعه و ختم شود بهتر است زیرا تمامی آیات قرآن مرور میشود، ولی نباید بحجت ختم کردن قرآن به سرعت قرائت طوری افزود که معلوم نشود امام چه میخواند و خشوع را از بین ببرد، وگرنه آرام تر خواندن و کمتر خواندن قرآن از این بی خشوعی بهتر است و لو اینکه قرآن را با آن بی خشوعی ختم کند.
نا گفته نماند که ائمه اربعه در ماه رمضان معمولا دروس علمی و حدیث را تعطیل میکردند و فقط مشغول خواندن قرآن میشده اند.

تلاوت قرآن برای امام از روی مصحف در نماز تراویح :

علماء بدین عقیده اند که در قیام رمضان خواندن قرآن عظیم الشان از روی مصحف کدام ممانعت شرعی ندارد ، چون از این طریق مقتدیان تمام قرآن را می‌شنوند و دلایل شرعی کتاب الله و سنت رسول‌الله از مشروعیت قرائت قرآن در نماز حکایت دارند و این دلایل عام است و قرائت قرآن را در نماز چه از حفظ و چه از روی مصحف شامل می‌شود.
ثابت شده که امالمؤمنین عائشه رَضِی اللَّهُ عَنْهُا به برده‌ی آزاد شده‌اش (ذکوان) دستور داد تا او را در قیام رمضان امامت دهد و ذکوان در نماز از روی مصحف قرآن می‌خواند .
برای معلومات مزید مراجعه شود :(بخاری. کتاب الجماعة و الامامة، باب امامة العبد و المولی.بعد (691).

حضرت عمر ونماز تراویح:

در نزد تعداد از مسلمانان شایع طوری است که حضرت عمر بن خطاب، رضی الله عنه، در مورد نماز تراویح فرموده که :«نعمت البدعة هذه» این بدعت خوبی است؟ اگر واقعآ این

فرموده حضرت عمر (رض) باشد پس چرا ما سایر بدعت ها را گمراهی بنامیم ؟
حتی برخی از متأُخرین به این سخن حضرت عمر رضی الله عنه استدلال کرده و آن را مخصص «کل بدعة ضلالة»یعنی هر بدعتی گمراهی است، قرار داده اند.
در جواب باید گفت:این استدلال مردود است؛چرا که مشروعیت نماز تراویح به نص حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده است.
از جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که «وقتی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به همراه مردم یکی از شبهای ماه رمضان را احیا می کرد، هشت رکعت نماز (تراوح)می خواند و (بعد از آن)نماز وتر را بجای می آورد».(این حدیث صحیح است که طبرانی در «المعجم الصغیر»و ابن حبان در صحیح خود آن را روایت کرده اند و این حدیث به صراحت نشان می دهد که نماز تراویح بدون نماز وتر هشت رکعت است.)
مشروعیت به جماعت خواندن نماز تراویح هم بدین خاطر است که پیامبر صلی الله علیه وسلم سه شب آن را با اصحاب به صورت جماعت خوانده است ، ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم از ترس اینکه مبادا نماز تراویح بر مسلمانان واجب گردد از آن پس آن را به صورت جماعت نخوانده است.
دلیل این امر حدیثی است که مسلم وبخاری از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت کرده اند که در آن آمده است :«ولکن خشیتُ أن تفرض علیکم فتعجزوا عنها»«ولی ترسیدم که (نماز تراویح) بر شما واجب گردد و از عهده آن بر نیایید».
اما با تمام شدن وحی ترس واجب شدن نماز تراویح منتفی گردید، و در نتیجه مستحب بودن به جماعت خواندن آن به حالت خود باقی ماند؛ چرا که علت و معلول در وجود و عدم با یکدگر مرتبط هستند.
با توجه به آنچه گفته شد در می یابیم که بدعت به اصطلاح شرعی تنها در موارد مذ موم به کار می رود ولی در لغت هر چیزی که بدون نمونه قبلی به وجود بیاید ،بدعت نامیده می شود ؛ خواه محمود و پسندیده باشد و یا مذموم و ناپسند.
شیخ الاسلام ابن تیمه رضی الله عنه در این باره گفته است:«اما قول عمر رضی الله عنه که گفته است:نعمت البدعة هذه، اکثر کسانی که به آن استدلال کرده اند اگر بخواهیم چیزی را که هیچ مخالفتی با سنت نبوی ندارد با سخن عمر رضی الله عنه ثابت کنیم ، می گویند قول صحابی حجت نیست. پس اگر قول عمر رضی الله عنه مخالف حدیث نبوی باشد به طریق اولی نباید به آن اعتقاد داشت.
ولی در هر دو صورت معارضه حدیث با قول صحابی صحیح نیست.بلی ، تخصیص عموم حدیث (که به دو صرت روایت شده است) با قول صحابی که با یکی از ده روایت حدیث مخالفتی ندارد، صحیح است.و این تنها ب حسن بدعت مورد نظر صحابی دلالت می کند نه غیر آن. و تنها چیزی که در سخن عمر وجود دارداین است که به جماعت خواندن نماز تراویح را بدعت حسنه نامیده است، و این نامگذاری یک نامگذاری لغوی است نه شرعی.
و این بدین خاطر است که بدعت لغوی بر هر چیزی که بدون نمونه ی قبلی انجام گرفته باشد

اطلاق می شود در حالی که بدعت شرعی آن است که مستند به یک دلیل شرعی نباشد.
پس اگر نصی از رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشته باشد که بر مستحب بودن و یا وجوب کاری بعد از مرگ پیامبرصلی الله علیه وسلم و یا به طور مطلق دلالت کند و تنها بعد از مرگ پیامبر بدان عمل شود مانند صدقه(بردن میراث پیامبران)که ابوبکر رضی الله عنه آن را روایت کرده است ، پس اگر کسی بعد از مرگ پیامبر صلی الله علیه وسلم آن کار را انجام دهد ، می تواند کار او را در لغت بدعت نامید؛ چرا که از ابتدا و بدون نمونه ی قبلی آن را انجام داده است.
همان طور که دینی که پیامبر صلی الله علیه وسلم آورده است در لغت بدعت و محدث نامیده می شود.« شاهد این امر آیه 2 از سوره ی انبیا است که می فرماید: « مَا يأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحْدَثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يلْعَبُونَ»هیچ بخش تازه ای از قرآن از سوی پروردگارشان بدیشان نمی رسد مگر اینکه آن را(به شوخی)می شنوند و به بازی می گیرند».در این آیه هیچ دلیلی مبنی بر مخلوق بودن قرآن وجود ندارد.) کاری که مستند به کتاب و سنت باشد ، اگر چه در لغت بدعت نامیده شود ، در اصطلاح شرعی بدعت به حساب نمی آید؛ چرا که لفظ بدعت در لغت عام تر از اصطلاح شرعی آن است. و معلوم است که منظور پیامبر از «کل بدعة ضلالة »هر کاری که از ابتدا و بدون نمونه ی قبلی انجام گیرد نیست، بلکه منظور وی اعمالی است که وی آن ها را تشریع نکرده است.(تفصیل موضوع : ابن تیمیه،اقتضاء الصراط المستقیم،مخالفة أصحاب الجحیم، ص277-275).

اذکاروارده در نماز تراویح:

در مورد اینکه در فاصله چهار رکعتی در نماز تراویح چه اذاکار واوراد خوانده شود ، مطابق روایات اسلامی هیچ ذکر و اوراد مشخص و معینی در این استراحتها وجود ندارد و تشریع نشده است چنانکه برخی از مسلمانان بنابر به ابتکار وزعم خویش در بین این استراحتها به خواندن بعضی از اوراد و اذکار بدعی مبادرت می ورزند.
ولی مصلین میتوانند در بین این استراحت اذاکاری مانند : استغفر الله، سبحان الله، الحمد لله، و غیره، با خود بخوانند تا اینکه امام دوباره شروع به نماز کند، ولی اگر خواندن این اذاکار با صدای بلند باشد و یا با هم بصورت جماعی باشد ، بدعت است، زیرا از پیامبر صلی الله علیه و سلم و اصحابش چنین چیزی وارد نشده است.
اما در مورد «**سبحان الملک القدوس**» سنت است که بعد از نماز وتر 3 مرتبه خوانده شود ولی در دفعه سوم این جمله را اضافه میکنید (رب الملائکة و الروح) و کمی با صدای بلند تر آنرا میگویید و صدایت را کمی میکشید (روایت نسائی و دار قطنی).
خوانندگان محترم !
غرض معلومات باید به عرض برسانم که در افغانستان عزیز ما معمولآ دعای ذیل توسط یکتن از نماز گزاران به آواز بلند خوانده میشود: « سبحان ذی الملك والملکوت ، سبحان ذی العزة والعظمة والقدرة والکبریا ء والجبروت ،سبوح ، قدوس ربنا ورب الملا ئکة والروح».

ویا دعای ذیـل:
سبحان ذی الملک و الملکوت، سبحان ذی العزه و العظمه و القدره و الکبریاء و الجبروت، سبحان الملک الحی الذی لاینام و لایموت، سبوح قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح، لا اله الا الله نستغفر الله نسئلک الجنه و نعوذ بک من النار، سبحان ذی الملک و الملکوت، سبحان ذی العزه و العظمه و القدره و الکبریاء و الجبروت، سبحان الملک الحی الذی لاینام و لایموت، سبوح قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح، لا اله الا الله نستغفر الله نسئلک الجنه و نعوذ بک من النار، سبحان ذی الملک و الملکوت، سبحان ذی العزه و العظمه و القدره و الکبریاء و الجبروت، سبحان الملک الحی الذی لاینام و لایموت، سبوح قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح، لا اله الا الله نستغفر الله نسئلک الجنه و نعوذ بک من النار، یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین، یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام.

چرا نمازتراویح رابا جماعت خواند :

نماز تراویح به علتی در ماه مبارک رمضان به بصورت جماعت خوانده می شود، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم سه روز در شبهای رمضان بعد از نماز عشاء، نماز تراویح (نماز شب) را در مسجد خواندند و مردم نیز به او اقتداء کردند و همراه او بصورت جماعت نماز شب (تراویح) خواندند، ولی شب چهارم که مردم منتظر بودند تا ایشان بیایند، ایشان خودداری کردند و هنگامی که علت نیامدن را از ایشان پرسیدند، فرمود: می ترسیدم اگر همچنان ادامه دهم، خدا آن نماز را بر شما فرض گرداند و شما نتوانید آنرا انجام دهید.
یعنی در آن چند شب آن قدر مردم برای نماز شب جمع شدند و رغبت نشان دادند که پیامبر صلی الله علیه وسلم نگران آن بود مردم آن را فرض تلقی کنند و بعداً از ادای آن عاجز شوند، پس پیامبر آن را در مسجد ترک کرد تا بدانند که جماعت خواندن نماز شب در ماه رمضان واجب نیست، بلکه مستحب است، سپس خود ایشان باقیمانده ماه رمضان را در خانه نماز خواند.

و چون قاعده اینگونه است که:
با وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم وحی قطع می گردد، و لذا تشریع تمام می شود و دیگر ترس از تشریع باقی نمی ماند، و صحابه این موضوع را می دانستند که چون مانع نمانده پس اینبار انجام مداوم آن (جماعت خواندن نماز شب در رمضان) نیز بلامانع می شود.
برای همین بود که در زمان خلافات امیر المومنین حضرت عمر رضی الله عنه دید که مسلمانان در ماه مبارک در مسجد تعدادی بطور انفرادی نماز تراویح بجاء میاورند وتعدادی هم دو نفر دو نفر و سه نفر سه نفر کنار هم هستند وبطور نماز جماعت نماز تروایح بجا ء میاورند .
بنا ء به صحابه جلیل القدر «ابی بن کعب » رضی الله عنه گفت که شما بحیث امام نماز، نماز تراویح را بطور جماعت برای مسلمانا ن پیش ببر واصحاب رسول صلی الله علیه وسلم بر آن اجماع کردند و کسی مخالفت هم نکرد وحضرت عمر مطمین بود که دیگر مسلمانان آنرا فریضه تلقی نمی کنند.

بعبارتی چون دیگر خوف واجب شدن نماز باقی نمانده بود، لذا صحابه هم با خیال راحت آن نماز را برپا می داشتند چرا که مانعی را که در زمان حیات رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود داشت ، که مبادا نماز فرض شود ، دیگر وجود نداشت.
پس نماز تراویح (نماز شب در رمضان) سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، و قطعا و بدون تردید اگر رسول خدا صلی الله علیه وسلم آن سه شب را در مسجد نماز نمی خواندند، صحابه نیز آنرا نمی دانستند و چیزی را با عنوان نماز تراویح در شبهای رمضان نمی خواندند، پس آنها به پیامبرشان اقتداء کردند و از او الهام گرفتند.
در ضمن علاوه بر نماز تراویح، احادیث صحیح دیگری نیز وجود دارند که دیگر نوافل را نیز می توان بصورت جماعت خواند. چنانکه عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید:
«صَلَّيتُ مَعَ النَّبِي صلى الله عليه وسلم لَيلَةً، فَلَمْ يزَلْ قَائِمًا حَتَّى هَمَمْتُ بِأَمْرِ سَوْءٍ، قُلْنَا: وَمَا هَمَمْتَ؟ قَالَ: هَمَمْتُ أَنْ أَقْعُدَ وَأَذَرَ النَّبِي صلى الله عليه وسلم. (بخاری:1135).
یعنی: شبی، با رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز شب، خواندم. ایشان قیام را به اندازه ای طولانی کرد که من تصمیم بدی گرفتم. پرسیدند: چه تصمیمی گرفتی؟ گفت: تصمیم گرفتم که بنشینم و رسول الله صلی الله علیه وسلم را تنها بگذارم.

ذکرلفظ « نماز تراویح » در احادیث:

قابل تذکر است که: در احادیث لفظ صریحی ذکری بنام « نماز تراویح » وجود ندارد .
در حقیقت نمازی که تراویح نامیده می شود ، و این لفظ بخاطر خصوصیت آن نماز بر آن گذاشته شده ، همان نماز شب (صلاة اللیل) است که در ماههای رمضان بعد از عشاء (بصورت جماعت) خوانده می شود، و این اسم (تراویح) را به آن جهت بر نماز شب رمضان گذاشته اند چون نمازگزاران ابتدا چهار رکعت را می خوانند که در آن قیام و رکوع و سجود را طولانی می کند و هرگاه این چهار رکعت اول را تمام کردند اندکی استراحت می کنند، سپس چهار رکعت طولانی دیگر را می خوانند، بعد از آن دوباره اندکی استراحت می کنند، سپس سه رکعت نماز دیگر را می خوانند. یعنی چون نماز شبهای رمضان را طولانی می خوانند ، چرا که فضیلت آن در رمضان بیشتر است ، لذا برای آنکه انرژی لازم را برای کامل کردن یازده رکعت را داشته باشد، اندکی ما بین این رکعتها استراحت می کنند و از همین ویژگی آن است که به آن تراویح نام نهادند.
از عایشه رضی الله عنها درباره نماز شب رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان، سؤال شد، ایشان گفتند: « مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَلا فِي غَيرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً، يصَلِّي أَرْبَعًا، فَلا تَسَلْ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يصَلِّي أَرْبَعًا، فَلا تَسَلْ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يصَلِّي ثَلاثًا...». (بخاری:1147)
یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان و غیر رمضان، بیشتر از یازده رکعت، نمی خواند. ابتدا چهار رکعت می خواند و آنها را بسیار زیبا و طولانی می نمود. سپس، چهار رکعت دیگر میخواند. و آنها را نیز بهمان زیبائی رکعات اول، ادا می کرد. و در پایان، سه رکعت دیگر می‌خواند.

بنابراین ماهیت واقعی این نماز؛ همان نماز شب است که در شبهای رمضان بصورت جماعت اداء می شود. چنانکه وقتی که صحابه برای شب چهارم منتظر پیامبر صلی الله علیه وسلم بودند و از علت نیامدنش پرسیدند، ایشان فرمودند: «..ولکنی خشیت أن تُفرض علیکم صلاة اللیل فتعجزوا عنها». مسلم (1271).یعنی: ترسیدم که نماز شب بر شما فرض گردد و شما از خواندن آن ناتوان شوید.که در این حدیث از آن بعنوان « نماز شب» اسم برده شده است، ولی چون جماعت خواندن نماز شب مخصوص ماه رمضان است و در دیگر ماهها نماز شب را بصورت جماعت نمی خوانند، لذا اسم مجزائی بنام تراویح به خود گرفته است که بیانگر استراحتی است که نمازگزاران بین هر چهار رکعت طولانی می کنند.

خلاصه اینکه:

خصوصیت که نماز شب در ماه رمضان دارد اینست که: جماعت خواندن آن مستحب است، و نیز طولانی خواندن آن اجر و ثواب دارد، از اینرو این نماز (نماز شب) در ماه ر مضان مشخصه ای بخود گرفته که در دیگر ایام سال چنین نیست، و هرگاه اسم تراویح ذکر شود، یعنی نماز شبی که جماعت خواندنش تنها مخصوص رمضان است.

نماز تراویح پیامبر صلی الله علیه وسلم:

همانطور یکه در فوق تذکر یافت : پیامبر صلی الله علیه وسلم این نماز را (بصورت جماعت) فقط سه شب در مسجد خواندند، ولی در دیگر شبها آنرا بصورت جماعت نخواندند و به مسجد نرفتند، زیرا از این بیم داشت که ادامه این روند موجب شود که خدای متعال آن نماز را بر امتش واجب گرداند ولی آنها نتوانند آن فرض را انجام دهند، و در احادیث صحیح وارد شده که ایشان تا سه روز این نماز را بصورت جماعت برپا داشتند و در شب چهارم نیامدند و هنگامی که علت را پرسیدند، فرمود: « رأیت صنیعکم فلم یمنعنی من الخروج الیکم الا إنّی خَشِیتُ أَنْ تُفرض عَلَیکُمْ ».(بخاری 1129).

یعنی: «گرد آمدن شما را دیدم ولی چیزی مانع آن نشد که ،برای نماز جماعت ، به سوی شما بیایم مگر آنکه ترسیدم که ، نماز تراویح ، بر شما فرض گردد».

همچنین در حدیث صحیح دیگری پیامبر صلی الله علیه وسلم به خواندن این نماز تشویق می کنند، چنانکه می فرمایند: «مَنْ قَامَ مَعَ الْإِمَامِ حَتَّى يَنْصَرِفَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ قِيَامَ لَيلَةٍ». صحیح النسائی (1604).

یعنی: هرکس همراه امام نماز شب بخواند تا آنکه تمام می شود، خداوند متعال اجر نماز شب را برای وی می نویسد.

بنابراین نماز تراویح (یا همان نماز شبهای رمضان) دارای اصلی ثابت است، و پیامبر صلی الله علیه وسلم حتی در غیر رمضان هم یازده رکعت خوانده اند، و تنها ویژگی این نماز این بوده که در ماه رمضان بعد از نماز عشاء و بصورت جماعت برپا می شود، درحالیکه نماز شب، این خصوصیت را در دیگر ایام سال ندارد و هرکس که خواست می تواند نماز شب بخواند یا نخواند.

تعداد رکعت های نماز تراویح برویت احادیث:

طوریکه در فوق یاد اور شدیم که : پیامبر صلی الله علیه وسلم صرف به مدت سه روز در در مسجد نماز تراویح را خواندند .بعد از سه شب نماز تراوایح از خوف اینکه بر امتش فرض نشود در خانه خویش بجاء میاوردند .

از فهم این حدیثی طوری استنباد مینمایم که هدف نبی اکرم صلی الله علیه وسلم گرفتن آسانی در نماز تراویح بر امتش بود . وفلسفه کلی دین مقدس اسلام آسانی بر پیروان شان میباشد .

طوریکه متذکر شدیم در زمان خلافت حضرت حضرت عمر(رض) باردیگر نماز تراویح در مسجد به صورت جمعی ازسر گرفته شد اما اینکه چند رکعت نماز تراویح بعمل اوردند به احادیثی ذیل مراجعه مینمایم :

اول :

در حدیثی که از حضرت عائشة(ص) روایت گردیده ، آمده است « عن ابی سلمة بن عبدالرحمن انه سال عائشة رضی الله عنها کیف کانت صلوة رسول الله(ص) فی رمضان؟فقالت ما کان رسول الله (ص) یزید فی رمضان و لا فی غیره علی احدی عشرة رکعة.(صحیح بخاری1147) (از ابی سلمة بن عبدالرحمن نقل شده که از حضرت عائشة رضی الله تعالی پرسید:نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان چگونه بود؟ حضرت عائشة (رض) جواب دادند:رسول الله صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان و غیر از آن بیشتر از یازده رکعت نماز نمیخواند.).

قابل توجه است که سوال ابی سلمه بصورت مشخص در باره نماز در ماه رمضان صورت پذیرفته است ، که همان نماز تراویح میباشد . وتوضحیات ام المومنین بصورت واضح همین بود که نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم ، بیشتر از یازده رکعت چیزی دیگری نبود.

تعداد از علماء از این حدیث چنین نتیجه میگیرند که هدف از حکم این حدیث نماز تهجد است! که این استنباط از فهم حدیث مغایر میباشد ، چرا موضوع سوال ابی سلمه نماز در رمضان ، وهیچگونه ربطی به نماز تهجد ندارد . هدف از یازده رکعت همان هشت رکعت نماز تراویح و سه رکعت وتر است که تعداد کثیری ازعلماء بر این حکم اجماع دارند.

دوم:

در حدیثی که در نماز تراویح از عمربن خطاب مشهور است آمده : « عن سائب بن یزید انه قال امر عمر بن خطاب رضی الله عنه ابی بن کعب و تمیما الداری ان یقوما للناس باحدی عشرة رکعة.(موطا امام مالک باب قیام الرمضان مع کشف الغطاء98).

(ترجمه: از سائب بن یزید روایت است که گفت: عمر بن خطاب به ابی بن کعب و تمیم داری دستور داد تا به مردم یازده رکعت نماز بخوانند.).

این حدیث در کتاب موطا امام مالک در باب قیام ماه رمضان بیان شده و نشانگر کیفیت نماز در دوران عمربن خطاب در ماه رمضان است به دلیل اینکه در این باب بیان شده است.

امام محمد رحمة الله علیه که یکی از شاگردان ارشد امام ابوحنیفه رحمة الله علیه است و اکثر

تصنیفهای احناف از همین امام است ودر میان تصانیفش موطا امام محمد امتیاز و جایگاه خاصی دارد که در باب قیام شهر رمضان مولانا عبدالحی حنفی رحمة الله علیه حاشیه بنام تراویح آورده و برای بیان تعداد رکعات تراویح حدیث حضرت عائشه را که فوق ذکر شد ، عنوان نموده « رسول صلی الله علیه وسلم نه در رمضان و نه در غیر آن بیشتر از هشت رکعت نماز نخوانده است » (موطا امام محمد138 و درحاشیه صفحه 139) ودر همین کتاب میگوید:(و بهذا کله ناخذ) یعنی به این عمل میکنیم . و اصلا هیچ ذکری از بیست رکعت تراویح نیست.

سوم:

علامه بدر الدین عینی حنفی رحمة الله علیه: یکی از علماء نامدار ویکی از مراجع عمده در مذهب حنفی میباشد ، موصوف در مورد رکعات نماز تراویح در کتاب خویش بنام عمدة القاری شرح بخاری جلد هفت صفحه هفتاد و هفت مینویسد : « فان قلت لم یبین فی الروایات المذکورة عدد الصلوة التی صلاها رسول الله (ص) فی تلک اللیالی،قلت روی ابن خزیمة و ابن حبان من حدیث جابر رضی الله عنه قال صلی بنا رسول الله(ص) فی رمضان ثمان رکعات ثم اوتر » (اگر بگویید که در روایتهای موجود تعداد رکعات تراویح که رسول الله صلی الله علیه وسلم شبهای رمضان آنها را خوانده بیان نشده جواب میدهم و میگویم که ابن خزیمة و ابن حبان از حدیث جابر (رض) از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نقل کرده است که نبی صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان ما را هشت رکعت نماز داد سپس وتر را خواند.)

چهارم:

روایت ابن همام حنفی رحمة الله علیه:ابن همام حنفی رحمة الله علیه در کتاب فتح القدیر شرح الهدایة جلد 1 صفحه334 طبع مصر و بع نولشکور جلد 1 صفحه 198 و مسالک الختام جلد1صفحه 288 در مورد تعداد رکعات تراویح مینویسد :« ان قیام رمضان سنة احدی عشرة رکعة بالوتر فی الجماعة فعله علیه السلام » (قیام رمضان سنتش یازده رکعت است همراه با وتر در جماعت که رسول صلی الله علیه وسلم بر آن عمل میکرد.)

همچنین در حاشیه فیض الباری جلد2 صفحه 420 مینویسد : « و فی فتح القدیر ان ثمانیة منها سنة موکدة و ما بقی فمستحب » (در فتح قدیر هشت رکعت سنت موکدة و باقی مستحب است.)

پنجم:

روایت مولوی محمد احسن نانوتوی رحمة الله علیه:مولوی محمد احسن نانوتوی رحمة الله علیه در حاشیه کنز دقائق ص 36 مینویسد :« لان النبی (ص) لم یصلها عشرین بل ثمانیا » (چون نبی صلی الله علیه وسلم بیست رکعت نخوانده بلکه هشت رکعت خوانده است.)

ششم:

روایت مولانا عبدالحی لکنهوی حنفی رحمة الله علیه:

مولانا عبدالحی لکنهوی حنفی رحمة الله علیه یکی از علماء جلیل القدر مذهب احناف بوده ،وی در کتاب عمدة الرعایة جلد1 ص 207 مینویسد : « و اما العدد فروی ابن حبان و غیره

انه صلی بهم فی تلک اللیالی ثمان رکعات و ثلاث رکعات وترا » (اما تعداد رکعات از حدیث ابن حبان و غیرش ثابت است که رسول صلی الله عیه وسلم در آن شبها یعنی رمضان هشت رکعت تراویح و سه رکعت وتر بر جماعت نماز میداد.)

هفتم :

روایت مولانا انورشاه کشمیری دیوبندی رحمة الله علیه:

مولانا انورشاه کشمیری دیوبندی رحمة الله علیه نیز از علماء معتبر ویکی از مراجع احناف بشمار میرود ، موصوف در مورد نماز تراویح در العرف شذی ص 309 مینویسد « و لا ناص من تسلیم ان تراویح (ع) کانت ثمانیة رکعات و لم یثبت فی روایة من الروایات انه علیه السلام صلی تراویح و التهجد علحدة فی رمضان » (بجز تسلیم و قبول این قول چاره ایی دیگر نیست که تراویح نبی(ص) هشت رکعت بود و در هیچ روایتی هم ثابت نیست که رسول صلی الله علیه وسلم در ماه رمضان تراویح و تهجد را جداگانه خوانده است.)

هشتم:

روایت مولانا رشید احمد گنگوهی حنفی:

مولانا رشید احمد گنگوهی حنفی نیز یکی ازعلماء معتبر و مراجع مذهب احناف بشمار میرود ، موصوف در مورد تراویح در رساله الحق الصرح ص 22 به زبان اردو مینویسد : « یازده رکعت تراویح با وتر از نبی صلی الله علیه وسلم ثابت و موکد میباشد.)

ولی آنعده از علمای که معتقد به بیست رکعت نماز تراویح اند وبر حدیثی که به : حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه نسبت داده شده است ، باید گفت :

به اجماع محدثین راوی مرکزی این حدیث ابوشیبه ابراهیم بن عثمان بوده که بالاتفاق سند آن را ضعیف و غیر معتبر و مجروح مطرح کرده اند. وهمه علما ء از جمله :

1-امام احمدبن حنبل2- امام بخاری3- امام مسلم4-امام یحیی بن معین5-امام ابوداوود6-امام ترمزی7-امام نسایی8-امام ابی حاتم 9-امام جوزجانی10-امام ذهبی11-امام دارقطنی12-امام ابن عبدالبر امام ابن حجر13-امام بن عدی14- امام نووی و غیره همه این حدیث بیست رکعت را بدلیل وجود ابی شیبه ابراهیم بن عثمان ضعیف یا مجروح تلقی کرده اند.)

خواننده محترم:

تعداد کثیری از حدیثی در این باب وجود دارد که حکم مینمایند که تعداد رکعت های نماز تراویح هشت رکعت میباشد . ولی امروز مسلمانان حتی در مسجد مکه ومدینه بتعداد بیست رکعت نماز تراویح بجا میاورند که در مورد آن نباید مخالفت صورت گیرد .

در این هیچ جای شک نیست که مسجد مکه یعنی حرم شریف ومسجد نبوی در مدینه به تعداد بیست رکعت نماز ترویح میخوانند ولی در سایر مساجد در ماه مبارک رمضان به تعداد هشت رکعت نماز ترویح بجا میاورند ، خواندان نماز ترویح چه هشت رکعت باشد ویا بیست رکعت کدام مانعتی ندارد . مهم آنست که ماه مبارک رمضان ماه عبادت ودوعا است وهرچه زیاد عبادت ودعا وتلاوت وختم قرآن عظیم الشان صورت گیرد ثواب بیشتر نصیب انسان میگردد.

نماز تراویح بیست رکعت است:

تعداد از علمآ ء استدلال میاورند که نماز تراویح در زمان خلافت حضرت عمر بیست بعمل آمد واجماع صحابه نیز بر بیست رکعت نماز بعمل آمد .

بنابر همین علت است که : کمتر از آن در زمان خلافت حضرت عثمان وحضرت علی رضی الله عنهما وبعد از آن در زمان تابعین وتبع تابعین که خیر القرون هستند ثبوتی ندارد وائمه مذاهب چهارگانه نیز بر این متفق اند که تراویح کمتر از بیست رکعت نیست . واز همان زمان که اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم بر این امر اجماع نمودند تا به امروز در جهان اسلام در همه مساجد بیست رکعت نماز تراویح با جماعت خوانده می شود.

مهمتر ار همه اینکه در مسجد الحرام در مکه و مسجد النبی در مدینه نماز تراویح بیست رکعت خوانده می شود اگر پیامبر صلی الله علیه وسلم هشت رکعت می خواند و حضرت عمر رضی الله عنه هم بر آن همان تعدادعمل می کرد وبه آن دستور می داد همان جاری می شد و مردم بر آن عمل می کردند.

اما جای تعجب است که برخی اصرار دارند که پیامبر صلی الله علیه وسلم با وتر بیش از یازده رکعت نخوانده و حضرت عمر رضی الله عنه هم همان تعداد را جاری ساخته پس بر آنان لازم است که ثابت کنند در زمان حضرت عثمان و حضرت علی رضی الله عنهما و در زمان تابعین رضی الله عنهم و بعد از آن هم مردم به همین تعداد قیام می کردند و مشخص کنند که بیست رکعت را چه کسی رواج داد و از چه زمانی شروع شد؟ واین سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و حضرت عمر رضی الله عنه را چه کسی در مسجد الحرام و مسجد النبی تغییر داد؟

خداوند روزه را در روزهای ماه مبارک رمضان بر مسلمانان فرض کرد و به پاداشتن شب های رمضان از سنت های رسول الله صلی الله علیه و سلم می باشد. أبوهریره رضی الله عنه روایت می کند: که رسول الله مسلمانان را به نماز شب تشویق می نمود و می فرمود: (هرکس شبهای رمضان را با ایمان و برای کسب ثواب مشغول نماز شب باشد گناهان گذشته اش بخشیده می شود) و هرکسی که نماز تراویح آنچنان که شایسته است بخواند او شب های رمضان را برپا داشته است.

نماز تراویح همان نمازی است که مسلمانان آن را به جماعت بعد از نماز عشاء ادا می کنند.

رسول الله نماز تراویح را سنت قرار داد و دو یا سه شب آن را به صورت جماعتی برگزار کرد و سپس از ترس اینکه مبادا این نماز بر مسلمانان فرض شود به صورت جماعتی خواندن را ترک کرد و صحابه نماز تراویح را تا اوایل خلافت عمر به صورت فرادی می خواندند. تا زمانیکه بار دیگر عمر رضی الله عنه تراویح را به صورت جماعتی به امامت أبی بن کعب برگزار نمود.

تعدادرکعت های نماز تراویح در روایات اسلامی :

در روایت امام بخاری تعداد رکعات نماز أبی بن کعب را ذکر نکرده است و در روایت های دیگری تعداد رکعات های نماز تراویح را در بین 11 و 13 و 21 رکعت(با وتر) ذکر شده

است.
حافظ ابن حجر می گوید احتمال دارد این تفاوت تعداد رکعات ناشی از طولانی و کوتاه بودن قرائت و نماز بوده است به گونه ای که هر چه قرائت طولانی تر بوده است تعداد رکعات کمتر بوده است.
گفته اند آنان سوره های طولانی را در نماز می خواندند، به گونه ای که به خاطر طولانی بودن نماز بر عصا تکیه می کردند.
در زمان عمر بن عبد العزیز در مدینه 36 رکعت تراویح و 3 رکعت وتر می خواندند.
امام شافعی می گوید: در مدینه دیدم که 39 رکعت می خواندند و در مکه 23 رکعت و هیچ کدام ان هم ممانعتی ندارد.
و بعضی از سلف و گذشتگان 40 رکعت نماز تراویح هم خوانده اند.(تفصیل موضع را میتوان در کتاب فتح الباری به تفصیل مطالعه فرماید).

خوانـندۀ محترم!

تا زمانی که نماز دارای خشوع و آرامش است، هیچ کدام از این تعداد رکعت ها همچنان که امام شافعی گفت اشکالی ندارد و شایسته نیست کسی دیگری را رد کند.
اگر میخواهد 11 رکعت نماز تراویح بخواند او ازروش رسول الله صلی الله علیه وسلم پیروی کرده است. طوریکه در حدیثی بی بی عائشه (رض) این موضوع با تمام صراحت بیان گردیده است که : «پیامبرصلی الله علیه وسلم در رمضان و غیر رمضان از 11 رکعت بیشتر نمی خواند.» (امام بخاری و دیگران این حدیث را روایت کرده اند.).
کسی که 23 رکعت نماز تراویح میخوانند ، از آنچه در زمان حضرت عمر (رض) رایج بوده است پیروی کرده است و ما در احادیثی متعدادی مکلف شده ایم که : از سنت و روش خلفاء راشدین متابعت کنیم.
و کسی که 39 یا 41 رکعت نماز تراویح میخواند نیز از عمل اهل مدینه در خیر القرون پیروی کرده است.
از یاد باید نبریم که نماز بهترین عبادت است، ولی تعداد رکعات نماز شب در رمضان و غیر رمضان تعیین و تحدید نشده است. لذا کسی نمی تواند بر کسانی که 20 رکعت نماز تراویح میخواند ، انتقاد نماید .که گویا اینان با سنت پیامبرصلی الله علیه وسلم مخالفت کرده اند .
و هم چنین نمی توان بر کسانی که 8 رکعت نماز تراویح میخوانند انتقاد واعتراض نمود که گویا اینان مخالف با سلف و خلفاء عمل می کنند.
گرچه بنظر من بهتر خواهد بود که مطابق به روش پیامبر صلی الله علیه وسلم باید نماز تراویح خویش را بجا ء اوریم ، چون خداوند جز بهترین را برای پیامبر راضی نمی شود و آن 11 رکعت با وتر همراه با طولانی کردن قرائت و نماز می باشد.
ولی امروز ما شاهد هستیم که در برخی از مساجد نمازگزاران ما در ماه مبارک رمضان نماز تراویح را با چنان سرعت میخوانند که حد اقل خشوع وخضوع درآن مراعات نمیگردد.
در حالیکه خداوند پروردگار با عظمت ما می فرماید:« قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ، الَّذِينَ هُمْ فِي

صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ » (سوره مؤمنون- 1و2).
شیخ الاسلام ابن تیمیه در خصوص مشروعیت و صحت همه این حالت ها و تعداد رکعت ها سخنان کامل و سودمندی دارد. ایشان می گوید:(ثابت شده است که أبی بن کعب 20 رکعت تراویح و 3 رکعت وتر را امامت می کرده است، لذا بسیاری از علماء معتقدند که این تعداد رکعت سنت است، چون أبی بن کعب در میان مهاجرین و انصار نماز خوانده است و هیچ کدام از آنها ایراد وانتقادی در مورد نگرفته اند و هیچ یکی از صحابه هم کار أبی بن کعب را انکار نکرده اند.برخی دیگر از علماء با توجه به عمل گذشتگان اهل مدینه، 39 رکعت نماز تراویح را مستحب می دانند.

اعتکاف :

اعتکاف در لغت به معنای بند بودن ، توقف یا درنگ کردن ، در جایی میباشد .
ودر اصطلاح شرعـــی اعتکاف عبارت است : از اینکه انسان از همـه تعلقات ومصروفیت های دنیوی از زن و از فر زندان خویش جدا گشته ، از همه مصروفیت های خا نوادگی وخوا هشات نفسانی خویش ببرد ، وفکر وعمل خویش را با تمام توانایی های خویش به عبادت خداوند مصروف سازد. اعتکاف در دهه اخیر رمضان سنت مؤکد بـــوده واگر از یك قریه یك شخص نیز اعتکاف نماید ،حکمش از دیگران رفع میگردد .

دلایل مشرعیت اعتکاف :

آیت قـرآنـــی :

خداوند سبحانه و تعالی فرموده است : « وعهد نا إلی ابراهیم واسمعیل أن طهر ا بیتی للطائفین والعاکفین والرکع السجود » « ووحی فر ستادیم بسوی ابراهیم واسماعیل که بر پا سازیدخانه مرا برای طواف کنندگان واعتکاف کنند گان ورکوع وسجده کنند گان »
(سوره بقره آیت 125)

احـادیـث نبـوی :

از عایشه (رض) روایت گردید است که گفت : « کـــان رسول الله (ص) یعتکف العشر ا لا واخر من رمضان حتی توفاه الله عزوجل » « بود پیا مبرصلی الله علیه وسلم که اعتکاف میکرد دهه اخیر رمضان را تا وقتی که وفات داد اورا خداوند عزوجل »
(متفق علیه).
همچنان از ابن عمر (رض) روایت است که گفت : « کان رسول الله (ص) یعتکف العشر الاواخر من رمضان » پیامبر(ص) « دهه اخیر رمضان را اعتکاف میگرد ».

حمکت مشر وعیت اعتکاف :

1- اعتکاف موجب فراغ قلب از امور دنیوی ومشاغل آن بوده وباعث روی آوردن به عبادت وذکر خالص خداوند متعال میباشد.
2 - سپردن وتفویض امور خود به خداوند متعال وایستادن بر دروازه ء فضل ورحمت .

3- اعتکاف به معنی تحصن به خداوند بر تر وتوانا میباشد وکسی که به معتکف اراده بدی بنماید نمی تواند به او بر سد وهیچ ظالمی نزدیکش شده نمی تواند که بروی ظلم کند.
معتکف توسط اعتکاف خویش را راحت نموده وقلب خود را هدایت می نماید پس اعتکاف عبارت از دوری از مخلو قات بوده که قوی ترین راه برای رسیدن به حق تعالی میباشد.

اقسام اعتـــــکاف :

1- واجب :
عبارت از اعتکافی است که نذر شده باشد واجب است چه بدون شرط باشد وچه مشروط) مثلاً شخص بگوید که اگر در امتحان کامیاب شدم ، اعتکاف خواهم کرد . چنین اعتکافی واجب است .

وقت اعتکاف واجب :

همانطوریکه برای اعتکاف واجب روزه شرط است لذا حداقل وقت آن یك روز است برای کمتر از یك روز یعنی چند ساعت نذر کردن اعتکاف بی معنی میباشد زیرا وقت روزه از طلوع آفتاب تا غروب آن میباشد.

2 - مستحـــب :

به جز اعتکاف دهه اخیر رمضان هر اعتکاف دیگری خواه در دهه اول ودر دهه دوم رمضان صورت گیرد ویا در ماه های دیگر مستحب است.

3-اعتکاف سنت مـــــؤکد :

اعتکاف در دهه اخیر رمضان المبارك سنت مؤکد کفایی میباشد . که مسلمانان باید به آن اهتمام بیشتر بعمل آرند.
خداوند پاك میفر ماید : « ولا تباشر وهن وأ نتم عاکفون فی المساجد ...»(البقره - 187)
« ومباشرت نکنید زنان را درحالیکه معتکف باشید در مساجد. »

شـــروط اعتکاف

برای صحت اعتکاف چهار شرط ضروری است :
۱- قیام در مسجد.
۲- نیـــــت .
۳- پاك بودن از حـــدث اکبر (جنابت ، حیض ونفاس).
۴- روزه در اعتکاف واجب روزه بودن شرط است . اما در اعتکاف مستحب ومسنون روزه بودن شرط نیست .

کار های مستحب دراعتکاف :

تلاوت قرآن مجید وتدبر در آن ، اهتمام به درود وسائر اذکار ، خواندن ویا تدریس علوم دینی و مصروفیت در تصنیف وتألیف وتحقیقات علمی .

صـدقـه فطر روزه

« والصدقة تطفى الخطيئة كما يطفى الماء النار « (الترمذي)
(صدقه گناهان را محو ونابود می کند همانطوریکه آب آتش را بی اثر می ماند .)
معنی لغوی فطر روزه را باز کردن ومعنی صدقه فطر: صدقه روزه باز کردن است . در اصطلاح مراد از صدقه آن صدقه واجبی است که با خاتمه یافتن رمضان وبه خاطر باز کردن روزه پرداخته میشود .
قبل از همه باید گفت که فطریه یا زکات فطر هیچ رابطی به فدیه و کفاره روزه ندارد، این واجبی است که هر مسلمانی موظف است قبل از نماز عید فطر آن زکات را بپردازد، یا خود بپردازد یا سرپرست او .
زکات فطر بر هر مسلمان آزادي که بیش از قُـــوُت یک شبانه روز خود و خانواده‌اش داشته باشد، واجب است. وهمچنان زکات فطر بر شخص واجب است که ازجانب خود و از جانب کساني آنرا بپردازد که نفقه آنها بر عهده او است . مانند همسر و فرزندان و خدمتگارش در صورتیکه مسلمان باشند – باید پرداخته میشود.
از ابن عمر (رض) روایت است: «أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم بصدقة الفطر عن الصغير والكبير والحر والعبد ممن تمونون» (صحیح ،بیهقی 4/161)
«پیامبر صلی الله علیه وسلم به دادن زکات فطر از کوچک و بزرگ و آزاد و برده، و کساني که نفقه آنها بر عهده شما است امر فرموده است».
دریک روایت دیگری از حضرت عثمان رضی الله آمده است که درآن زمان زکات جنین (طفل درشکم مادر) را نیزمیدادند و نزد مذهب حنبلی دادن زکات فطر برای جنین مستحب است ولی واجب نیست.
در حدیثی از ابنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّه عَنْهُمَا روایت است « فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم زَكَاةَ الْفِطْرِ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ، عَلَى الْعَبْدِ وَالْحُرِّ، وَالذَّكَرِ وَالأُنْثَى، وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَأَمَرَ بِهَا أَنْ تُؤَدَّى قَبْلَ خُرُوجِ النَّاسِ إِلَى الصَّلاَةِ.
(بخاری:1503) یعنی: ابن عمر رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم صدقه فطر را بر مرد و زن, بزرگ و کوچک, برده و آزاد مسلمان، فرض قرار داد و مقدار آن را یک صاع خرما و یا یک صاع جو، تعیین فرمود. و دستور داد تا قبل از نماز عید فطر، پرداخت گردد.

حکمت صدقه فطر:

در مورد حکمت صدقه فطر در حدیث که از ابن عباس رضی الله عنهماروایت گردیده امده است :« فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم زَكَاةَ الْفِطْرِ طُهْرَةً لِلصَّائِمِ مِنْ اللَّغْوِ وَالرَّفَثِ وَطُعْمَةً لِلْمَسَاكِينِ مَنْ أَدَّاهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ فَهِيَ زَكَاةٌ مَقْبُولَةٌ وَمَنْ أَدَّاهَا بَعْدَ الصَّلَاةِ فَهِيَ صَدَقَةٌ مِنْ الصَّدَقَاتِ» (صحیح سنن ابن ماجه1480- ابوداوود1594) (رسول خدا صلی الله علیه وسلم زکات پایان یافتن رمضان را فرض نمود تا وسیله پاک کننده برای روزه دار از کارهای بیهوده و یا کلام ناپسند باشد که بر زبان رانده است و هم چنین طعامی برای فقرا و مساکین

باشد ، هرکس قبل از نماز عید آن را بپردازد زکاتش پذیرفته شده است و هرکس بعد از نماز عید آن را بپردازد زکاتی را پرداخته است» .

زمان پرداخت زکات یا صدقه فطر:

در مورد زمان پرداخت صدقه فطر حکم اکثریت مطلق از احادیث نبوی همین است که : صدقه فطر هنگام طلوع فجر روز عید رمضان است از جمله در حدیثی که از : ابن عمر رضی الله عنه ، روایت شده آمده است : که پیامبر صلی الله علیه وسلم هدایت فرموده اند که :« زکات فطر قبل ازخروج مردم برای نمازعید ، پرداخت شود » (حدیث شمار 1503 امام بخاری) .

لیکن تقاضای حکمت ونصب العین وجوب آن در این است که این وجیبه باید چند روز قبل از عید رمضان صورت گیرد تا صدقه فطر به مستحقین ونیازمندان برسد. در حدیث ابن عمر رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ آمده است : « و کانوا یُعطُون قبل الفطر بیوم أو یومین » (رواه بخاری 1511) یعنی:« آنها زکات فطر را یک یا دو روز قبل از عید پرداخت می کردند» قابل یاد آوری است ، آنعده از مسلمانان که صدقه فطر خویش را بعد از نماز عید فطر تادیه مینمایند ، به عنوان صدقه فطر قبول نمی گردد .

وحکم آن در حدیثی که ازابن عباس روایت گردیده است چنین بیان گردیده است : « مَنْ أَدَّاهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ فَهِیَ زَکَاةٌ مَقْبُولَةٌ وَمَنْ أَدَّاهَا بَعْدَ الصَّلَاةِ فَهِیَ صَدَقَةٌ مِنْ الصَّدَقَاتِ » (ابو داود (1609) وحاکم 409/1 (1488). (...پس هر کس قبل از نماز (عید) آن را بپردازد به عنوان زکات فطر قبول است و هر کس بعد از نماز آن را بدهد صدقه ای همچون سایر صدقات خواهد بود).

مقدار زکات فطر:

قبل از همه باید گفت که مقدر صدقه فطر بر شخص بالغ ونابالغ یکسان میباشد وآن عبارت از یك کیلو ویکصدو ده گرام کندم ویا قیمت ان مطابق نرخ روز است .

در حدیثی که : ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت گردیده است آمده است « ما درزمان رسول الله صلی الله علیه و سلم یک صاع از گندم یا جو یا خرما یا کشک یا کشمش را برای هر نفرزکات فطر می دادیم (حدیث شماره 1505 امام بخاری وحدیث شماره 985 امام مسلم)

همچنان ابو سعید خدری رضی الله عنه در حدیث دیگری میفرماید : « کُنَّا نُخْرِجُ فِی عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و سلم یَوْمَ الْفِطْرِ صَاعًا مِنْ طَعَامٍ، وَکَانَ طَعَامَنَا الشَّعِیرُ وَالزَّبِیبُ وَالأَقِطُ وَالتَّمْرُ. (حدیث شماره 1510 بخاری) یعنی: ابوسعید خدری رضی الله عنه می گوید: ما در زمان رسول الله صلی الله علیه و سلم یک صاع از طعام را صدقه فطر میدادیم. و طعام ما در آن ایام، جو، کشمش، و خرما بود.

پس روشن می شود که زکات فطر باید یک صاع از طعام باشد وهرصاع برابر با چهارمد است.و به(2کیلو و400گرم تا2کیلو و500گرم) تعبیر شده است واین قول علمای مذهب شافعی و بعضی دیگر است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می فرماید:
زکات فطر پرداخت می شود از قوت بلد(منطقه)مانند برنج وغیره ،اگرچه شخص توان پرداخت موارد مذکور در حدیث را هم داشته باشد واین قول اکثر علما واصح اقوال است، که همانا اصل در دادن آن مساوات وبرابری با فقرا است. (الفتاوی الکبری 4/455) .
ابن قیم جوزی رحمه الله می فرماید:
این چند مورد از حبوبات (گندم- جو-خرما و...)که در احادیث آمده نشانگر آن است که در آن زمان در مدینه غذای غالب مردم همین چیزها بوده و اگر درجایی یا زمانی دیگر قوت غالب چیز دیگری باشد باید ازآن بپردازند اگرچه غذایشان غیرازحبوبات، مثل شیروگوشت و ماهی باشد. واین قول جمهور علما وقول ارجح است ومقصود از پرداخت زکات فطر یکسانی با مساکین است، درطعام روزعید، یعنی غذای مسکین هم درآن روز همانند بقیه مردم باشد.(اعلام الموقعین 12/3).
و این ردی است بر عمل کسانی که فقط به دادن گندم بسنده می کنند وخودشان از بهترین طعام در طول سال وروز عید استفاده می کنند.اما دادن خوراکی های دیگر مانند لوبیا و روغن و نخود و غیره،چنانکه بعنوان غذایی معمولی در سرزمینی استفاده می شد، بطوریکه کسانیکه از مساکین فطریه را دریافت می کنند ،می تواند با آنها برای روز عیدشان غذایی درست کنند جایز است وگرنه بهتر است که طعامی داده شود که بتوانند با آن در روز عید برای خود غذایی فراهم آورند که با بقیه فرقی نداشته باشد.
و دادن پول به جای طعام به عنوان زکات فطر مخالفت صریح با نصوص است چون زکات فطر عبادت است واصل در عبادت توقیفی بودن است وخدا ورسولش صلی الله علیه و سلم حکمت آنرا بهتر می دانند.
امام نووی رحمه الله می فرماید: عامه فقها دادن قیمت(پول) به جای طعام را جایز ندانسته اند، چون اگردادن پول جایز می بود خدا و رسول صلی الله علیه و سلم آن را بیان می فرمودند(شرح امام نووی بر صحیح مسلم) واین قول امام شافعی وامام احمد و امام مالک رحمه الله علیهم است.

مستحقین زکات یا صدقه فطر:

زکات فطر به همان اصنافی که استحقاق زکات را دارند باید پرداخت شود . طوریکه تفصیل کلی آن در (آیه 60 سوره توبه) به تفصیل بیان شده است : «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللهِ وَاللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»
یعنی:«صدقات تنها به :
1- فقرا هدف از فقرا کسانی اند که مال اندکی در اختیار دارند ولی از نفقه وضروریات اولاد خویش برامده نمیتواند.واندازه مال ودارایی شان به حدی نمیرسد که برآنان زکات واجب گردد.
2- مساکین : هدف از مساکین کسانی اند که برای نفقه چیزی ندارند ، بادرنظرداشت اینکه کار

میکنند ولی معاش شان به حد کافی نمی رسد . ویا معیوب هستند ، یا مریض اند که توانمندی شغلی وکاری را ندارند .
3- عاملین (مامورین بخش زکات) ویا به اصطلاح کسانیکه مصروف جمع اوری زکات آند ، این عده اشخاص با در نظرداشت اینکه معاش معین دارند ، ولی با آنهم از اینکه وخت خویش را در جمع اوری زکات بمصرف میرسانند ، بنآ دادن صدقه فطر برایشان جواز دارد .
4- مؤلفة القلوب عبارت از کسانی اند که : دلشان به دست آورده می‌شود(تازه مسلمان شده اند)
5- رقاب : عبارت از کسانی اند که در قبضه دیگران آمده باشند ، مثلآ زندانیان ،ازادی بردگان ویا آنعده اشخاصیکه در قرض گرفتار باشند .
6- غارمین : عبارت ازکسانی اند که قرضدار ویا در یک معامله متضرر شده باشند ، که توان پرداخت قرض ویا امکانات پرداخت ضرر را ندارند .
7- مجاهدین فی سبیل الله
8-ابن سبیل عبارت از اشخاصی است که در وخت سفر به کمک محتاج گردیده باشند ، بادر نظرداشت اینکه شاید در خانه خویش مال را دارا باشند .
این به عنوان فریضه از جانب خداست و خدا دانای حکیم است».
ولی چنان چه در فرموده پیامبرصلی الله علیه وسلم به آن اشاره شد: «زَكَاةَ الْفِطْرِ طُهْرَةً لِلصَّائِمِ مِنْ اللَّغْوِ وَالرَّفَثِ وَطُعْمَةً لِلْمَسَاكِينِ» «زکات فطر پاک کننده روزه دار از سخنان بیهوده و فحش و ناسزا است و طعامی برای مساکین می باشد»(صحیح سنن ابن ماجه1480- ابو داوود1594) پس فقرا و مساکین شایسته ترین اصناف به پرداختن زکات فطر هستند .

یـادداشت :

پس بر انسان حرام است که زکات فطر روزه خویش رابه بعد از نماز عید فطر به تأخیر بیندازد. چنانچه بدون عذر آن را بعد از نمازعید به تاخیر به اندازد ،از او به عنوان صدقه ی فطر قبول نمیگردد . ولی اگر شخصی بنا بر عذری نتوانست قبل از نماز عید زکات فطرش را تادیه نماید ، از جمله اگر کسی در مسافرت باشد و در خانه کسی را نداشته باشد که در غیاب او زکات فطرش را تادیه کند ، مسلمان به خاطر این تأخیر گناهکار نمی گردد ، چون معذور است. والله اعلم بالصواب

عید فـطـــــر :

کلمه « عید » در اصل از فعل عاد(عود) یعود به معنی بازگشت است ، ولذا به روزه هایی که مشکلات قوم وگروه بر طرف میشود وبه راحت ها وپیروزی های دست می یابند ، عید مسمی نموده اند. عید اسلامی فطر یکی از دو عید بزرگ اسلامی است که مسلمان روزه دار در طول ماه رمضان با ارتبا طهای پی در پی با خداوند متعال واستغفار از گناهان به تصفیه روح وجـان خویش همت گماشته واز تمام آلودگی ها ی ظاهری وباطنی که برخلاف فطرت انسان است خود را پاك نموده وبه فطرت واقعی خود بر می گردند.

طوریکه حضرت مسیح (ع) روز نزول مائده را روز بازگشت به پیروزی وپاکی وایما ن به خدا دانسته وآنرا به عید مسمی نموده است.
روایت است که نزول مائده به روز های یکشنبه صورت میگرفت بدین اساس روزه یکشنبه از احترام خاصی عیدی بین مسیحیان برخوردار میباشد.
کلمه عید تنها یکبار در قرآن عظیم الشان تذکریافته است :« اللهم ربنا انزل علینا ما ئدة من السما ء تکون لنا عیداً لاولنا وآخرنا وآیة منك ».
روز اول ماه شوال رابدین سبب عید فطر مسمی نموده اند که امر امساك ، صوم از خوردن ونوشیدن بر داشته شده وبه مسلمانان هدایت داده شده که روزه خود را افطار کنندوبه خوردن ونوشیدن رو آورند.
افطار یعنی فطور وفطور به معنای خوردن ونوشیدن طوریکه در ماه مبارك رمضان ، انسان افطار مینماید یعنی اجازه خوردن پس از امساك از خورن به او داده می شود.
مسلمانان در این روز در اثر یك ماه مهمانی وضیافت خداوند به صفای باطن دست یافته ودر حقیقت شخصیت واقعی خویش را باز یافته اند، بلی ، فطرت پاك انسان در طول سال در اثر غبار های جهل ونادانی وغفلت به انواع گناهان ومعصیت ها مبتلا شده واز حقیقت خود دور می شود ودر نتیجه دچار خود فراموشی وخدا فراموشی می گردد ، اما با فرا رسیدن ماه مبارك رمضان ،انسان در پرتو فضای معنوی آن ماه وتلاش های خویش به یك زندگی نوین دست می یابد،که می توان آن را« بازگشت به خویشتن»نامید .
مسلمانان در ایام مبارك رمضان با یك ماه روزه گرفتن ، تراویح ، تلاوت قـــرآن ، صدقه ، خیرات وسایر عبادات وخوبیهاي که به دستور رب العزت انجام داده اند ، این روز را منحیث روز خوشی وعید تجلیل می نمایند.
در روایت امده است زمانیکه پیامبر اسلام از مکه بـه مدنیه منوره هـجرت نمود مـردم آن دیار در هر سال دو روز را جشن میگرفتند پیامبر اسلام از مردم مدینه در مورد این دو جشن پرسید که چرا در این روز ها عید میگیرند ؟مردم در جواب گفتند « ما قبل از مشرف شدن به اسلام این دو روز را جشن معین نموده بودیم ، که در این روزه به تفریح وخوشحالی می پرداختیم »
پیامبر اسلام فـرمود : « خداوند در مقابل ایـن دو روز ، دو روز دیگـری را که نسبت به همچو جشن ها فضیلت وبر تـری بیشتری دارند برای مسلمانان مقرر نموده که یك روزه آن عید فطر وروز دیگر آن عید سعید اضحی است ».

اعما ل مسنون روز عید سعید فطر :

در حدیث امده است که :عبدالله بن عمر رضی الله عنه می‌فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم به همراه اصحاب در هر دو عید تکبیر گویان با صدای بلند به سوی نماز می‌رفتند.
(حدیث صحیح/ سنن بیهقی شماره 5925)

الفاظ تکبیر

الله اکبر الله اکبر ، لا اله الا الله ، والله اکبر الله اکبر ، و لله الحمد. (حدیث صحیح/ سنن بیهقی شماره 5925)

الله اکبر الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر و لله الحمد. (امام مالک و امام شافعی این لفظ را نیز جائز می‌دانند)

سایر اداب مسنونه در روز عید :

- توجه به آرستن وزیبایی خود
- بسیار وقت به عید گاه رفتن
- رعایت نظافت ، استعمال خوشبویی وعطر ، مسواک زدن و غسل کردن بعد از نماز فجر ، چنانچه در روز جمعه بر آن تأکید شده است .

از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در یکی از جمعه‌ها فرمودند: خداوند این روز را برای شما مسلمانان «عید» قرار داده است پس کسی که به نماز جمعه آمد، غسل بزند، و اگر بوی خوش دارد استفاده کند و مسواک بزند. (حدیث صحیح/ سنن ابن ماجه شماره 1098)

- بهترین لباس خود را بپوشد. (صحیح بخاری شماره 948)
- صبح وقت از خواب بر خاستن
- پرداختن صدقه ء فطر قبل از رفتن به عید گاه.
- خوردن شیرینی قبل از رفتن به عید گاه .

نماز عید :

نماز عید در دین مقدس اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است وپیامبر صلی الله علیه وسلم بر ادای این نماز واشتراک در ان تاکید بیشتر نموده است .

از ام عطیه رضی الله عنها روایت است که گفت : رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما فرمودند که دختران بکر (ازدواج نکرده) و زنان قاعده را به مصلی ببریم تا در کار نیک و دعای مسلمانان شریک باشند و زنان قاعده از مصلی کناره می‌گرفتند. (صحیح بخاری شماره 324)

پیامبر صلی الله علیه وسلم پای پیاده به مصلی می‌رفتند و بر می‌گشتند . (حدیث حسن/ سنن ابن ماجه شماره 1294)

پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز عید از راهی به مصلی می‌رفتند و از راه دیگر باز می‌گشتند . (صحیح بخاری شماره 986)

برای مأمومین مستحب است که برای نماز عید زود به مصلی بروند اما برای امام سنت است دیرتر به مصلی برود. (بخاری شماره 956)

پیامبرصلی الله علیه وسلم قبل از نماز عید سنتی نمی‌خواند ولی وقتی به منزلشان برمی‌گشتند دو رکعت می‌خواندند.(حدیث حسن/ ابن ماجه شماره1293)

ولی طبق دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی وارد مسجد شدیم می توانیم دو رکعت سنت تحیه مسجد بخوانیم. (صحیح مسلم شماره 714)

در روزه عید خـوانـدن دو رکعت نماز واجب است .

نیت نماز عید :

بعد از اینکه برای ادای نماز عید (فطر یا اضحی) در قلب نیت بعمل می اید :تکبیر تحریمه « الله اکبر » گفته دستهای خویش را تا برابر شانه ها ویا نرمی های گوش خود بلند نـــماید. انگاه دست های خود را طوریکه در سایر نماز ها می بندد بسته نموده ، « سبحانك اللهم » (ثنا) را بخـواند.

سپس امام ومقتد یها سه مـرتبه تکبیر گفته در هـر مرتبه دست های خود را تا برابر نرمی های گوشهایش بلند نموده ، بعد از هر تکبیر به اندازه ءگفتن سه مرتبه « سبحان الله » توقف نموده بعد مرتبه ء دیگر تکبیر دیگر را بگوید . بعد از تکبیر سوم دستهای خود را دوباره بسته نموده ، وتسمیه گفته سوره فاتحه وآیاتی از قرآن مجید را تلاوت نموده ، طبق معمول رکوع وسجودرا اداء نموده ، برای رکعت دوم ایستاده شود.در رکعت دوم اولاً سوره فاتحه را بخواند ، بعد از آن آیتی از قرآن مجید را خوانده قبل از رفتن به رکوع سه بار طوری تکبیر گوید که در هر مرتبه دستهای خود را تا نرمه های گوش مانند تکبیرات رکعت اول بلند نماید ودر تکبیر چهارم حسب معمول بـه رکوع رفته وبعد از انجام رکوع ، سجود وقاعـــده به نماز ش اختتام بخشیده به طرف راست وچپ سلام گرداند.

تبریك وتهنیت گفتن در عید :

تبریك و تهنیت گفتن یکی از برجسته ترین آداب در دین مقدس اسلام بشمار میرود. یکی از سنن پیامبر صلی الله علیه وسلم در استقبال از عیدین (عید فطر وعید اضحی) همین است که باید مسلمانان با یک دیگر در حین احوالپرسی ، مکاتبه ویا تیلفونی تهنیت و تبریک عیدین را بوجه احسن انجام دهند. محدثین مینویسند که : صحابه کرام در حین تبریکی روزه عید به همدیگر می گفتند: « تُقُبِّل الله منا ومنک » . (خداوند عبادات ما و شما را قبول کند).

در حدیث از جبیر بن نفیر رضی الله عنه روایت است که: اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگامی که در روز عید همدیگر را ملاقات می‌کردند به یکدیگر می‌گفتند: « تَقَبَّلَ اللهُ مِنَّا وَ مِنْک » (خداوند از ما و شما قبول بگرداند) (حدیث حسن - فتح الباری شرح حدیث 952 صحیح بخاری).

طوریگه یاد آور شدیم تبریک وتهنیت گفتن عید یکی از آداب بشری است . بنآ بر مسلمانان است ، فرق نمیکند ، کسانیکه بر گرفتن روزه استطاعت یافتند وکسانیکه بنابر معاذیری ، نتوانستد روزه ماه مبارک را بجاء آورند ، تا آداب تبریکی عید را مراعات نمایند .

البته ضروری وحتمی نیست که درتبریکی گفتن روز عید بصورت حتمی همین لفظ «تقبل الله منا ومنک » مورد استفاده قرار گیرد .

مسلمانان میتوانند کلمات وجملات مشابه وکلمات معمولی را که در زبان محلی در بین مردم معروف ومشهور است هم مورد استفاده قرار دهند، ولی نباید فراموش کر د که الفاظ وجملات که مورد استفاده قرار میگیرد باید الفاظ وجملات الفاظ مباح باشد.
مؤرخین مینویسند: از شیخ الاسلام ابن تیمیه در این باره سوال شد: «آیا تبریک گفتن در روز عید و آنچه که بر زبان مردم رایج شده که می گویند: « عیدت مبارک » و الفاظ مشابه آن، اصلی در شریعت دارد یا خیر؟ و اگر اصلی در شریعت دارد چه باید گفت؟
جواب دادند:
«تبریک روز عید و اینکه بعضی از مردم بعد از نماز (عید) در وقت دیدار به دیگران می گویند: « تقبل الله منا و منکم » و « أَحَالَهُ الله علیک» و همانند آن الفاظ، این امر از بعضی از صحابه روایت شده که آنها آنرا انجام دادند و ائمه (اربعه) از جمله امام احمد و دیگران بر آن رخصت و جواز داده اند، اما امام احمد گفته: من شروع کننده تبریک به کسی نخواهم بود اما اگر کسی در آغاز به من تبریک گوید به او جواب (متقابل) خواهم گفت. و این بدان خاطر است چون جواب سلام و تحیت واجب است، اما آغاز تبریک گفتن (به مردم) سنت نیست، البته از آن نهی هم نشده است، و هرکس آنرا انجام داد کارش درست است وهرکس انجام نداد کار او نیز ایرادی ندارد، (برای معلومات مزید مراجعه شود به :الفتاوی الکبری) (228/2).
همچنین شیخ ابن عثیمین مورد استفاده از الفاظ معینی در تبریکی عید میفرمایند : «تبریک عید جایز است، اما الفاظ مخصوصی ندارد، بلکه هرآنچه در میان مردم رایج (عرف) است، همان لفظ نیز جایز است بشرطیکه در آن گناهی نباشد».
شیخ ابن عثیمین می افزید : «تبریک عید توسط بعضی از صحابه صورت گرفته است، و بالفرض که چنین چیزی در بین صحابه وجود نداشته باشد، اکنون این امر (تبریک عید) از جمله امورات عادی بین مردم است که به آن عادت دارند(یعنی جزو عادت و عرف مردم شده است) که بعضی از مردم در وقت فرا رسیدن روز عید و اکمال روزه و قیام شب به دیگران تبریک می گویند».
همچنان شیخ ابن عثیمین در مورد : حکم مصافحه (دست دادن) و معانقه (بغل کشی کردن) و تبریک گفتن بعد از نماز عید طی فتوای فرموده اند که :
«انجام اینها ایرادی ندارد، زیرا مردم آنها را بعنوان عبادت و تقرب الی الله انجام نمی دهند، بلکه تنها به دلیل عادت و عرف انجام می دهند، و آنرا نشانه احترام و اکرام می دانند، و مادامیکه عادت (عرفی) مخالف با شریعت نباشد، اصل بر جواز آن است».(مجموع فتاوی ابن عثیمین) (208/16-210) .
خلاصه اینکه: مصافحه و یا تبریک گفتن به مناسبت روز عید قربان و عید فطر با هر لفظی که باشد ، بشرطیکه معنای لفظ گناه نباشد ، جایز است و می توان بصورت شفاهی یا کتبی یا غیره صورت گیرد وشرع در مورد کدام ممانعتی نمی بیند . زیرا این اعمال وجهه عبادی ندارند و برگرفته از عرف و عادت مردم است، و در کل تبریک گفتن نه سنت است و نه

مکروه، بلکه مباح است.

یادداشت :

کسانی که به نماز عید همراه امام نرسد وهمچنین زنانی که در خانه هستند می توانند نماز عید خویش در خانهای خویش را بجا آورند.

برخی ازآداب اجتماعی روز عید

همانطوریکه تبریک وتهنیت گفتن حلول عید مبارک برای مسلمانان واجب است ، عید برخی از اداب دارد که مسلمانان باید آنرا جداً مراعت فرمایند .

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیثی در این مورد میفرمایند : همانا پروردگار با عظمت به من وحی نمودند که نسبت به یکدیگر فروتن و متواضع باشید تا یکی بر دیگری ظلم و تعدی ننموده و فخر و تکبر نورزد. (صحیح مسلم شماره2865).

پیامبرصلی الله علیه وسلم در حدیثی دیگری آنعده از مردانی که خود را شبیه زنان و آنعده از زنانی که خود را شبیه مردان می‌سازند، لعنت نمودند و فرمودند: آنها را از خانه‌هایتان بیرون کنید. (صحیح بخاری شماره 5547)

پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمودند: زنانی که لباسهای نازک می‌پوشند و نیمه برهنه به نظر می‌رسند و (موی) سرشان ماند کوهان شتر (برآمده) است خودشان منحرف هستند و دیگران را هم منحرف می‌سازند، دوزخیانی هستند که من آنها را ندیده‌ام، وارد بهشت نمی‌شوند و بوی بهشت به مشامشان نمی‌رسد.(صحیح مسلم شماره 2128)

پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمودند: بخورید، بنوشید، بپوشید، و به یکدیگر صدقه دهید اما اسراف نکنید و تکبر نورزید.(حدیث حسن/ابن ماجه شماره 3605)

پیامبرصلی الله علیه وسلم فرمودند: کسی که می‌خواهد روزیش وسیع گردد و بقیه‌ی عمرش پر خیر و برکت باشد باید صله‌ی رحم را بجای آورد. و در روایتی قطع کننده‌ی (ترک کننده) صله‌ی رحم وارد بهشت نمی‌شود. (صحیح مسلم شماره 2556-2557)

عیدی یا عیدانه در روز عید

درکشور ما افغانستان در بین مسلمانان وبخصوص بین فامیل ها رواج است که بزرگان برای اولاد ها عیدی ویا عیدانه میدهند . این موضوع سالها به مغزم خطور میکرد ومطرح میشد که آیا حکم اسلامی در عیدی و عیدانه چه خواهد بود؟ عیدی و عیدانه از لحاظ شرعی جواز دارد ویا خیر ؟

در سایت وزین اسلامی در بخش فتوا اسلامی ،چشمم به فتوای هیئت علمي افتا بر خورد. در این فتوای علمای اسلام بر دادن عیدی یا عیدانه بر اطفال، فتوا ی را صادر نموده اندو آنرا از فهم اسلام جواز دانسته اند:

علمای دار الافتا مینویسند :عیدي دادن یا عیدي گرفتن و یا به اصطلاح شرعي هدیه دادن وگرفتن در ایام عید فطر یعنی عید رمضان وعید سعید الاضحی جایز بوده از لحاظ شرع اسلامی کدام ممانعتی ندارد .

زیرا دادن عیدی ویا عیدانه جزو عادات و عرفهایي است که بین مردم مرسوم بوده و هیچ

تضادي با تعاليم اسلام ندارد بلكه انسان بايستي در روز عيد به شادي و سرور بپردازد و صله رحم بجاي آورد و نيز هديه دادن از جمله موارد مطلوب در شرع است.

هيئت علمي افتا در مورد مينويسند :« هيچ ايرادي در آن نيست، چراكه عيدي دادن از جمله عادات و عرف پسنديده ي مردم است، و نيز باعث سرور و شادي مسلمان مي شود حال چه شخص بزرگ باشد چه كودک و بلكه امري است كه شرع بدان ترغيب داده است .(يعني هديه دادن مورد پسند شرع است).

براى معلومات بيشتر مراجعه شود به : «اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء - الشيخ عبد العزيز بن عبد الله بن باز ... الشيخ عبد العزيز آل الشيخ ... الشيخ صالح الفوزان ... الشيخ بكر أبو زيد . « فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء » (247/26) .»

اما نه در ساير اعياد غير مسلمانان يا اعياد بدعي كه اهل بدعت آنها را برگزار مي كنند زيرا عيدي دادن يا گرفتن در اعياد مشركان و يا اهل كتاب و يا اعيادي كه اهل بدعت ايجاد كرده اند در حقيقت به معناي اعتراف به وجود يا بزرگداشت آن اعياد است.

علما ء در نوع هديه عيدانه ميگويند :

هديه اي كه اهدا مي شود نبايد باعث آزار و اذيت ديگران شود مثلا (پتاقی) و يا مواد كه موجب آزار واذايت ديگران شود، كه اين هديه به هيچ صورت مورد پسند دين نيست، همچنان دادن پول بر اولادها كه توسط آن پيتا قی خريدارى نمايند ، در حقيقت ضايع كردن و نابودي مال است كه پيامبر صلي الله عليه وسلم درباره آن مي فرمايد:« إِنَّ اللَّه حَرَّمَ ثَلَاثًا وَنَهَى عَنْ ثَلَاث , حَرَّمَ عُقُوق الْوَالِد وَوَأْد الْبَنَات وَلَا وَهَاتِ وَنَهَى عَنْ ثَلَاث : قِيلَ وَقَالَ وَكَثْرَة السُّؤَال وَإِضَاعَة الْمَال » همانا الله تعالي سه چيز را حرام و از سه چيز نهي كرده : نافرماني پدر و زنده به گور كردن دختر و بي‌حكمتي را حرام كرده و از قيل و قال (اختلاف) و زياد سوال كردن و ضايع‌كردن ، مال نهي كرده است.(مسلم)

محـاسبه:

محاسبه ارزيابى ، قضاوت ومحاسبه اعمال روزانه ، واينكه ما بيست وچهار ساعت خويش را به چـه مصروف ساختيم ، اعمال مثبت ومنفى ما چه بوده است ، انسان را در رسيدن به « شناخت از خويش » كمك ميكند .

پيغمبر اسلام ميفرمايد : « حاسب نفسك قبل ان تحاسب فانه اهون لحسابك غدا »(با خود محاسبه كن قبل از اينكه با تو محاسبه صورت گيرد . واين عمل كار بازپرسى ومحاسبه ترا اسانتر مى سازد.

بـراى انسان مهم اينست كـه :« قبضه نفس » خود را در اختيار خودداشته باشد . انسان بـايد « امير نفس » باشد نه « اسير نفس » تا توانمدى مهار ساختن غرايزنفسى را بدست آرد .

اعمال مربوط به نيت است

« انما الا عمـــال با لنيات»« همه اعمال بستگى به نيت دارد » در همه عبادت ، نيت مهم

است : نیت را میتوان به روح وقلب عبادت مشابه ساخت . باید هر عبادت با نیت وقلب الی الله انجام یابد. نیت به قدری مهم است ونقش اساسی در تغییر وتحول دارد که حتی اگر امور غیر عبادی را با نیت صحیح الهی انجام دهیم همان امور هم ، بمثابه ، عبادت ما بحساب خواهد رفت .

پایان

موضوعات ومطالب رساله

شماره	عنوان	صفحه
1	مقدمه	
2	روزه وصحت	
3	فـوايـد طبی روزه	
4	فضيلت ماه مبارك رمضان	
5	نزول صحف وكتب آسمانی	
6	حفظ وصيانت ماه رمضان	
7	خـوشحالی هـای مـاه مبا رك	
8	كلمه رمضان	
9	معنای لـغـوی روزه	
10	حمكت وفلسفه فرضيت روزه	
11	حـكم فـرضيت روزه	
12	دلا يل وجوب رمضان	
13	حكـم وحكمت فـرضيت روزه	
14	هدف روزه	
15	روزه حـقـيـقی	
16	وقت فر ضيت ماه مبارک رمضان ووقت **ثبوت آن**	
17	دعای ديدن مـاه	
18	اقســـــام روزه	
19	فـــــرض	
20	واجـــب	
21	سنـــــت	
22	فضيلت روزه روز عرفه	
23	گرفتن روزه در مـاه محـرم	
24	روز هاي ماه شعبان	
25	روز های دوشنبه وپنجشنبه	
26	روزه هـــای ممنوعـــــه	
27	روزه وصال	
28	**روزه نفلی برای زن شوهر دار**	
29	روزه مـــكر وه	
30	روزه حـــــرام	
31	روز عيد رمضان وقربان	
32	روزه « ايـام تشريـــق »	
33	روزه گرفتن جمعه به تنهايی	
34	روزه گرفتن شنبه به تنهايی	
35	روزه بـــالای كی فـرض است	

36	سن بلوغیت	
37	مفهوم شرط قادر بـود ن	
38	روزة گرفتن کودکان	
39	نظریات فقها در مورد سن بلوغ	
40	امـــراض	
41	شیخـوخت ویـا کبر سن	
42	مجاهد	
43	مسافر	
44	برای مسافر روزه گرفتن بهتر است یا روزه نگرفتن	
45	حکم تصمیم سفردر رمضان	
46	حمل	
47	ارضـــــاع	
48	حـــائض ونفـاس در رمضان	
49	تابلیت جلوگیری عادت ماهانه	
50	شدت گـرسنگی وتشنگی	
51	تـرس از هـلاکت	
52	بـــی هـوشی	
53	جنـــــون	
54	حالاتی که شکستن روزه در آنها جایز جـا یـز است	
55	شـــروط روزه	
56	فـرایـض روزه	
57	سنن ومستحبـــات روزه	
58	وقـــت روزه	
59	سحـری« پـس شب » وا فـــطار	
60	**دعـای افـطار**	
61	دعا بعد از افطار	
62	ثـــواب افطار دادن	
63	حکم آذان برای افطار دررمضان	
64	افطار قبل از نماز مستحب است	
65	وقت افطارمؤذن دررمضان	
66	روزه در کشور های اسکندنوی	
67	امـور بـاطل کننده روزه	
68	مکروهات روزه	
69	فدیه چیست	
70	مقدار طعام واجب	
71	قـــضا ء روزه	
72	حکم قضای عمری روزه	
73	کفـــاره چیست ؟	

74	فديه فقرا وغرباء	
75	ماه رمضان و نـزول قــرآن	
76	نزول دفعي و كلي وتدريجي	
77	ليلــة الــقــــدر	
78	معناى قـــــدر	
79	ليلة القدر دركدا م شب مضان	
80	دعـــــاى ليلة الـقدر	
81	ارمغان هاى رمضان	
82	اهميت روزه در تناسب بانماز	
83	حكم فرضيت سى روز روزه	
84	پيام رمضان به روزه داران	
85	انصراف از تصميم روزه	
86	اهـانـت وتـوهـين بـه روزه	
87	استعمال قطره چكان	
88	قطره چكان بيني	
89	قطره چگان گوش	
90	قطره چگان هاى پاكـكننده گوش	
91	قطرچكان چشم	
92	قورت كردن بلغم در روزه	
93	استعمال سرمــه	
94	استعما ل عطر	
95	استعمال رنگ ناخون	
96	ديابت يا مريض شكر	
97	پيچكارى انزولين در رمضان	
98	ساير امپول ها وپيچكارى	
99	حكم بى حسى در رمضان	
100	حجامت	
101	مرض كم خونى وروزه	
102	مريضى سنگ كرده ورمضان	
103	دندان كشى در رمضان	
104	غسل جنابت ويا غسل تبرد	
105	حكم بوسه كردن در روزه	
106	استمناء	
107	احتلام در روزه	
108	ياد فراموشى	
109	داخل شد ن گرد وخاك در دهن	
110	داخل شدن آب در گـوش	
111	غـذاى باقى مانده درلاى د ندانها	

112	قئ واستفراق	
113	استعمال مسو ا ك	
114	چشيدن طعم اشيا ء	
115	نـرم كردن وجـويد ن نـان	
116	نصوار وسگريت دررمضان	
117	آداب روزه	
118	خوشی های روزه	
119	روزه ی اعضا ء	
120	زبان روزه دارد	
121	فلسفۀ بوي دهان روزه دار	
122	چشمان روزه دار	
123	گوش روزه دار	
124	دست روزه دار	
125	قلب روزه دار	
126	نفس روزه دار	
127	نماز تراويح	
128	تعداد ركعات نماز تراويح	
129	استراحت درنماز تراويح:	
130	ختم قرآن عظيم الشان درنمازتراويح	
131	تلاوت قرآن برای امام از روی	
132	مصحف در نماز تراويح :	
133	حضرت عمر ونماز تراويح:	
134	چرا نمازتراويح رابا جماعت خواند	
135	نماز تراويح پيامبر اسلام	
136	نماز تراويح بيست ركعت است	
137	تعدادركعت های نماز تراويح ...	
138	اعتكاف	
139	حمكت مشر وعيت اعتكاف	
140	اقسام اعتـــكاف :	
141	كار های مستحب دراعتكاف	
142	صـدقـه فطر روزه	
143	حكمت صدقه فطر	
144	زمان پرداخت زكات يا صدقه فطر	
145	مقدار زكات فطر	
146	مستحقين زكات يا صدقه فطر	
147	عيد فـــطـــــر :	
148	اعما ل مسنون روز عيد سعيد فطر	
149	ساير اداب مسنونه در روز عيد	

150	نماز عيد	
151	نيت نماز عيد	
152	تبريك وتهنيت گفتن در عيد	
153	برخی ازآداب اجتماعی روز عيد	
154	عيدی يا عيدانه در روز عيد	
155	محـاسبه	
156	اعمال مربوط به نيت است	

مـراجع ومنابع مهم

احيا ء علوم الدين امام محمد غزالی طوسی
احكام فقهی برای زن مسلمان نوشته : ابراهيم محمد الجمل
تفسير الميزان از : علامه محمد حسين طبا طبايی
تفسير كابلي مؤ لف محمود الحسن ديوبندی
احكام روزه : نوشته دكتور« محمد سعيد سعيد افغانی »
فقه آسان : مؤلف مولانا محمد يوسف اصلاحی
تفسير طبری : مؤلف ابو جعفر محمد بن جرير طبری متوفی سنه ۳۱۰ هـ
مشكاة شريف صحيح البخاری ومسلم
مفرادات قرآن از راغب اصفهانی
كيمای سعادات امام محمد غزالی
روزه ماه مبارك رمضان : تتبع ونگارش : فضل الرحمن فاضل
الفتاوی محمودی ، فتاوی جامع اهل سنت والجماعت

نـام رسـاله : رمضـان الـمبـارك

تتبع ونگارش :
امين الدين « سعيدی - سعيد افغانی »
مـديـر مركز مطالعات ستراتيژيكی افغان
و مسؤل مركز فرهنگی د حق لاره - جرمنی
ادرس ارتباطي : بريښنا ليک : saidafghani@hotmail.com